

خوبیہا و بدیہا

ج ۳



بسم الله الرحمن الرحيم

اخلاص در آیات و روایات

<?

جایگاه اخلاص

برای عبادت ها شرایطی تعیین شده است که مهم ترین آن، اخلاص در نیت است. اهمیت اخلاص در اعمال، تا آنجاست که عمل بی اخلاص، نه تنها مقرب نیست، یعنی شخص را به خدا نزدیک نمی کند، بلکه موجب دور شدن از بساط قرب ربوبی جَلَّ و عَلَی می شود. آیه های قرآنی بسیاری در این موضوع وارد شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ؛ بگو همانا من مأمورم که خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص گردانم». (زمر: ۱۱)

۲. «وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ بخوانید خدا را از سر اخلاص و در هر عبادت رو به سوی او آرید». (اعراف: ۲۹)

۳. «قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي؛ بگو من خدای را می پرستم و دینم را خاص و خالص برای او می گردانم». (زمر: ۱۴)

حذیفه بن یمان می گوید:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معنای اخلاص را پرسیدم. حضرت فرمود: من از جبرئیل و او از خدا سؤال کرد. خدای سبحان نیز فرمود: اخلاص سری است از اسرار من که در دل محبوب خود قرار می دهم.

پس، اخلاص که محور اساسی در نیت است، حکمتی ملکوتی دارد که کسی جز محبوب خدا به آن نمی رسد.

یکی از راه های شناخت هر چیز، شناخت طرف مقابل آن است. در مقابل اخلاص که صفتی پسندیده و نیکوست، ریا قرار دارد. ریا، یعنی اینکه به مردم نشان دهد برای خدا کار می کند، در حالی که برای خدا نباشد. ریا در متن کارهای عبادی، به بطلان عمل می انجامد. از این رو، در عبادت ها نیت را شرط می کنند و ریا را باطل کننده عمل می دانند. در خطبه شعبانیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده است که خدا را با نیت های صادق و قلب طاهر بخوانید. نیست در لوح دلم جز آلف قامت یار چه کنم حرف دگر، یاد نداد استادم

حافظ

در حدیثی از امام صادق علیه السلام برای ریاکار، سه نشانه ذکر شده است که عبارتند از:

۱. بهجت و نشاط دارد، وقتی که مردم او را می بینند. ۲. کسالت پیدا می کند، وقتی تنهاست. ۳. دوست دارد ثنا کرده شود در جمیع امورش.

پیام متن:

اخلاص، یعنی انگیزه تصمیم گیری ها فقط خدا باشد و بس.

بالاترین مرتبه اخلاص

بالاترین مرتبه اخلاص، آن است که هرگاه شخص عملی را انجام می دهد، به کمترین اجر در دو عالم چشم نداشته باشد و نظر او فقط رضای حق تعالی باشد و به جز او، مقصود و مطلوبی نداشته باشد. این مرتبه از اخلاص، اخلاص صدیقین است و به این مرحله نمی رسد، مگر کسانی که در دریای عظمت الهی غرق گشته اند و واله و جیران محبت اویند. گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است اسیر قید تو از هر دو عالم آزاد است

حافظ

رسیدن به این مرتبه از اخلاص فراهم نیست، مگر اینکه از همه خواهش های نفسانی دست برداری و پشت پا بر هوا و هوس زنی و دل خود را مشغول فکر و صفات و افعال پروردگار خود کنی. وقت خود را به مناجات او صرف کنی تا انوار جلال و عظمت او بر ساحت دل تو پرتو افکند و محبت و انس با او در دل تو جای گیرد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُجِبُ أَنْ يُحَمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ.

به درستی که برای هر حقی حقیقتی است و انسان به حقیقت اخلاص نمی رسد، مگر اینکه تمجید و ستایش مردم را (بر کارهای خود) دوست نداشته باشد.

و از امام صادق علیه السلام روایت است:

انسان بنده خالص نمی شود، مگر اینکه تعریف و تمجید و تکذیب او از طرف مردم در نظرش یکسان باشد. چون می داند که تعریف و تکذیب آنها واقعیت را تغییر نمی دهد. پس خوشحال نباش به تعریف کسی، چرا که تمجید، مقام انسان را در نزد خدا زیاد نمی کند و بی نیازش نمی سازد از آنچه برایش مقدر گردیده است.

پیام متن:

بالاترین مرتبه اخلاص، به کسانی اختصاص دارد که تنها برای خداوند کاری می کنند.

پست ترین مرتبه اخلاص؛ توهم اخلاص

پست ترین مرتبه اخلاص، آن است که در عمل خود قصد ثواب و خلاصی از عقاب داشته باشی و چه بسا عبادت هایی که در انجام آنها خود را به سختی می افکنی و آن را خالص از برای خدا می پنداری، حال آنکه به خطا رفته ای. از شخصی حکایت می کنند که گفت: سی سال نماز خود را که در مسجد در صف اول خوانده بودم، قضا کردم. به جهت اینکه یک روز به خاطر عذری به مسجد دیر آمدم و در صف اول جا نبود، در صف دوم ایستادم. در نفس خود خجالتی یافتم از اینکه مردم مرا در صف دوم ملاحظه کردند. دانستم که در این سی سال، دیدن مردم مرا در صف اول باعث اطمینان خاطر من بود و من به آن شاد بودم و به آن آگاه نبودم.

چه بسا در روز قیامت، اگر پرده ها کنار برود و اعمال آدمی با دقت خداوندی محاسبه شود، بر آدمی معلوم گردد که بسیاری از کارهای او از روی ریا بوده است، حال آنکه او می پنداشت برای خدا کار می کرده است. چنان که خداوند در قرآن می فرماید: «وَبَدَّلَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا؛ ظاهر شود از برای ایشان بدی های آنچه کرده اند». (جاثیه: ۳۳)

پس، چون روز قیامت فرا رسد و غش اعمال ظاهر شود، به جز روسپاهی و ندامت چیزی نماند. سحر بلبل حکایت با صبا کرد که عشق روی گل با ما چه ها کرد

غلام همت آن نازنینم که کار خیر، بی روی و ریا کرد

حافظ

پیام متن:

۱. عمل به انگیزه، رهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت، پایین ترین مرحله اخلاص؛

۲. گروهی در حقیقت، ریاکارند ولی خیال می کنند اهل اخلاص هستند.

فضیلت اخلاص و پستی ریا

از بسیاری روایت های وارده استفاده می شود که اخلاص، مقامی است رفیع از مقامات مقربان؛ هر که توفیق وصول به آن را یافت، به مرتبه عظیمی نایل آمده است. خدای تعالی در این باره می فرماید:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ. (بینه: ۵)

بندگان، مأمور به اوامر الهیه نگردیدند، مگر به آن جهت که عبادت کنند خدای را، در حالی که خالص کننده باشند از برای او دین را.

فرد مخلص، افزون بر اجرهای اخروی، در دنیا هم نزد خلق محترم است. ولی ریاکاران، افزون بر زیان اخروی و محرومیت از ثواب الهی، در دنیا هم به مقصود نخواهد رسید و نزد آن مخلوقی که برایشان ریا نمود هیچ مقام و آبرویی کسب نخواهد کرد، بلکه مصداق این آیه در سوره حج؛ «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» خواهد شد.

از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت است:

اگر بنده ای عملی به جا آورد و قصدش رضای خدا و ثواب آخرت باشد، پس در آن کار نیت رضای مخلوقی را وارد کند، نوعی مشرک خواهد بود.

لقای پروردگار که غایت مقصود است، بسته به اخلاص است. همچنان که خداوند خود می فرماید:

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا. (کهف: ۱۱۰)

هر که آرزوی ملاقات پروردگار خود را داشته باشد، پس باید عمل صالح به جا آورد و در عبادت پروردگار خود، احدی را شریک نسازد.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل است:

هیچ بنده ای نیست که چهل روز عملی را به اخلاص از برای خدا به جا آورد، مگر اینکه چشمه های حکمت از دل او بر زبانش جاری می گردد.

و همو می فرماید: «عمل را برای خدا خالص کن تا اندک آن، تو را کفایت کند». طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست

سعدی

امام رضا علیه السلام نیز فرموده است:

خوشا به حال کسی که خالص گرداند عبادت را و دعا را از برای خدا و دل او مشغول نگردد به آنچه دو چشم او می بیند و یاد خدا را فراموش نکند، به واسطه آنچه گوش های او می شنود و دل او محزون نگردد، به سبب آنچه خدا به دیگری عطا فرموده است. قلب روی اندود؛ نستانند در بازار حشر خالصی باید که از آتش برون آید سلیم

پیام متن:

مقدار عبادت مهم است، ولی مهم تر از آن، چگونگی به جای آوردن آن و اخلاص در آن است.

اخلاص و رهایی از دام شیطان

تا زمانی که در شخص مرتبه اخلاص وجود نداشته باشد، از شر شیطان رها نخواهد شد. زیرا خود شیطان لعین، به عزت رب العالمین قسم یاد کرده است که همه بندگان را گمراه می سازد، مگر اهل اخلاص را. چنان که از زبان او، در قرآن مجید آمده است:

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا غُورِيَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ. (ص: ۸۲ - ۸۳)

به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد، مگر خاصان از بندگان که برای تو خالص شدند.

در این باره، در حکایتی می خوانیم: درختی بود که جمعی آن را می پرستیدند و عابدی در بنی اسرائیل بر آن مطلع شده بود. غیرت ایمان، او را بر این داشت که تیشه بردارد و روانه شود تا آن درخت را قطع کند. در راه، شیطان به صورت مردی ظاهر شد، گفت: «به کجا می روی؟» گفت: «درختی است که جمعی از کافران به جای پروردگار، آن را می پرستند، می روم آن را قطع کنم.» گفت: «تو را چه به این کار.» و گفت وگو میان ایشان به طول انجامید تا امر به آن منجر شد که دست در گریبان شدند و عابد، شیطان را بر زمین افکند. چون شیطان خود را عاجز دید، گفت: «معلوم است که تو این عمل را به جهت ثواب می کنی و من از برای تو عملی قرار می دهم که ثواب آن بیشتر باشد. هر روز فلان مبلغ به زیر سجاده تو می گذارم، آن را بردار و به فقیران عطا کن. عابد فریب شیطان را خورد، از عزم قطع درخت درگذشت و به خانه برگشت.

هر روز سجاده خود را برمی چید، همان مبلغ در آنجا بود، برمی داشت و تصدق می کرد. چون چند روز بر این منوال گذشت، شیطان قطع وظیفه کرد و عابد در زیر سجاده خود زر نیافت. تیشه برداشت و رو به قطع درخت نهاد. شیطان سر راه بر او

گرفت، باز بر سر مجادله آمدند. در این مرتبه شیطان بر عابد غالب شد و او را بر زمین افکند. عابد حیران ماند، از شیطان پرسید: «چگونه این دفعه بر من غالب شدی؟» گفت: «به سبب اینکه در ابتدا نیت تو خالص بود و به جهت رضای خدا قصد قطع درخت کرده بودی و این دفعه به جهت آلودگی طمع، به قطع آن می روی و نیت تو خالص نیست؛ به این جهت من بر تو غالب گشتم.

پیام متن:

شیطان را بر اهل اخلاص راهی نیست.

ریای آشکار - ریای پنهان

آفت هایی که سرچشمه اخلاص را تیره و مکدر می سازد و نیت را آلوده می گرداند، گوناگون است. بعضی از آنها آشکارند و شکی در آنها نیست، مانند: ریای ظاهر و عمل به قصد خودنمایی در پیش مردم. بعضی دیگر پنهانند، مثلاً: عبادت را نزد مردم، نیکوتر از خلوت به جا آوری و در خضوع و خشوع، بیشتر بکوشی؛ با این نیت که تو الگوی مردمی و آنچه می بینند، می پذیرند و فرا می گیرند.

حال اگر به سبب جلب توجه مردم، عبادت را در حضور ایشان در نهایت خشوع به جا آوری، باید در خلوت نیز چنین باشی تا حالت خلوت و حضور یکسان باشد و نیت تو آلوده نشود. البته اگر دیده بینا داشته باشی، می بینی که این نیز فریب شیطان پلید است. تا زمانی که بنده ای به جهت مشاهده کسی، اعمال و احوالش در خلوت و جمع متفاوت باشد، عملش خالی از اخلاص است و باطن نیت او آلوده است.

پیام متن:

گاهی تشخیص دقیق ریا، کاری مشکل است که آن گاه باید به خدا پناه برد.

طریق درمان ریا

راه مبارزه با ریا کاری مانند همه اخلاق و کارهای ناپسند، دو چیز است:

نخست، توجه به علل و ریشه های آن به منظور خشکانیدن و نابود کردن آنها و سپس مطالعه در این باره برای آگاه شدن از پیآمدهای دردناکی که در انتظار آلودگان به این اخلاق نكوهیده است.

ریشه ریا، پی نبردن به حقیقت توحید است. اگر به این حقیقت توجه داشته باشیم که عزت و ذلت و روزی و نعمت، به دست خداست و دل های مردم در اراده و اختیار اوست، هرگز به خاطر جلب رضای این و آن، اعمال خود را آلوده به ریا نمی کنیم.

در قرآن کریم می خوانیم:

أَيُّنْتَعُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا. (نساء: ۱۳۹)

آیا کسانی که با دشمنان خدا طرح دوستی می ریزند، می خواهند عزت و آبرو نزد آنها کسب کنند، با اینکه همه عزت ها از آن خداست.

آری، اگر ایمان و عشق حقیقی به خداوند در اعماق جان آدمی پدید آید، دلیلی ندارد که برای جلب توجه مردم و کسب عزت و آبرو نزد آنها خود را به نفاق آلوده کند.

سعدی می گوید: صد زلت از نظر خلق در حجاب بهتر ز طاعتی که به روی و ریا کنیم

بعضی از بزرگان علم اخلاق گفته اند ریشه اصلی ریاکاری حب جاه و مقام است که اگر آن را به دقت بررسی کنیم، به سه اصل باز می گردد:

۱. علاقه به ستایش مردم از او. ۲. فرار از نکوهش آنها. ۳. طمع ورزیدن به آنچه در دست مردم است.

ریا، همچون آتش سوزانی است که گاه در خرمن اعمال انسان می افتد و همه را خاکستر می کند. نه تنها عبادت ها و طاعت های انسان را بریاد می دهد، بلکه گناه عظیمی است که مایه روسیاهی صاحب آن در دنیا و آخرت است.

همچنین، ریا کار در دنیا به سبب ملاحظه دل مردم، همواره پریشان خاطر است؛ زیرا رضای مردم حد و پایانی ندارد و هرگاه طایفه ای را از خود خشنود می کند، گروهی دیگر از او جدا می شوند و هر که رضای مردم را با ناخشنودی خداوند بجوید، خدا بر او خشم خواهد گرفت و مردم را نیز از او ناراضی و خشمگین خواهد ساخت.

لذتی که انسان از عمل خالص و نیت پاک می برد، با هیچ خوشی و لذتی برابر نیست و همین امر برای خلوص نیت کافی است؛ زیرا این لذت برخاسته از رضایت الهی است.

یکی از راه های درمان عمل ریا، این است که انسان برای پنهان داشتن عبادت ها و حسنه های خود بکوشد و به هنگام عبادت، در را بر روی خود ببندد و هنگام انفاق و کارهای دیگر، سعی بر کتمان آن کند تا به تدریج به این کار عادت کند.

پیام متن:

ریا موجب نابودی و بی ارزش شدن اعمال ما می شود، پس باید چاره ای برای آن اندیشید.

مصدق های با شکوه اخلاص

اخلاص امام خمینی رحمه الله

نمونه ای از اخلاص امام این بود که هرگز دوست نداشت در معابر عمومی طوری ظاهر شود که عده ای دور و بر ایشان را بگیرند. تا آنجا که ممکن بود، سئوالات طلبه هارا در خانه خود جواب می داد و پس از آنکه از کلاس درس خارج می شد، مسیر خلوتی را که معمولاً کوچه های منتهی به منزل بود، انتخاب می کرد و به منزل می آمد. بارها دیده می شد که بعد از درس، عده ای از آقایان که دوست داشتند همراه امام حرکت کنند، به دنبال ایشان راه می افتادند. اما وقتی حضرت امام متوجه می شد، می ایستاد و می گفت: «آقایان بفرمایند و بروند».

مقام معظم رهبری نیز درباره اخلاص حضرت امام رحمه الله می فرماید:

به اعتقاد من، مهم ترین و تعیین کننده ترین راز موفقیت امام، همان اخلاص و توجه و اتصال به خدا بود.

ایشان توانست معنای «ایاک نستعین» را در عمل خود مجسم کند و به منبع لایزال قدرت الهی متصل شود. وقتی یک انسان کوچک و ضعیف و ظرف محدودی، خودش را به آقایانوس بی پایان وصل می کند، دیگر هیچ عاملی وجود ندارد که بتواند بر او فائق آید.

اگر هر انسانی همین کار را بکند، همان گونه خواهد شد. البته انسان ها به آسانی نمی توانند این کار را بکنند، ولی ایشان توانست و کرد. ما باید به قدر وسع خودمان تلاش کنیم. بزرگان در قله ها ایستاده اند، ما نیز از دامنه ها حرکت کنیم و به آن سمت پیش برویم؛ هر چند به آن قله ها هم دست پیدا نکنیم، ولی به هر حال حرکت و رفتن، فریضه و وظیفه همه ماست.

اخلاص محدث قمی رحمه الله

محدث قمی، حدیث اخلاص بود و آیه زهد. در مسیری که می رفت، اگر کوچک ترین شبهه ای در دلش رخنه می کرد که قدمش برای خدا نیست و یا وسوسه ای قلبش را می لرزاند، بدون هیچ تأملی از مسیر باز می گشت. حتی اگر جمعیت بسیار نمازگزار، در قلبش او را متوجه خود می ساخت، از امامت جماعت خودداری می کرد. یکی از دانشمندان معاصر حکایت می کند:

من از همان اوقات که به تحصیل مقدمات اشتغال داشتم ام، نام محدث قمی را در محضر مبارک پدر بزرگوارم زیاد و توأم با تجلیل می شنیدم. وقتی برای تحصیل به مشهد مشرف شدم، زیارت ایشان را بسیار مغتنم می شمردم. چند سالی که با این دانشمند باایمان معاشرت داشتم و از نزدیک به مراتب علم و عمل و پارسایی و پرهیزکاری ایشان آشنا شدم، روز به روز بر ارادتم می افزود. در یکی از ماه های رمضان با چند تن از دوستان از ایشان خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد با اقامه جماعت بر علاقه مندان منت نهند که با اصرار و پافشاری، این خواهش پذیرفته شد و چند روز نماز ظهر و عصر در یکی از شبستان های آنجا اقامه شد و بر جمعیت این جماعت روز به روز افزوده می شد. هنوز به ده روز نرسیده بود که اشخاص زیادی اطلاع یافتند و جمعیت فراوانی گرد آمدند. یک روز پس از اتمام نماز ظهر، به من که نزدیک ایشان بودم، گفت: من امروز نماز عصر را نمی خوانم، رفت و دیگر آن سال را برای نماز جماعت نیامد. در موقع ملاقات و سؤال از علت ترک نماز جماعت، گفت: حقیقت این است در رکوع رکعت چهارم متوجه شدم که صدای اقتدا کنندگان که پشت سر من می گویند: «یا الله، یا الله، ان الله مع الصابرين»، از محلی بسیار دور به گوش می رسد. این، مرا به زیادتی جمعیت متوجه کرد و در من شادی و فرحی تولید کرد و خلاصه خوشم آمد که جمعیت این اندازه است؛ بنابراین من برای امامت اهلیت ندارم.

آیت الله بروجردی و اخلاص در عمل

آیت الله سیدمصطفی خوانساری فرمود:

روزی در خدمت آیت الله بروجردی نشسته بودم، عده ای از دوستان ایشان از خدمات و کارهای آن بزرگوار تمجید می کردند. من عرض کردم که آقا در روایت دارد: «خُلِّصَ الْعَمَلُ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ بَصِيرٌ؛ عملت را خالص کن، زیرا حساب رس اعمال، کاملاً بیناست.» تا این عبارت را خواندم، اشک از دیدگانش جاری گشت و حالش دگرگون شد و رو کرد به آقایان و فرمود: بله، «خُلِّصَ الْعَمَلُ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ بَصِيرٌ؛ مهم، انجام خدمات فراوان نیست، بلکه مهم، اخلاص در عمل است». غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

حافظ

پیام متن:

توجه و تلاش بسیار عالمان و بزرگان در رعایت اخلاص.

اخلاص در کلام ولایت

مقام معظم رهبری درباره اخلاص چنین می فرماید:

اخلاص، یعنی اینکه انسان، کار را برای خدا و به عشق عمل به وظیفه انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده طلبی و افزون طلبی، کار نکند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند. این، معنای اخلاص است. این چنین کاری پیش می رود. این گونه کاری مثل شمشیر برنده، هر مانعی را از سر راه برمی دارد.

ما در دوران انقلاب اسلامی، آن اخلاص را بالعینه در زندگی مردم کشورمان مشاهده کردیم و شد آنچه شد.

امام بزرگوار ما مظهر این اخلاص بود و کرد آنچه کرد. او دنیا را در مقابل اسلام، خاضع و خاشع کرد و دشمنان اسلام را به عقب نشینی واداشت

نظور از «اخلاص» همان خلوص نیت است، و منظور از خلوص نیت این است که انگیزه تصمیم گیری تنها خدا باشد و بس.

ممکن است کسانی دارای اراده های محکم برای انجام مقاصدی باشند، ولی انگیزه آنها رسیدن به اهداف مادی باشد؛ اما سالکان راه خدا کسانی هستند که اراده نیرومند آنان آمیخته با خلوص نیت، و برخاسته از انگیزه های الهی است.

در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی، به کمتر چیزی به اندازه اخلاص نیت اهمیت داده شده است. در جای جای قرآن مجید و کلمات معصومین (ع) سخن از اخلاص نیت به میان آمده، و عامل اصلی پیروزی در دنیا و آخرت شمرده شده است؛ و اصولاً از نظر اسلام هر عملی بدون اخلاص نیت بی ارزش است. این از یک سو.

از سوی دیگر، مساله اخلاص از مشکلترین کارها شمرده شده به گونه ای که تنها اولیاء الله و بندگان خاص خدا به اخلاص کامل می رسند، هر چند اخلاص در هر مرحله ای محبوب و مطلوب است.

بهتر است در اینجا نخست به سراغ قرآن مجید برویم و گوشه ای از آیات مربوط به اخلاص را که ویژگیهای خاصی دارد از نظر بگذرانیم:

در آیات متعددی از قرآن، سخن از مخلصین (خالصان) یا مخلصین (خالص شدگان!) به میان آمده، و آنها را با تعبیرات گوناگون و پرمعنی توصیف و تمجید می کند، از جمله:

(۱) در آیه ۵ سوره بینه می خوانیم: «و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوة و يؤتوا الزكوة و ذلك دين القيمة؛ به آنها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند در حالی که دین خود را خالص کنند و از شرک به توحید باز گردند نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار!»

با توجه به این که دین مفهوم گسترده ای دارد که عقاید و اعمال و درون و برون را همگی شامل می شود، و با توجه به این که ضمیر در «ما امروا» به همه پیروان مذاهب آسمانی برمی گردد، و با توجه به این که: اخلاص و نماز و زکات در آیه به عنوان تنها دستورهای الهی به همه آنها است، اهمیت این موضوع کاملاً روشن می شود، این تعبیر نشان می دهد که همه دستورهای الهی از حقیقت توحید و اخلاص سرچشمه می گیرد.

۲) در جای دیگر همه مسلمانها را مخاطب ساخته و می فرماید: «فادعوا الله مخلصين له الدين و لو كره الكافرون؛ خداوند (بیگانه) را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هرچند کافران ناخشنود باشند.» (سوره غافر، آیه ۱۴)

۳) در جای دیگر، شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مخاطب ساخته و بطور قاطع به او دستور می دهد: «قل انی امرت ان اعبد الله مخلصا له الدين؛ بگو من مأمورم خدا را پرستش کنم، در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم!» (سوره زمر، آیه ۱۱)

از این آیات و آیات متعدد دیگر که همین معنی را می رساند بخوبی استفاده می شود که اخلاص اساس دین و شالوده محکم و رکن رکین آن است.

درباره مخلصان (خالص شدگان) که تفاوت آن را مخلصین (خالصان) شرح خواهیم داد، تعبیراتی از این مهمتر دیده می شود:

۱) در آیه ۳۹ و ۴۰ سوره حجر می خوانیم که شیطان بعد از رانده شدن از درگاه خدا، از سر لجابت و خیره سری عرض می کند: «و لا غوینهم اجمعین - الا عبادک منهم المخلصین؛ من همه آنها را گمراه خواهم ساخت مگر بندگان مخلص را!»

این تعبیر نشان می دهد که موقعیت بندگان مخلص آن چنان تثبیت شده است که حتی شیطان افسونگر و لجوج طمع خود را از آنها بریده است.

۲) در آیه ۳۹ و ۴۰ سوره صافات، وعده پاداش فوق العاده ای که جز خدا از آن آگاه نیست به آنان داده شده، می فرماید: «و ما تجزون الا ما کنتم تعملون - الا عباد الله المخلصین؛ شما جز به آنچه انجام می دادید جزا داده نمی شوید، مگر بندگان مخلص خدا (که رابطه ای میان اعمال و جزای آنها نیست، و بر سرخوان نعت الهی بی حساب پاداش می گیرند).

۳) در آیه ۱۲۷ و ۱۲۸ همین سوره (صافات) مقام مخلصین را چنان والا شمرده که از حضور در دادگاه الهی در قیامت معافند (و یکسره به بهشت جاویدان پروردگار روانه می شوند!)

۴) در آیه ۱۵۹ و ۱۶۰ همین سوره تنها بیان و توصیف مخلصین را شایسته ذات پروردگار شمرده است، که نشان عمق واقعی معرفت آنان است؛ می فرماید: «سبحان الله عما یصفون - الا عباد الله المخلصین؛ منزّه است خداوند از آنچه آنها توصیف می کنند، مگر (توصیف) بندگان مخلص خدا!»

۵) در آیه ۲۴ سوره یوسف، هنگامی که سخن از حمایت الهی در برابر وسوسه های خطرناک همسر عزیز مصر به میان می آورد، می فرماید: «کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصین؛ اینچنین کردیم، تا بدی و زشتی را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود.»

در این که میان «مخلص» و «مخلص» («خالصان» و «خالص شدگان») چه تفاوتی وجود دارد؟ سخنهایی گفته شده است؛ ولی شاید بهترین تفسیر در این زمینه این باشد که «مخلصان» کسانی هستند که خود در راه خالص سازی خویشتن از هرگونه آلودگی به شرک و انگیزه های غیر الهی، و رذائل اخلاقی گام می نهند، و تا آنجا که در توان دارند پیش می روند؛ اما «مخلصان» کسانی هستند که امدادهای الهی و عنايات ربانی، آخرین ناخالصیهای وجودشان از میان می برد، و به لطف پروردگار از هر نظر خالص می شوند.

توضیح این که: ناخالصیها در وجود انسان در واقع دو گونه است:

گونه ای از آن طوری است که انسان از آن آگاه می شود، و توان بر طرف ساختن آن را دارد، و در این راه می کوشد و تلاش می کند و موفق به اخلاص نیت و عقیده و عمل می شود.

اما گونه ای دیگر از آن بقدری مخفی و مرموز است که انسان توانایی بر تشخیص، و در صورت تشخیص، توانایی بر پاکسازی آن ندارد؛ همان گونه که در روایت معروف نبوی وارده شده: «ان الشرک اخفی من دبیب النمل علی صفاة سوداء فی لیلة ظلماء؛ شرک (و نفوذ آن در اعمال) مخفی تر است از حرکت مورچه بر سنگ سیاه در شب تاریک!» [۲]

در این گونه موارد هرگاه لطف الهی شامل حال سالکان راه نشود، از این گذرگاه صعب العبور گذر نخواهند کرد، و در ناخالصیها می مانند؛ اما گویی خداوند جایزه کسانی را که در اخلاص خویش تا آخرین مرحله توان و قدرت می کوشند، این قرار داده که باقی مانده راه را تنها با عنایت او بیابند، و این مخلصان را مخلص کند.

هنگامی که انسان به این مرحله برسد دیگر در برابر وساوس شیاطین و هوای نفس بیمه خواهد شد، و طمع شیطان از او بریده می شود، و شیطان در برابر این افراد رسماً اظهار عجز می کند.

اینجاست که از خوان نعمت الهی بی حساب بهره می گیرند، و توصیف آنها درباره صفات جلال و جمال پروردگار، رنگ توحید خالص به خود می گیرد، و طبیعی است که در قیامت نیز بدون حساب وارد بهشت می شوند چرا که حساب خود را در این جهان صاف کرده اند.

این همان است که امیرمؤمنان علی علیه السلام طبق بعضی از خطب نهج البلاغه بدان اشاره کرده، و در توصیف بندگان شایسته پروردگار می فرماید: «قد اخلص لله فاستخلص؛ یکی از صفات برجسته آنان این است که خویش را برای خدا خالص کرده، و خداوند خلوص او را پذیرفته (و به مرحله نهایی رسانیده است).» [۳]

به همین دلیل درباره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی چنین آمده است: «فعند ذلک استخلص الله عزوجل لنبوته و رسالته من الشجرة المشرفة الطيبة ... محمدا صلی الله علیه و آله اختصه للنبوته و اصطفاة بالرسالة؛ در این هنگام خداوند بزرگ محمد صلی الله علیه و آله را برای نبوت و رسالتش از شجره پر ارزش پاک برگزید و خالص گردانید.» [۴]

و در حدیث دیگری که از بعضی معصومان: روایت شده می خوانیم: «وجدت ابن آدم بین الله و بین الشیطان فان احبه الله تقدست اسمائه، خلصه و استخلصه و الا خلی بینه و بین عدوه؛ فرزندم آدم را در میان خدا و شیطان می بینم، اگر خداوند متعال او را (به سبب تلاش و کوشش در راه اخلاص) دوست دارد، خالص و مخلصش می سازد، وگرنه او را در برابر شیطان، رها می سازد». [۵]

کوتاه سخن این که: مساله خلوص و اخلاص در نیت و اعتقاد و اخلاق و عمل، از مهمترین گامها و اساسی ترین پایه های تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله است.

● اخلاص در روایات اسلامی

این معنی در روایات اسلامی نیز فوق العاده مورد بحث قرار گرفته است که گوشه هایی از آن را در ذیل از نظر می گذرانیم:

(۱) در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «ثلاث لا یغفل علیهن قلب رجل مسلم اخلاص العمل لله عزوجل و النصیحه لائمة المسلمین و اللزوم لجماعتهم؛ سه چیز است که قلب هیچ مسلمانی نباید درباره آن خیانت کند (و همه مسلمین باید آن را رعایت کنند): خالص کردن عمل برای خدا، و خیرخواهی برای پیشوایان اسلام و ملازمت جماعت مسلمین و جدا نشدن از آن». [۶]

(۲) در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم که اخلاص از اسرار الهی است: «الاخلاص سر من اسراری استودعه قلب من احبته من عبادی؛ اخلاص یکی از اسرار من است و آن را در قلب هر کس از بندگانم را که دوست بدارم به ودیعه می گذارم». [۷]

(۳) امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «الاخلاص اشرف نهاییه؛ اخلاص با ارزشترین مقامی است که انسان به آن می رسد». [۸]

(۴) و در تعبیر بلند دیگر می فرماید: «الاخلاص اعلی الایمان؛ اخلاص برترین مقام ایمان است». [۹]

(۵) و در تعبیر پرمعنای دیگری از همان امام می خوانیم: «فی اخلاص الاعمال تنافس اولوا النهی و الالباب؛ رقابت عاقلان و اندیشمندان با یکدیگر در اخلاص عمل است». [۱۰]

(۶) این مساله تا آنجا اهمیت دارد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله تفاوت مقامات مؤمنان را در تفاوت درجات اخلاص می شمرد و می فرماید: «بالاخلاص تتفاضل مراتب المؤمنین». [۱۱]

(۷) امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز آخرین مرحله یقین را اخلاص معرفی می کند و می فرماید: «غایه الیقین الاخلاص». [۱۲]

۸) اخلاص بقدری اهمیت دارد که مقدار مختصری از عمل که با آن باشد سبب نجات انسان می گردد، چنان که در حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «اخلص قلبک یکفک القلیل من العمل». [۱۳]

۹) اخلاص تا آن حد اهمیت دارد که علی علیه السلام آن را عبادت مقربان درگاه خدا می شمرد، و می گوید: «الاخلاص عبادة المقربین». [۱۴]

۱۰) این بحث دامنه دار را با حدیث جالب دیگری از علی علیه السلام به پایان می بریم که فرمود: «طوبی لمن اخلص لله العبادة و الدعاء و لم يشغل قلبه بما تری عیناه، و لم ينس ذکر الله بما تسمع اذناه و لم يحزن صدره بما اعطی غیره؛ خوشا به حال کسی که عبادت و دعایش را برای خدا خالص کند، و قلب خود را به آنچه می بیند مشغول ندارد، و یاد خدا را با آنچه می شنود، به فراموشی نسپرد، درونش به خاطر نعمتهایی که به دیگران داده شده است، غمگین نشود». [۱۵]

● حقیقت اخلاص

مرحوم فیض کاشانی در محجّه‌البیضاء در این زمینه چنین می نویسد: «حقیقت اخلاص آن است که نیت انسان از هرگونه شرک خفی و جلی پاک باشد»، قرآن مجید می فرماید: و ان لکم فی الانعام لعیبة نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین؛ در وجود چهارپایان برای شما درسهایی عبرتی است، چرا که از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم. [۱۶]

«شیر خالص آن است که نه رگه های خون در آن باشد، و نه اثری از آلودگی درون شکم و نه غیر آن، صاف و پاک و بدون غل و غش باشد؛ نیت و عمل خالص نیز همان گونه است، باید هیچ انگیزه ای جز انگیزه الهی بر آن حاکم نگردد». [۱۷]

در روایات اسلامی نیز تعبیرات بسیار لطیفی درباره حقیقت اخلاص و نشانه های مخلصین بیان شده که به بخشی از آن اشاره می کنیم:

۱) در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «ان لكل حق حقيقة و مابلغ عبد حقيقة الاخلاص حتی لا یحب ان یحمد علی شیء من عمل الله؛ هر حقیقتی نشانه ای دارد، هیچ بنده ای به حقیقت اخلاص نمی رسد مگر زمانی که دوست نداشته باشد که او را به خاطر اعمال الهی اش بستانند». [۱۸]

۲) در حدیث دیگری از همان حضرت نقل شده که فرمود: «اما علامة المخلص فاربعة؛ یسلم قلبه، و تسلّم جوارحه، و بذل خیره و کف شره؛ اما علائم مخلص چهار چیز است: قلبش تسلیم خداست، همچنین اعضایش تسلیم فرمان اوست، خیر خود را در اختیار مردم می گذارد و شر خود را باز می دارد». [۱۹]

۳) در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «لایکون العبد عابدا لله حق عبادته حتّی ینقطع عن الخلق کله الیه، فحینئذ یقول هذا خالص لی فی-تقبله بکرمه؛ هیچ عبادت کننده ای حق عبادت خدا را به جا نمی آورد، مگر این که از تمام مخلوقات چشم بردارد و متوجه او شود؛ در این هنگام، خداوند می فرماید: این برای من خالص شده است؛ پس به کرمش او را می پذیرد.» [۲۰]

۴) و بالاخره امام صادق علیه السلام جان سخن را در یک جمله کوتاه خلاصه کرده، و درباره اخلاص می فرماید: «ما انعم الله عزوجل علی عبد اجل من ان لایکون فی قلبه مع الله غیره؛ خداوند متعال نعمتی بزرگتر از این به بنده ای نداده است که در قلبش با خدا، دیگری نباشد.» [۲۱]

اکنون با توجه به اهمیت فوق العاده اخلاص، و تاثیر عمیق آن در پیمودن راه حق، و وصول به مقامات عالیّه قرب الی الله، این سؤال پیش می آید که اخلاص را چگونه می توان به دست آورد؟

بی شک اخلاص نیت همیشه برخاسته از ایمان و یقین و عمق معارف الهیه است؛ هر قدر یقین انسان به توحید افعالی خدا بیشتر باشد و هیچ مؤثری را در عالم هستی، جز ذات پاک او نشناسد، و همه چیز را از او و از ناحیه او و به فرمان او بداند، و اگر اسباب و عواملی در عالم امکان وجود دارد، آن را نیز سر بر فرمان او ببیند چنین کسی اعمالش توأم با خلوص است؛ زیرا جز خدا مبدا تأثیری نمی بیند که برای او کار کند.

این حقیقت در روایات اسلامی در عبادات کوتاه و پر معنایی منعکس است: امام علی بن ابیطالب علیهما السلام در حدیثی می فرماید: «الاخلاص ثمره الیقین؛ اخلاص میوه درخت یقین است.» [۲۲]

و از آنجا که عبادت به مقتضای واعبد ربک حتی یأتیک الیقین یکی از اسباب یقین می باشد، در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است که «الاخلاص ثمره العبادۃ؛ اخلاص میوه درخت عبادت است.» [۲۳]

و نیز از آنجا که علم و معرفت یکی از سرچشمه های یقین است، و یقین چنان که گفتیم سرچشمه اخلاص است، در حدیثی از همان حضرت آمده است که فرمود: «ثمره العلم اخلاص العمل؛ میوه علم، اخلاص عمل است.» [۲۴]

و بالاخره در گفتار جامعی از مولی علی علیه السلام به سرچشمه های اخلاص چنین اشاره شده است: «اول الدین معرفته، و کمال معرفته التصدیق به، و کمال التصدیق به توحیده، و کمال توحیده الاخلاص له؛ سرآغاز دین معرفت خداست، و کمال معرفتش تصدیق ذات اوست، و کمال تصدیق ذاتش، توحید و شهادت بر یگانگی او می باشد؛ و کمال توحید او اخلاص است.» [۲۵]

● موانع اخلاص

بزرگان علم اخلاق در این زمینه اشارات روشن و دقیقی دارند، بعضی معتقدند اخلاص موانع و آفات آشکار و نهان دارد؛ بعضی بسیار قوی و خطرناک و بعضی ضعیفتر است، و شیطان و هوای نفس برای مشوب ساختن ذهن انسان و گرفتن صفا و اخلاص و آلوده کردن اعمال به ریا نهایت تلاش و کوشش را می کنند.

بعضی از مراحل ریا کاری و آلودگی نیت به قدری روشن است که هر کسی آن را در می یابد؛ مثل این که شیطان در نمازگزار نفوذ می کند و می گوید نماز را آرام و آهسته و با آداب و خشوع انجام ده، تا حاضران تو را انسانی مؤمن و صالح بدانند و هرگز به غیبت تو آلوده نشوند، این یک فریب آشکار از ناحیه شیطان است!

گاه این وسوسه های شیطانی به شکل مخفی تری صورت می گیرد، و در لباس اطاعت ظاهر می شود؛ مثلاً، می گوید: تو انسان برجسته ای و مردم به تو نگاه می کنند، اگر نماز و اعمال را زیبا سازی دیگران به تو اقتدا کرده و در ثواب آنها شریک خواهی شد، و انسان بی خبر گاه تسلیم چنین وسوسه ای می شود، و در دره هولناک ریا سقوط می کند.

گاه وسوسه های شیطان از این هم پیچیده تر و پنهان تر است؛ مثل این که به نماز گزار می گوید انسان مخلص کسی است که در خلوت و جلوت یکسان باشد، کسی که عبادتش در خلوات کمتر از جلوات باشد، ریا کار است، و به این ترتیب او را وادار می کند که در خلوت نماز خود را جالب و جاذب کند تا بتواند در بیرون و در مقابل مردم نیز چنین کند و به اهداف خود برسد این نیز یک نوع ریا کاری خفی است که ممکن است بسیاری از آن غافل شوند و از درک آن عاجز گردند. و همچنین مراحل مخفی تر و پنهان تر. [۲۶]

براستی موانع و آفات اخلاص به قدری زیاد و متنوع و پنهان است که هیچ انسانی جز از طریق پناه بردن به لطف الهی از آن رهایی نمی یابد.

در روایات اسلامی نیز هشدارهای مهمی درباره آفات اخلاص آمده است:

از جمله در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: «کیف یستطیع الاخلاص من یغلبه الهوی؛ چگونه توانایی بر اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او غالب است؟» [۲۷]

در حقیقت، عمده ترین آفت اخلاص و مهمترین مانع آن در این حدیث شریف بیان شده است. آری! هوای نفس است که سرچشمه اخلاص را تیره و تاریک می سازد.

در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار می خوانیم: «قلل الأمل تخلص لك الأعمال؛ آرزوها را کم کن (و دامنه آرزوهای دور و دراز را جمع نما) تا اعمال تو خالص شود!» [۲۸]

این نکته حائز اهمیت است که گاه انسان در این مورد، گرفتار وسواس می شود که آن خود یکی دیگر از نیرنگهای شیطان است، به او می گوید به نماز جماعت مرو، چرا که در آنجا ممکن است نیت آلوده شود، فقط در خانه نماز بخوان، یا هنگامی که در میان جمعیت به نماز بر می خیزی مستحبات را ترک کن و نماز را بسیار سریع و دست و پا شکسته بخوان مبادا آلوده ریا

گردد. و بسیار دیده ایم افرادی را که به خاطر همین گرفتاری از مستحبات مؤکدی که شرع، به آن دعوت کرده است باز مانده اند.

و شاید به همین دلیل است که قرآن مجید مردم را دعوت به انفاق پنهان و آشکار هر دو کرده است. می فرماید: «الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرا و علانیة فلهم اجرهم عندربهم ولاخوف علیهم ولاهم یحزنون؛ آنها که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند». [۲۹]

این بحث را با ذکر نکته دیگری پایان می دهیم و آن این که داشتن اخلاص در خلوت و تنهایی. چندان افتخار نیست، مهم آن است که انسان در جلوت و در میان مردم و در مرئی و منظر همگان بتواند اعمال خالصانه انجام دهد.

• آثار اخلاص

از آنجا که اخلاص گرانبهاترین گوهری است که در خزانه قلب و روح انسان پیدا می شود، آثار فوق العاده مهمی نیز دارد که در روایات اسلامی با تعبیرات کوتاه و بسیار پر معنی به آن اشاره شده است.

در حدیث معروفی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «ما اخلص عبد الله عزوجل اربعین صباحا الا جرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه؛ هیچ بنده ای از بندگان خدا چهل روز اخلاص را پیشه خود نمی سازد مگر این که چشمه های حکمت و دانش از قلبش بر زبانش جاری می شود». [۳۰]

در حدیث دیگری از امام علی بن ابیطالب علیهما السلام می خوانیم: «عند تحقق الاخلاص تستتیر البصائر؛ به هنگام تحقق اخلاص، چشم بصیرت انسان نورانی می شود». [۳۱]

در حدیث دیگری از همان حضرت می خوانیم: «فی اخلاص النیات نجاح الامور؛ در اخلاص نیت پیروزی در کارها است». [۳۲]

این نکته روشن است که هر قدر نیت خالصتر باشد به باطن کارها اهمیت بیشتری داده می شود تا به ظاهر کار، و به تعبیر دیگر، محکم کاری در حداعلی خواهد بود؛ به همین دلیل پیروزی در کار تضمین خواهد شد. و بعکس اگر نیت آلوده به ریا باشد به ظاهر بیش از باطن اهمیت داده می شود و کارها و برنامه ها توخالی می گردد و همین امر سبب شکست است.

و نیز به همین دلیل، در حدیث دیگری از همان امام علیه السلام می خوانیم: «لو خلصت النیات لزکت الاعمال؛ اگر نیت خالص شود اعمال پاکیزه خواهد شد». [۳۳]

• ریا کاری

نقطه مقابل اخلاص «ریا» است، که در آیات و روایات اسلامی از آن مذمت شده است و آن را عاملی برای بطلان اعمال و نشانه ای از نشانه های منافقان و نوعی شرک به خدا معرفی کرده اند.

ریاکاری تخریب کننده فضائل اخلاقی و عاملی برای پاشیدن بذر رذائل در روح و جان انسانهاست. ریاکاری اعمال را تو خالی و انسان را از پرداختن به محتوا و حقیقت عمل باز می دارد.

ریاکاری یکی از ابزارهای مهم شیطان برای گمراه ساختن انسانهاست.

با این اشاره به آیات قرآن باز می گردیم و چهره ریاکاران و نتیجه اعمال آنها را بررسی می کنیم.

(۱) یا ایها الذین آمنوا لاتبطلوا صدقاتکم باليمن و الاذی کالذی ینفق ماله رثاء الناس و لایؤمن بالله و الیوم الآخر فمثله کمثل صفوان علیہ تراب فاصابه و ابل فترکه صلدا لایقدرن علی شیء مما کسبوا و الله لایهدی القوم الکافرین (سوره بقره، آیه ۲۶۴)

(۲) فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعباده ربه اح-دا (سوره کهف، آیه ۱۱۰)

(۳) ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یرأون الناس و لا یذکرون الله الا قلیلا (سوره نساء، آیه ۱۴۲)

(۴) و الذین ینفقون اموالهم رثاء الناس و لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و من یکن الشیطان له قرینا فسأء قرینا (سوره نساء، آیه ۳۸)

(۵) و لا تکنوا کالذین خرجوا من دیارهم بطرا و رثاء الناس و یصدون عن سبیل الله و الله بما یعملون محیط (سوره انفال، آیه ۴۷)

(۶) فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون، الذین هم یرأون و یمنعون الماعون (سوره ماعون، آیات ۴ تا ۷)

▪ ترجمه:

(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید بخششهای خود را با منت و آزار باطل نسازید همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان نمی آورد (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن (قشر نازکی از)

خاک باشد (و بذرهائی در آن افشانده شود) و رگبار باران به آن برسد (و همه خاکها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند، آنها از کاری که انجام داده اند چیزی به دست نمی آورند و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند!

(۲) پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

(۳) منافقان می خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می دهد و هنگامی که به نماز بر می خیزند با کسالت بر می خیزند و در برابر مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند.

(۴) و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند و ایمان به خدا و روز باز پسین ندارند (چرا که شیطان رفیق و همنشین آنها است) و کسی که شیطان قرین او باشد بد همنشین و قرینی دارد.

(۵) و مانند کسانی نباشید که از روی هوا پرستی و غرور و خود نمائی در برابر مردم از سرزمین خود (به سوی میدان بدر) بیرون آمدند و (مردم را) از راه خدا باز می داشتند (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می کنند احاطه (و آگاهی) دارد.

(۶) پس وای بر نماز گزارانی که، در نماز خود سهل انگاری می کنند، همان کسانی که ریا می کنند، و دیگران را از وسائل ضروری زندگی منع می نمایند!

پی نوشتها:

[۱]. اخلاق در قرآن جلد اول صفحه ۲۶۹.

[۲]. بحار الانوار، جلد ۶۹، صفحه ۹۳.

[۳]. نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

[۴]. بحار، جلد ۱۴، صفحه ۵۲۰.

[۵]. بحار، جلد ۵، صفحه ۵۵.

- [۶]. محجّه‌البیضاء، جلد ۸، صفحه ۱۲۵ - حدیث بطور کامل در خصال شیخ صدوق، باب الثلاثه، صفحه ۱۶۷، نیز آمده است.
- [۷]. محجّه‌البیضاء، جلد ۸، صفحه ۱۲۵.
- [۸]. تصنیف الغرر، صفحه ۱۹۷، رقم ۳۸۹۴.
- [۹]. غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۳۰.
- [۱۰]. غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۵۱۳.
- [۱۱]. میزان الحکمه، ماده خلص جلد ۱، صفحه ۷۵۴.
- [۱۲]. غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۵۰۳.
- [۱۳]. بحار الانوار، جلد ۷۰، صفحه ۱۷۵ ذیل حدیث ۱۵.
- [۱۴]. غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۲۵ (رقم ۷۱۸).
- [۱۵]. اصول کافی، جلد، صفحه ۱۶.
- [۱۶]. سوره نحل، آیه ۶۶.
- [۱۷]. المحجّه‌البیضاء، جلد ۸، صفحه ۱۲۸ (باتلخیص).
- [۱۸]. بحار، جلد ۶۹، صفحه ۳۰۴.
- [۱۹]. تحف العقول، صفحه ۱۶.
- [۲۰]. مستدرک الوسائل، جلد ۱، صفحه ۱۰۱.
- [۲۱]. همان مدرک.
- [۲۲]. غرر الحکم جلد ۱، صفحه ۳۰ (شماره ۹۰۳).
- [۲۳]. غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۱۷ (شماره ۴۴۴).
- [۲۴]. غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۳۶۱ (شماره ۵۵).
- [۲۵]. نهج البلاغه، خطبه ۱.
- [۲۶]. محجّه‌البیضاء، جلد ۸، صفحه ۱۳۳.
- [۲۷]. غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۵۵۳، شماره ۴.
- [۲۸]. غرر الحکم، حدیث ۲۹۰۶.
- [۲۹]. سوره بقره، آیه ۲۷۴.
- [۳۰]. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۶۹؛ بحار الانوار، جلد ۶۷، صفحه ۲۴۲.
- [۳۱]. غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۴۹۰، شماره ۱۲.
- [۳۲]. غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۱۴، شماره ۶۸.
- [۳۳]. غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۶۰۳، شماره ۱۱.

- [۳۴]. تفسیر قرطبی، جلد ۶، صفحه ۴۱۰۸، و ۴۱۰۹.
- [۳۵]. تفسیر قرطبی، جلد ۶، صفحه ۴۱۰۸، و ۴۱۰۹.
- [۳۶]. تفسیر قرطبی، جلد ۶، صفحه ۴۱۰۸، و ۴۱۰۹.
- [۳۷]. الدر المنثور (طبق تفسیر المیزان، جلد ۱۳، صفحه ۴۰۷)
- [۳۸]. محجّه‌البیضاء، جلد ۶، صفحه ۱۴۱.
- [۳۹]. محجّه‌البیضاء، جلد ۶، صفحه ۱۴۱.
- [۴۰]. محجّه‌البیضاء، جلد ۶، صفحه ۱۴۱.
- [۴۱]. محجّه‌البیضاء، جلد ۶، صفحه ۱۴۱.
- [۴۲]. محجّه‌البیضاء، جلد ۶، صفحه ۱۴۱.
- [۴۳]. کافی، جلد ۲، صفحه ۲۹۵.
- [۴۴]. میزان الحکمه، جلد ۲، صفحه ۱۰۱۷، چاپ جدید.
- [۴۵]. کافی، جلد ۲، صفحه ۲۹۶.
- [۴۶]. همان مدرک، صفحه ۲۹۳.
- [۴۷]. امالی صدوق، صفحه ۳۹۸ - غرر الحکم جلد ۱، صفحه ۶۰، شماره ۱۶۱۴.
- [۴۸]. غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۷۴۹، شماره ۲۰۹.
- [۴۹]. محجّه‌البیضاء، جلد ۶، صفحه ۲۰۰.
- [۵۰]. تحف العقول، صفحه ۱۷.
- [۵۱]. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۲، صفحه ۱۸۰.
- [۵۲]. خصال (مطابق نقل میزان الحکمه، جلد ۲، صفحه ۱۰۲۰ چاپ جدید).
- [۵۳]. وسائل الشیعه، جلد ۱، ابواب مقدمه العبادات، باب ۱۵، صفحه ۵۵.
- [۵۴]. بقره - ۲۷۴؛ رعد - ۲۲؛ ابراهیم - ۳۱؛ نحل - ۷۵؛ فاطر - ۲۹.
- [۵۵]. سوره آل عمران، آیه ۱۶۰.
- [۵۶]. سوره نساء، آیه ۱۳۹.
- [۵۷]. وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۵۵.
- [۵۸]. وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۵۵.
- [۵۹]. توجه داشته باشید استحباب تحت الحنک در نماز ثابت نیست، آنچه در روایات معتبر آمده است مربوط به تمام حالات است و آن نیز در شرایط فعلی شبیه لباس شهرت دارد.

آثار و خصوصیات مخلصین در قرآن

به نص و تصریح آیات قرآن کریم، مخلصین دارای آثار و خصوصیات هستند که دیگران از آن نصیبی ندارند.

اول : آنکه به نص کریمه قرآنی، دیگر شیطان را بهیچوجه من الوجوه بر ایشان تسلط و اقتداری نیست. «فَعِزَّتِكَ لَا غُيْبَتَهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ؛ پس به عزت تو سوگند که بی تردید همه شان را گمراه خواهم کرد. مگر آن بندگان خالص تو از میان آنها» (آیه ۸۳ و ۸۴ سوره ص). بدیهی است که این استثناء تشریعی نیست، بلکه بواسطه اقتدار ذاتی مخلصین در مقام توحید، دیگر برای شیطان قدرتی نبوده، و به علت ضعف و ناتوانی خود نمی تواند در این مرحله به آنان دست یابد. باری، چون مخلصین خود را برای خدا خالص نموده، به هر چیزی که مینگرند، خدا را می بینند و شیطان به هر قسم و کیفیتی بر ایشان ظهور کند آنان با نظر الهی در آن چیز مینگرند و استفاده الهیه می کنند؛ لذا شیطان از اول امر، نزد این طائفه اعتراف به عجز و مسکنت خود نموده و سپر می اندازد؛ وگرنه شیطان ذاتش برای اغواء بنی آدم است و کسی نیست که بخواهد به کسی ترحم نموده و دست از اِضلال او بردارد.

دوم : این طائفه از محاسبه محشر آفاقی و حضور در آن عرصه معاف و فارغ هستند. در قرآن کریم است: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ؛ و در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بی جان افتد، مگر کسی که خدا بخواهد» (زمر/۶۸). چون این آیه با آیه شریفه «فَأَنَّهُمْ لُمُحْضَرُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ؛ قطعاً آنها از احضار شدگانند. مگر بندگان خالص شده خدا» (صافات/ ۱۲۷ و ۱۲۸) ضمیمه گردد معلوم میشود که این طائفه که از صعقة قیامت در امانند، عبارتند از بندگان مخلص خدا. زیرا آنان بواسطه مراقبت و ریاضات شرعیه در جهاد انفسیه کشته شده و به حیات ابدی پیوسته اند و از قیامت عظمای انفسیه عبور کرده اند؛ و در دوران مجاهده به حساب آنان رسیدگی شده و حال بواسطه قتل فی سبیل الله در نزد خدای خود به خلعت حیات ابدی مخلص و از روزی های خاصه خزانه ربوبی متنعمند. «قَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوًا تَبْلُ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ و کسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند» (آیه ۱۶۹ سوره آل عمران). علاوه بر این میدانیم که احضار، فرع بر عدم حضور است؛ و بندگان مخلص خدا قبل از پیدایش طلّیعه قیامت در همه جا حاضر بوده و بر همه احوال مطلع بوده اند چون میفرماید: «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

سوم : آنچه از پاداش و ثواب به هرکس برسد و در روز قیامت به او عطا شود، در مقابل عمل او خواهد بود، مگر این صنف از بندگان که کرامت الهیه بر ایشان ماوراء طور و پاداش عمل است. «وَمَا تُجْرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ؛ و

جز در برابر آنچه می کردید جزا نمی یابید. مگر بندگان خالص شده خدا» (آیه ۴۰ سوره صافات). و اگر گفته شود که مفاد این آیه آنستکه گروه معذبین طبق اعمالشان به پاداش میرسند مگر بندگان نیک خدا که برای ایشان جزا در مقابل عمل نبوده، بلکه پروردگار منان با ایشان به فضل و کرم خود جزا خواهد داد؛ در پاسخ میگوئیم: مفاد آیه مطلق بوده و مخاطب آن اختصاصی به گروه معذبین ندارد. علاوه آنکه جزای بندگان به فضل و کرم، منافات با جزا در مقابل عمل ندارد. چه معنای فضل اینستکه در مقابل عمل کوچک، پروردگار منان جزای بزرگ عنایت میفرماید و در واقع عمل کوچک را بزرگ می شمارد ولی با این همه باز جزا در مقابل عمل واقع گردیده است. در حالیکه مفاد کریمه شریفه غیر از این است. مفاد آیه اینستکه به بندگان مخلص خدا، پاداش اصلاً در مقابل عمل داده نمی شود. و نیز در آیه دیگر میفرماید: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» برایشان هر چه بخواهند در آن جا موجود است و نزد ما بیشتر نیز هست» (آیه ۳۵ سوره ق) برای این گروه هر چه اراده و مشیت آنان تعلق گیرد خواهد بود؛ و در نزد ما نیز چیزی زیاده از مقدار اراده و مشیت آنان برای آنها خواهد بود. پس معلوم میشود که از کرامات الهیه چیزهایی که فوق اراده و مشیت و بالاتر از سطح فکر و میزان طیران مرغ اختیار و اراده آنها است داده خواهد شد؛ و این نکته شایان دقت و قابل توجه است.

چهارم : آنان دارای مقامی منبع و منصبی رفیع و مرتبه ای عظیمند که بتوانند حمد و سپاس ذات احدیت و ثنای الهی را کما هو حقّه (همانطور که سزاوار آن ذات اقدس است) بجا آورند. «قَالَ عَزَّوَجَلَّ: سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ؛ خدا منزّه است از آنچه توصیف می کنند. مگر بندگان خالص شده خدا» (آیه ۱۶۰ و ۱۵۹ سوره صافات) و این غایت کمال مخلوق و نهایت منصب ممکن است.

اخلاص

«وَلَا تُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» ۳۹ «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ» (۳)

همه بندگان را گمراه می نمایم مگر بندگان مخلص را.

اخلاص در اصطلاح بمعنی کار برای خدا کردن و فقط او را در نظر داشتن و همه عبادات و اعمال را وسایلی برای نزدیکی به خدا دانستن است.

از پله های ترقی مؤمن بسوی درجات عالیه داشتن اخلاصی است که انسان را از شیاطین دور کرده و به خدا نزدیک نماید لذا شیطان قسم خورد که:

(لَا تُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ الْمُخْلَصِينَ)

همه بندگان را گمراه می نمایم مگر بندگان مخلص را.

در حدیث قدسی است که خداوند فرمود:

(الا خلاص سرّ من اسراری اودعه فی قلب من احبته).

اخلاص رازی از رازهای من است که ودیعه می‌گذارم در قلب کسیکه او را دوست دارم
آثار اخلاص چند چیز است یکی رسیدن به معرفت و بصیرت و حکمت در سایه اخلاص که
رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(من اخلص لله اربعین صباحا فجر الله ینایع الحکمه من قلبه علی لسانه).

کسیکه چهل روز اخلاص پیشه کند خداوند برای او می‌گشاید چشمه‌های حکمت را از قلبش به
زبانش.^(۲)

دوم پیروزی و موفقیت است که علی علیه السلام فرمود: (اخلص تنل) اخلاص داشته باش به
پیروزی می‌رسی.^(۳)

سوم ملاک ارزش اعمال انسان از روی اخلاص است زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر
اعمالی را انجام دادی پس برای خدا انجام بده خالصا برای اینکه خداوند قبول نمی‌کند اعمال را
مگر آنچه خالص باشد.^(۴)

علی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

(العمل کله هباء الا ما اخلص فیه)

همه اعمال بر باد رفته است مگر آنچه در او اخلاص باشد

رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب سؤال کرد که در میان دستگیره‌های ایمان کدامیک مهم تر
است هر کس یک چیزی گفت یکی گفت نماز دیگری گفت جهاد سومی چیز دیگری گفت
حضرت فرمود همه اینها مهم است ولی جواب سؤال دوست داشتن برای خدا و دشمن داشتن
بخاطر او می‌باشد.^(۲)

در روایت است که بخاطر اخلاصی که علی علیه السلام موقع کشتن عمرو بن عبدو داشت ضربتی که علی علیه السلام بر عمرو وارد کرد از عبادت انس و جن تا روز قیامت برتر است .

خطاب به حضرت ابراهیم علیه السلام رسید که بگو:

«قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

خدا یا نمازم و روزه ام و مرگم همه برای خداوند عالَمیان است

از جمله آفات اخلاص کار خیر خود را بازگو کردن است امام باقر علیه السلام فرمود: باقی ماندن بر عمل خیر از خود عمل خیر سخت تر است . گفته شد باقی ماندن بر عمل چیست؟ فرمود: مردی نماز می خواند و برای خدا انفاق می کند و در صحیفه عملش ثواب عمل پنهان را برای او می نویسند بعد آن عمل را برای دیگران می گوید ثواب عمل آشکار را برای او می نویسند . برای سومین بار بر زبان می آورد که برای او عمل ریایی می نویسند

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : (ان الله لا ينظر الى صوركم وانما ينظر الى قلوبكم).

اخلاص در خدمت کردن

وقتی امام سجاد علیه السلام در کوچه حرکت می کرد، اگر سنگی را سر راه می دید آنرا برمی داشت و کنار راه قرار می داد . امام گاهی با کاروانهای ناشناس به سفر حج می رفتند و در طول راه، کارهای خدماتی مسافرین را انجام می دادند و مسافرین هم که امام را نمی شناختند، کارهای خود مثل تهیه غذا و شستن ظرف و ظروف را بعهدہ حضرت می گذاشتند

امام یازدهم ع: اگر همه دنیا را یک لقمه کنم و آن را در دهان کسی بگذارم که از روی اخلاص خدا را عبادت می کند به نظرم در حق او کوتاهی کرده ام.

نشانه های افراد مخلص

- ۱- انتظار تشکر ندارد {انما نطعمکم لوجه الله لانريد منکم جزاء ولا شکورا}
- ۲- کارهای خیر را اکثرا در خفا انجام می دهد. {امام صادق ع برای فردی کمک فرستاد ...}
- ۳- مدح و ثنای مردم یا مذمتشان در اعمال خوب او تاثیری ندارد و لایخاف لومه لائم}
- ۴- از تعریف دیگران خوشش نمی آید
- ۵- فقط به رضایت خداوند می اندیشد و اگر همه از او راضی باشند ولی خدا از او ناراضی باشد ناراحت است
- ۶- اگر به مردم غذا می دهد برای خداست. اگر خانه می سازد برای خودنمایی نیست. عبادتش در خفا و آشکار یکی است.
- ۷- به مردم برای خدا خدمت می کند {امام امت و زیارت امام رضاع و آب و جاروب کردن منزل}
- ۸- برای خدا علم می آموزد و بابت تعلیم به مردم انتظار تشکر یا پول ندارد
- ۹- انتظار ندارد در مراسمات اسم او را بخوانند.
- ۱۰- با هر که دوستی کند براساس خداست و با هر که دشمنی می ورزد برای خداست.
- ۱۱- رضایت خدا برایش از رضایت خانواده و فامیل و دوستانش مهم تر است.
- ۱۲- برای خدا حاضر است از پست و منصب و مقام بگذرد.

تقویت اراده

مرز روابط و گرفتاری‌ها (۱)

شخص با اراده، کسی است که دارای هدفی معقول است و تا موقعی که به آن نرسیده، از تعقیب آن باز نمی‌ایستد و مشکلات و موانع روانی یا مادی، به اراده و...

رسیدن به آرامش و درک زندگی پاک، یکی از مهم‌ترین اهداف آفرینش انسان است. خدای رحمان به ما عقل و چشم و گوش و مهم‌تر از همه، پیام‌هایش را عنایت فرمود تا «آرامش و زندگی پاک» را تجربه کنیم:

«ألا بذكر الله تطمئن القلوب». (۱)

بدون خدا، زندگی رنجی است بی پایان ، « وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا » . (۲)

« کسانی که به خدا ایمان آورده و ایمان خود را به ظلم نیالوده‌اند ، دارای ایمنی و مصونیتند و آنان هدایت یافتگان واقعی هستند » (۳)

بنیامین راش، پدر روان‌پزشکی آمریکا می‌گوید: « دین آن قدر برای پرورش و سلامت روح آدمی اهمیت دارد که هوا برای تنفس » . (۴)

یونگ، روان‌کاو می‌گوید: « در مورد بیماران روحی که از ۳۵ سال به بالا داشتند ، حتی یک نفر یافت نمی‌شود که مشکل روانی او در آخرین مرحله تحلیل، به ایمان مذهبی مربوط نگردد و بهتر است بگوییم که هر فرد از آنان، به علت فقدان آن چه که دین به اشخاص می‌دهد ، بیمار شده‌اند و هیچ کس از آن‌ها که نظر دینی و مذهبی خویش را باز نیافتند ، واقعاً درمان نشده‌اند » . (۵)

امام علی علیه السلام می‌فرماید: « تقوا، داروی بیماری دل‌های شما و شفای مرض بدن‌های شماست » . (۶)

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: « لقمان به پسرش گفت: دنیا ، دریای ژرفی است که افراد بسیاری در آن غرق شده‌اند و تقوا و پرهیزکاری، کشتی توسست. آن کشتی‌ای که آکنده از ایمان

باشد، بادیان‌های آن، توکل به خدا و پاس‌دارش، عقل و ناخدایش، علم و فرمان آن، بردباری و تحمل است». (۷)

زندگی، قانون دارد. خوشبختی، با فهم و رعایت قانون زندگی و سیه‌روزی، با نادیده انگاشتن قانون زندگی، حاصل می‌شود.

موفقیت‌ها به بخت و اقبال وابسته نیست، بلکه زندگی پاک را با احترام به قوانین، می‌توان در آغوش کشید.

جوانان، دانشجویان و استادان بزرگوار، باید بدانند که دنیای بی‌خدای امروز، برای کسب موفقیت کامل و آرامش واقعی، حرف زیادی ندارد و طی دو یا سه قرن گذشته، برخی از دانشمندان تربیتی و روان‌شناسان غربی توانسته‌اند به برخی از قوانین آن - به گونه‌ای ناقص - پی ببرند اما (قرآن و عترت)، ??? سال قبل، آن هم با رعایت همه عرصه‌های زندگی و باور به سرای ابدی، دقیق‌ترین قواعد را برای درک یک زندگی پاک، بیان کردند، «من عمل صالحاً من ذکر و ائثی فهو مؤمن فلنحینه حیا طیه». (۸)

اینک برای این که دچار «روابط و دوستی‌های ویران‌گر» نشویم، چند قاعده را به اختصار بیان می‌کنیم که در این مقاله به اولین مورد که تقویت اراده است می‌پردازیم:

۱ - تقویت اراده در انجام برنامه‌ها

شخص با اراده کسی است که وقتی درباره ی کاری، به خوبی تأمل کرد و آن را نافع دانست، تصمیم به انجام آن می گیرد و با فعالیت و ثبات قدم، آن را به اجرا در می آورد (۹) و در مقابل، فرد سست اراده، با کمترین مشکلی، از انجام دادن کار، دلسرد شده، دست از تلاش برمی دارد.

شخص با اراده، کسی است که دارای هدفی معقول است و تا موقعی که به آن نرسیده، از تعقیب آن باز نمی ایستد و مشکلات و موانع روانی یا مادی، به اراده و عزم او لطمه نمی زند و از پیشرفتش، جلوگیری نمی کند.

کسی که اراده ای قوی دارد، آن چه را خواسته است، با کوشش و ثبات قدم، به دست می آورد. شخص با اراده، کسی است که دارای هدفی معقول است و تا موقعی که به آن نرسیده، از تعقیب آن باز نمی ایستد و مشکلات و موانع روانی یا مادی، به اراده و عزم او لطمه نمی زند و از پیشرفتش، جلوگیری نمی کند.

راهکارهای تقویت اراده

الف) تعیین هدف یا اهداف

انسان باید ابتدا هدف و یا اهداف خود را در زندگی و یا کاری که می‌خواهد انجام دهد، به طور دقیق و مشخص، ترسیم کند. طبیعی است که این هدف، باید شفاف، معقول، قابل دستیابی، بدون افراط و تفریط، مطابق توان و استعداد خود و واقع‌بینانه باشد نه بلندپروازانه و خارج از توانایی‌های شخص. در غیر این صورت، وقتی با مشکلات و موانع سختی روبه‌رو شود، ناامید و دلسرد شده، از ادامه کار، منصرف می‌شود و خود را ناتوان و بی‌اراده می‌بیند.

ب) شناخت توانایی‌ها و استعدادهای

همه ما در وجود خود، از استعدادهایی برخورداریم. کافی است این نیروها را بشناسیم و برای رسیدن به هدف، آنها را به کار گیریم.

ج) برنامه‌ریزی

باید برای تمام کارها و فعالیت‌های شبانه‌روزی، برنامه‌ای مدون و منظم داشته باشید. بدین منظور از جدولی استفاده کنید که در ستون افقی آن، ساعات شبانه‌روز و در ستون عمودی، ایام هفته را یادداشت و تمام کارهای روزانه - خواب، استراحت، ورزش، مطالعه - را در آن درج کنید و هر فعالیتی را در زمان خاص خود، در جدول بنویسید و هیچ زمانی را بدون کار، خالی نگذارید. هر روز صبح با نگاهی به آن برنامه، به اجرای دقیق آن بپردازید و شب‌ها، قبل از خواب، آن را محاسبه و ارزیابی کنید. شایسته است همچون یک محاسبه‌گر جدی و قاطع، فعالیت‌های روزانه و

میزان موفقیت خود در انجام دادن آن‌ها را بررسی کنید و در صورت موفقیت، خود را تشویق و در صورت تخلف و سهل‌انگاری در اجرا، خود را تنبیه کنید.

آجرهای بنای هستی‌مان را، طرز تفکرمان می‌سازد و اگر بخواهیم در دنیای‌مان اتفاق زیبایی بیفتد ، گام اول ، تغییر در نگاه و بینش ماست.

(د) اصل تلقین یا خودگویی‌های مثبت

گفتن، باور داشتن است. وقتی می‌گوییم من آدم شکست خورده‌ای هستم، بی‌استعدادم و عوض شدنی نیستم، در واقع، حکم محکومیت خود را صادر می‌کنیم. روان‌شناسی شناخت، به ما چنین می‌گوید: دستور دادن، فرایند شدن است و ما را دستورات می‌سازند. ما همواره با خودمان حرف می‌زنیم و هفتاد درصد (۷۰٪) وقت‌مان با گفت‌وگو سپری می‌شود حتی زمان خواب و ما همان می‌شویم که با خود حرف می‌زنیم. سعی کنید دستورات خوبی به خودتان بدهید. شما با خودتان چه می‌گویید؟ فرهنگ ذهن و زبان شما، مثبت است و نیروزا و یا منفی است و نیروبر؟

آجرهای بنای هستی‌مان را، طرز تفکرمان می‌سازد و اگر بخواهیم در دنیای‌مان اتفاق زیبایی بیفتد ، گام اول ، تغییر در نگاه و بینش ماست. با تغییر نگاه ، ایده‌آل‌ها و اهداف زندگی‌مان به درستی شکل می‌گیرند و آن‌گاه گام دوم، یعنی تلاش مستمر و انتخاب‌های عالی و فرداساز، در دنیای ما رخ خواهد داد . «إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم».

نگرش‌ها و اندیشه‌های ما، مهم‌ترین عامل تغییر به شمار می‌آیند. نود درصد (۹۰٪) تغییرات خوب و بد زندگی مان، به نوع نگرش ما به رخدادهای زندگی بستگی دارد و ده درصد (۱۰٪) آن به وقایع بیرونی وابسته است.

ادیسون می‌گوید: «مشکل افرادی که شکست خورده‌اند و دست از تلاش برداشتند، این بود که نمی‌دانستند که در یک قدمی پیروزی‌اند» و می‌گفت: راز توفیقم این بود که هرگاه برای باز کردن دری تلاش می‌کردم و باز نمی‌شد، بارها و بارها تلاش می‌کردم و با خود می‌گفتم: حتماً این کلید، درب را در صدمین بار، باز خواهد کرد.

ه) تدریجی بودن تقویت اراده

برای به دست آوردن اراده‌ای قوی و محکم، باید به تدریجی بودن آن و نیاز آن به تمرین، توجه داشت. گمان نکنید می‌توانید به طور دفعی و بدون تلاشی درخور، به آن دست یابید. بنابراین، به راهکارهای عملی زیر توجه کرده، به آنها پای‌بند باشید:

- هر روز صبح حداقل بیست دقیقه، به طور مرتب و در ساعتی معین، ورزش کنید.

- صبح گاهان، هر زمان که بیدار شدید، بی درنگ برخیزید و از رختخواب بیرون روید، حتی اگر خواب آلودگی مزاحمتان است، از اتاق بیرون روید و قدری نرمش کنید تا خواب آلودگی از بین برود.

- در صورت امکان، چند دقیقه قبل از اذان صبح از خواب بیدار شده، نماز شب بخوانید و اگر در آن وقت بیدار نشدید، قضای آن را به جا آورید.

- مقید باشید هر روز تعداد آیات معینی از قرآن را تلاوت کنید (حداقل ۳۰ تا ۵۰ آیه) و در صورت تمایل، در هفته های بعد، بر میزان آن بیفزایید.

- ترک گناه و مخالفت با هواهای نفسانی، نقش بسیار مؤثری در تقویت اراده و نهادینه کردن آن در درون انسان دارد.

- هرگز در کارها، ناامید نشوید و با حالتی تهاجمی، برای پی گیری و به انجام رساندن کارهای ناقص و ناموفق، تلاش کنید.

- کارهایی را که به عهده می گیرید، ناتمام رها نکنید و آن ها را به نحو احسن و تا رسیدن به نتیجه مطلوب، ادامه دهید و از پراکنده کاری و آشفتگی در کارها که موجب به هم ریختگی نظام فکری می شود، پرهیزید و به فعالیت های خود، تمرکز و انسجام ببخشید.

- همواره بر خداوند ، توکل کرده و در همه امور، از او استمداد جوئید. (۱۰)

ادامه دارد...

پی نوشت:

۱. رعد، آیه ۲۸.

۲. طه، آیه ۱۲۴.

۳. انعام، آیه ۸۲.

۴. مجله پیوند، ش ۲۵۷، ص ۳۴.

۵. موسوی لاری، رسالت اخلاق در تکامل انسان، ص ۱۷۰.

۶. نهج البلاغه، خ ۱۹۸.

۷. کلینی، اصول کافی، ۱، ۱۹.

۸. نحل، آیه ۹۷.

۹. نیروی اراده نیرویی باطنی برای اتخاذ تصمیمات، اقدام به کار، اداره و انجام اهداف و وظایف است.

۱۰. محمدرضا احمدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، دفتر هفتم.

منبع: برگرفته از نشریه ی پرسمان

ضعف اراده و نشانه های آن

قبل از اینکه وارد مبحث تقویت اراده بشیم و راهکارهای این مهارت رو بگیریم، بهتر خود واژه «اراده» رو تعریف کنیم. اصولاً به تعداد روان شناسان، از هر واژه ای تعریف وجود داره، اما معنای

عرفی «اراده»، همون خواستن فوق العاده وجدی در بعضی لحظه های دشوار یا برهه های حساس زندگی و

حالا که می خواهیم از راه های تقویت اراده صحبت کنیم، خوبه که اول نشونه های ضعف اراده رو بشناسیم و بعد برای تقویت اون فکری بکنیم.

و اما نشونه های ضعف اراده

یکی از نشونه های ضعف اراده آدم، اینه که همیشه کارها شو به تأخیر می اندازه. بعضی ها رو دیدید؟ همیشه می گن از شنبه اینکار رو شروع می کنم. حالا این شنبه، کدوم شنبه ثبت شده در تاریخ، خدا می دونه.

یکی دیگه از نشونه های آدم سست اراده اینه که نمی تونه به جا و به موقع تصمیم بگیره. همیشه تصمیمش رو با دو دلی و اکراه بیان می کنه؛ نظرش برای انجام دادن یا انجام ندادن یه کار همیشه پنجاه پنجاهه. وقتی می خواد تصمیم بگیره، به دهن دیگران نگاه می کنه؛ اگه تعداد موافقین بیشتر از مخالفین بود، اون کار رو انجام می ده؛ اگه برعکس بود، انجام نمی ده.

در همون مثال قبلی، یه نشونه دیگه از ضعف اراده رو می بینیم، و اون دهن بینی افراد بی اراده یا کم اراده است. این آدمها زیاد تحت تأثیر دیگران قرار می گیرن و بیش از حد، از خودشون انعطاف نشون می دن.

یه چیز رو تا یادم نرفته بگم؛ نشونه هایی که گفتیم و می گیم، حتماً نباید همشون در یه آدم جمع بشن تا بگیم این آدم اراده ضعیفی داره. حتی وجود دو تا از این نشونه ها در ما، یه تلنگریه تا به فکر تقویت اراده بیفتیم.

و اما نشونه بعدی؛ آدما ی کم اراده؛ اصولاً کم صبر هم هستن. مثلاً یه کاری رو شروع می کنن و به محض اینکه کار، یه کم پیچیده می شه، اصلاً نمی تونن صبور باشن و بردباری کنن، تا پیچیدگی و سختی اون کار رو کم کم برطرف کنن، بلکه زود عصبانی می شن و حتی ممکنه از ادامه دادن اون کار، برای همیشه صرف نظر کنن.

خلاصه اینکه آدمایی که اراده شون ضعیفه، فکرشون با عملشون هماهنگ نیست؛ همیشه فکرشون ایدئاله، ولی وقتی وارد میدون عمل می شن و با واقعیت رو در رو می شن، نمی تونن فکرشونو عملی کنن. این جور آدما شب ها، مخصوصاً وقتی زیاد چایی یا قهوه خوردن و خوابشون نمی بره، شروع می کنن به تهیه یه فهرست از کارهایی که روز بعد میخوان انجام بدن. توی این لیست ذهنی کارها مرتب و پشت سر هم ردیف شدن، که اگه همه اونا طبق برنامه انجام بشه؛ یه تغییر بزرگ اتفاق می افته؛ مثلاً یه تغییر بزرگ در دکوراسیون منزل، یه تغییر بزرگ در برنامه ریزی برای قبولی کنکور، یه تغییر بزرگ برای معدل الف شدن توی دانشگاه و خلاصه این فکر اگه، عملی بشه چی می شه!!.. حالا صبح شده و سپیده سر زده. آدمی که دیشب اون همه برنامه داشته، از خواب بیدار می شه. از اونجایی که طبق برنامه ریزی دیشب، ساعت هفت و نیم باید از خواب بیدار می شد و حالا ساعت نه و پنجاه دقیقه است، همین بهانه ای می شه برای اینکه اجرای برنامهش رو به فردا موکول کنه، و دوباره فردا، به بهونه دیگه و عقب انداختن برنامه به پس فردا و... خلاصه اینکه چند روز که می گذره، اون لیست برنامه ها چون ذهنی بوده، خیلی زود فراموش می شه! آدم بی اراده هم همیشه در همون جایی که بوده و همون موقعیتی که داشته، باقی می مونه.

آدمای بی اراده، اجازه می دن که زندگی شون تصادفی پیش بره، و هر شرایطی که در مسیر زندگی شون قرار می گیره، باهاش کنار می یان و تسلیم اون شرایط می شن؛ البته نه اینکه این جور آدما هیچ وقت هیچ آرزویی نداشته باشن یا نخوان که آدم مصممی باشن؛ بلکه چون خودشونو «باور» ندارن، به سادگی بی خیال آرزوهاشون می شن.

اگر تربیت ما این باور رو در ما ایجاد کرده باشه که هر چی در ذهنمون داریم می‌تونیم عملی کنیم، در اکثر موارد، همین طور هم خواهد شد. ولی متأسفانه خیلی‌ها چنین تربیت و باوری رو ندارن. (پس یادمون باشه که فرزندمون رو با اصل خود باوری تربیت کنیم) ولی نباید ناامید بشیم. چون آموزه‌هایی برای خود باوری وجود داره. ما باید یاد بگیریم که چطور این باور رو در خودمون ایجاد کنیم و این کار با عمل به چند راهکار، شدنیه.

راه‌های ایجاد خود باوری

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای ایجاد خودباوری، اینه که به توصیه‌های افراد ناموفق گوش نکنیم. چند بار برای راهنمایی گرفتن، سراغ دوست، اعضای خانواده یا همسایه‌ای رفتیم که خودش در موقعیتی مشابه یا بدتر از ما بوده و در اون موقعیت موفق نشده؟ این کار، درست مصداق این مثلیه که می‌گه کوری عصاکش کور دگر شود. آدمای سست اراده یا بی‌اراده، سراغ کسایی می‌رن که با اونا احساس راحتی می‌کنن و این اشخاص الزاماً کسایی نیستن که اطلاعات مورد نیاز برای موقعیت و موفقیت اونا رو داشته باشن. بهترین کار اینه که به مشاور یا مربی مراجعه کنیم. یا از کسی الگوبرداری کنیم که راه دل‌خواه ما رو با موفقیت رفته باشه. یکی دیگه از راه‌های موثر برای تقویت اراده، اینه که هر کاری رو به اجزای کوچک‌تر تقسیم کنیم؛ یعنی همون برنامه‌ریزی. اگر کار به اجزای کوچک‌تر تقسیم نشه، فرایند رسیدن به موفقیت، برامون مبهم می‌مونه و همین ابهام، در اراده ما برای رسیدن به انتهای راه تأثیر بذاره و خستمون کنه. نکته‌ای که باید در تقسیم اجزای کار و برنامه‌مون رعایت کنیم؛ اینه که از کم شروع کنیم؛ یعنی با کار کم حجم و سبک شروع کنیم که یقین داشته باشیم انجامش می‌دیم و کم‌کم حجم کار رو زیاد می‌کنیم. مثلاً کسی که می‌خواد با ورزش، اضافه وزن خودش رو از بین بیره؛ اگر از روزای اول، برای سه ساعت ورزش برنامه بریزه عملی نمی‌شه. روزهای اول بهتره با نیم ساعت شروع کنه.

بنابراین نباید کل کار رو نگاه کنیم؛ مثلاً آدمی که ۲۵ کیلو اضافه وزن داره، اگه هر روز به این فکر کنه که باید ۲۵ کیلو وزن کم کنه، سختی کار، اراده اش رو ضعیف می کنه. باید اول به این فکر کنه که مثلاً توی این ماه می تونه سه یا پنج کیلو وزن کم کنه.

نقش تربیتی روزه در تقویت اراده

خدای مهربون رو بی نهایت شاکریم که از خزانه موهبت و الطاف بی کرانش، برما منت نهاد تا یه بار دیگه بتونیم ماه رمضان، این ماه پربرکت و پرفضیلت رو درک کنیم. ماهی که پیامبر عظیم الشان اسلام، در وصف اون فرمود: «اگر بنده، ارزش ماه رمضان را می دانست، آرزو می کرد که سراسر سال، رمضان باشد.» (۱)

هرکسی ممکنه به یه جنبه از برکات این ماه خوب خدا فکر کنه؛ یکی ممکنه به فواید جسمی روزه داری در این ماه فکر کنه و دیگری به تأثیرات روحی اون. اونایی بهره بیشتری از این ماه می برن، که علاوه بر فواید جسمی و روحی روزه داری، به نقش تربیتی این فریضه الهی توجه داشته باشن و این دسته، خردمندان واقعی هستن.

دو - سه برنامه ای هست که درباره اراده و عوامل تقویت اراده صحبت می کنیم، حالا که ادامه این بحث با ما مبارک رمضان، مقارن شده، خوبه که درباره نقش و تأثیر این ماه و اعمالش در تقویت اراده، کمی با هم گفت و گو کنیم. اشتباه نکنید. ... این برنامه یه برنامه عبادی و مذهبی نیست، بلکه می خواد از تأثیرات روانی روزه داری در تقویت مهارت اراده با شما حرف بزنه. با ما همراه باشید!

کسی که روزه می گیره؛ از خوردن و آشامیدن خود داری می کنه. البته روزه فقط این نیست، بلکه باید از خیلی چیزها و خواسته های دیگه هم چشم پوشی کنه؛ در واقع آدم روزه دار، با خوااهش

های نفسش می جنگه و در برابر غرایز مقاومت می کنه. و این برنامه، یک ماه در سال انجام می شه؛ یعنی تقریباً یک دوازدهم هر سال، این برنامه قشنگ در جوامع اسلامی تکرار می شه. این تکرار، درحقیقت، تمرین تقویت اراده و افزایش قدرت تصمیم گیریه.

روزه داری، یعنی تحقق یافتن واقعی صبر. از لحظه اذان صبح تا اذان مغرب. یادتون می یاد در همین شماره بود، گفتیم که این آدم صبر ندارن؟! گفتیم آدمای سست اراده یا احیاناً بی اراده، وقتی یه کاری رو شروع می کنن و کار براشون یه کم پیچیده و دشوار می شه، همه ایده ها و آرزوهاشون یادشون میره و نمی تونن اون سختی رو تحمل کنن. بنابراین، از همون ابتدای راه برمی گردن.

توصیه می کنیم آدمای سست اراده از این ماه مبارک و فریضه روزه داری برای تقویت اراده شون، کمک بگیرن. چون روزه و روزه داری یه جورایی تمرین برای افزایش نیروی استقامت، و اراده رو تقویت می کنه. این تمرین، تحمل رنج و سختی رو آسون می کنه.

واقعاً یکی از توصیه های خیلی خوبی که می شه به آدمای کم اراده کرد، سفارش به روزه گرفته. از امتیازهای معنوی و نقش مثبت تربیتی روزه در تزکیه نفس هم که بگذریم؛ تمرینی که روزه داری از لحاظ وقت شناسی به ما می ده، خیلی می تونه در کارهای روزمره و موقعیت های فردی به کارمون بیاد. شاید فکر کنیم که این نظم و انضباط در بهره گیری از زمان، یکی از ویژگی های زندگی تمدن غرب. درحالی که این وقت شناسی و تنظیم اوقات زندگی، از آموزه های اصیل اسلام. همتون این وصیت امیرالمؤمنین به امام حسن (ع) رو شنیدید که فرمود: «شما را به تقوا و نظم در کارها سفارش می کنم.» راستی اگه در جهان اسلام متفاوت بود! نظر شما چیه؟ اصولاً همه فرایض اسلام در وقت خودش باید انجام بشه؛ مثل حج یا نمازهای پنج گانه؛ روزه هم همین طور. تمرین تزکیه و اراده روزه داری، با دیدن هلال ماه مبارک واجب، و با دیدن هلال ماه شوال، حرام

می شه، و با غروب خورشید به پایان می رسه؛ نظامی که نمی شه از اون سرپیچی کرد. این هم یکی دیگه از درسای تقویت اراده، در مدرسه ماه رمضان.

پی نوشتها:

۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۷، ح ۱۳.

منبع: کتاب گلبرگ شماره

آیاتی که درباره چگونگی تقویت اراده و ایمان آمده کدام است؟

راههای افزایش اراده:

ارزش و کرامت انسان در گرو پیدا کردن عزمی راسخ و اراده‌ای قوی در جهت حریت و کمال و تقرب به سوی خداست؛ لذا باید در تقویت و قدرت اراده و انتخاب، اهتمام فراوان مبذول داشت. اینک به برخی از راههای ازدیاد اراده از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازیم:

۱. بالا بردن سطح آگاهی و شناخت؛ زیرا لازمه اختیار و انتخاب و اراده شناخت و آگاهی است.

انسان هم قدرت شناخت دارد: "بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ # وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِرَهُ؛ (قیامت،

۱۴-۱۵) بلکه آدمی خویشتن خویش را نیک می‌شناسد، هر چند به زبان عذرها آورد". و هم می

تواند دو مسیر حق و باطل را بشناسد: "وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ؛ (بلد، ۱۰) و [آیا] دو راه پیش پایش

نهادیم؟" پس شناخت حق و باطل و گام نهادن در راه حق موجب آن می‌شود که انسان با جدیت

و اراده قوی‌تری پیش رود.

۲. مبارزه با هوای نفس که با سه عامل آگاهی به نفس، تفکر و تزکیه محقق می‌شود. برای نمونه، قرآن درباره تزکیه می‌فرماید: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ (شمس، ۹) قطعاً آن که تزکیه نفس کرد، رستگار شد".

۳. صبر و شکیبایی: "وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ (آل عمران، ۱۸۶) اگر شکیبایی کنید و پرهیزگار باشید، این نشانه قدرت اراده در کارهاست. "فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ؛ (احقاف، ۳۵) پس پایداری کن، هم چنان که پیامبران اولوالعزم [صاحبان اراده قوی] پایداری کرده بودند".

۴. در قرآن، دل بستن به خدا، کسب یقین، توکل، رضا به قضا و قدر الهی، ایمان، صداقت، خلوت با خدا و... نیز از جمله عوامل تقویت اراده شمرده شده است. (جهت آگاهی بیشتر ر.ک: مراحل اخلاق در قرآن، آیه الله جوادی آملی، ج ۱۱، ص ۲۲۳-۴۰۲، مرکز نشر اسراء / اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن، رضا فرهادیان، ص ۱۷۱-۱۸۳، نشر الهادی).

مهار امیال و غرایز و دوری از ثروت، قدرت و مقام پرستی:

ابتدا شایسته است دقت کنیم که امیال و غرایز - هر چند در بعد مادی و شهوانی آن - و نیز کسب ثروت، قدرت و مقام پرستی از گرایش‌های درونی هر انسان است که خداوند حکیم به او عطا کرده است. اگر بد بود که خداوند متعال به انسان نمی‌داد. امیال و غرایز، انسان‌ها را به تکاپو و می‌دارند. کسب ثروت، تلاش و کوشش ایجاد می‌کند. قدرت و مقام خواهی از خواسته‌های مثبت انسان و یک امر فطری است.

اما همه این‌ها تا جایی است که در جهت صحیح و مشروع خود قرار بگیرد که در این صورت کمال است؛ اما اگر به مرز طغیان برسد، مذموم می‌شود؛ مانند قدرت‌طلبی و مقام پرستی فرعون که گفت: "أَنَا رَبُّكُمْ أَلَا؟ عَلَيَّ؛ (نازعات، ۲۴) من پروردگار بزرگ شما هستم". این جاست که باید

اهرم کنترل داشت و لجام بر دهان نفس زد و الا اسب درون چموش می شود. برخی از اهرم های کنترل عبارت است از:

۱. بیداری از غفلت و توجه به حقیقت؛ زیرا منشأ هر گونه فساد و طغیان گری غفلت است: "وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ (اعراف، ۱۷۹) و محققا، برای جهنم بیافریده ایم بسیاری از جن و انس را [آنان را که] برایشان دل هایی است که با آن ها نمی فهمند، و برایشان چشم هایی است که با آن ها نمی بینند و برایشان گوش هایی است که با آن ها نمی شنوند؛ آنان همانند چارپایان و بلکه گمراه تر از چارپایانند؛ آنان همان غفلت زدگان هستند".

۲. همه چیز را از آن خدا و همه قدرت را از او دانستن: "أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ (بقره، ۱۶۵) همه قدرت از آن خداوند است. قدرت طلبی انسان برای آن است که به قدرت مطلقه برسد.

۳. بالا بردن سطح آگاهی نسبت به خود و خدا، تقویت ایمان، تقوا، تعبد به احکام الهی؛

۴. تطبیق خواسته های درونی با خواسته های الهی، هماهنگ کردن حب و بغض های درونی با حب و بغض خداوند؛ یعنی خواستن آن چه خدا بخواهد و نخواستن آن چه خدا نخواهد.

یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آن چه را جانان پسندد

انتظار

پیامبر که معمار اسلام بوده برای پرکردن خلا امام در زمان غیبت و آماده سازی و حفظ روحیه ولایت پذیری مردم طرحی درافکنده

و آن طرح "انتظار فرج" است که فرمود "انتظار الفرّج عبادہ"

اینکه پیامبر این انتظار را عبادت می داند زیرا انتظار فرج حلقه رابط میان گذشته و آینده امامت است

اینکه انتظار را عبادت و گاهی برترین عمل معرفی می کنند زیرا انتظار فرج یعنی ایمان به غیب. الذین یؤمنون بالغیب.

زیرا انتظار فرج یعنی مبارزه با ظلم. زیرا انتظار فرج یعنی امید به ظهور منجی.

عامل مهدویت می تواند اسلام ناب را زنده نگه دارد همانطور که پرفسور کربن گفت همه ادیان مرده اند جز شیعه. زیرا همه می گویند پیامبر ما یا امام ما مرده است ولی شیعه می گوید امام ما زنده است و دارد زندگی می کند و بر کارما نظارت دارد.

لذا ارتباط معنوی اقشار مردم ایران با حضرت ولی عصر در دعاها و ندبه و زیارت مسجد جمکران و تشکیل صدها موسسه مهدویت و دهها همایش و سمینار و سخنرانی و امثال آن تجلی یافت. و با این شوق قدرت مردم ایران چند برابر شد. و این باعث شد که استقامت مردم در مقابل توطئه ها استکبار باعث شگفتی دشمنان گردد.

مخصوصا با پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس و حزب الله لبنان در جنگ سی و سه روزه توجه دشمنان به مسئله مهدویت جلب شد بطوری که در مراکز کفر جهانی موسسات مختلفی پیرامون تحقیق و پژوهش درباره اعتقاد به امام زمان تشکیل گردید. که نمونه آن مرکز شیعه شناسی در پایتخت رژیم صهیونیستی است.

ولایت فقیه که در حقیقت نیابت از حکومت امامت و ولایت حضرت مهدی است بدون اعتقاد به وجود امام زمان عج اعتباری ندارد.

واما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیهم {کشف الغمه ج ۳ ص ۱۰۱}

این اصل مترقی نظام اسلامی سدی در مقابل خباثت های دشمن علیه نظام ما می باشد در طول دوران غیبت کبری با اعتقاد به مهدویت بود که مردم طبق دستور حضرت که امر کرده بود به فقهاء مراجعه کنند پیروی از علما را وظیفه خود می دانستند در مسئله تحریم تنباکو میرزای شیرازی اعلام کرد که استعمال تنباکو بمنزله جنگ با امام زمان است. دیدیم چگونه اقشار مختلف مردم حتی زنان سوگلی ناصرالدین شاه از این فتوا تبعیت کردند

و شاه وانگلیس را بزانو در آوردند.

نقل می کنند بعد از پیروزی میرزای شیرازی علما برای تبریک خدمت ایشان رفتند و دیدند ایشان گریه می کنند علت را پرسیدند فرمود تا الان استعمار از قدرت روحانیت خبر نداشت لذا با ما کاری نداشتند ولی حالا که قدرت روحانیت را شناختند انواع توطئه علیه روحانیت بکار می برند.

باید تبعیت از ولی فقیه را در هیچ حالی رها نکنیم. باید وحدت خود را در همه حالات حفظ نماییم. باید ما هم در مقابل توطئه های فرهنگی دشمن، سرمایه گذاری بزرگی در اشاعه فرهنگ مهدویت و رساندن صدای مشتاقان حضرت به گوش جهانیان بکنیم که نمونه آن خواندن دعای حضرت در سازمان ملل و در مجامع جهانی توسط رئیس جمهور محترم است

باید عدالت علوی را در کشورمان در همه مسائل اجرا کنیم تا دنیا بفهمد اینکه حضرت عدالت را بر زمین حاکم می کند

وظایف شیعیان در دوران انتظار:

رخی تصور می کنند انتظار یعنی دست رو دست گذاشتن و ایام را بدون تلاش سپری کردن تا این که امام زمان علیه السلام ظهور نماید.

حال آن که معنای انتظار، بسیار گسترده است و منتظر، وظایف بسیاری را باید ایفا نماید تا خود و جامعه را برای ظهور آقا آماده نماید و هر چه قدر تلاش منتظران بیشتر شود، شرایط ظهور امام غایبمان زودتر فراهم می شود. وظیفه ما فقط دعا کردن نیست، بلکه باید این دعا، با خود سازی و جامعه سازی همراه شود.

مرحوم سید محمد تقی موسوی اصفهانی در کتاب شریف مکیال المکارم به هشتاد مورد از وظایف منتظران اشاره کرده است که به اختصار به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۱- دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از وظایف مهم ما دعا برای امام زمان است، ائمه هدی علیهم السلام نیز همواره بر این مهم تکیه داشته اند و بر اساس روایاتی از امام صادق علیه السلام در دعایی که آن حضرت به "زراره" تعلیم فرمودند، محور اصلی آن بر امام شناسی استوار است. ایشان به زراره می فرمایند: "... اگر غیبت را درک کردی چنین دعا کن: اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک، اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجّتك، اللهم عرفنی حجّتك فانک ان لم تعرفنی حجّتك ضللت عن دینی." (۱)

همچنین دعا‌های دیگری که در کتب ادعیه و زیارات بدان اشاره شده، خصوصاً دعای معروف "اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن ..." که بحمدالله در بین جامعه شیعه بسیار معروف و مشهور است.

۲- شناخت صفات و سیره امام علیه السلام

بدیهی است که یک عاشق دل‌باخته و یک منتظر حقیقی باید بداند که محبوبش از چه صفاتی برخوردار بوده و چه سیره و روشی را در زندگی و سایر شؤونات آن دارد. در این راستا، مطالعه آیات و روایات فراوانی که در ارتباط با وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده، بسیار سودمند است.

۳- رعایت ادب در همه موارد

امامی که واجب الاطاعة و حجت خدا بر تمامی اهل زمین است، نامش محترم و یادش بسیار گرامی است. او پیشوای همه و چشم بینای خدا در بین مخلوقات اوست. روزی اهل زمین به یمن

وجود اوست و هر کس که به مرتبه ای از مراتب کمال می رسد از پرتو عنایات حضرت حق است که از مسیر امامت به ما رسیده است.

۴- عشق و علاقه نسبت به حضرت

مرحوم سید عبدالکریم کفاش، هفته ای یک مرتبه به محضر آن حضرت مشرف می شد. او در ری در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی می زیست. در یکی از تشرفاتش، حضرت از او می پرسند، سید عبدالکریم اگر ما را نبینی چه خواهد شد؟! پاسخ می دهد: آقا حتما می میرم.

حضرت در پاسخ فرمودند: "اگر چنین نبودى ما را نمى دیدى." (۲)

۵- علاقمند کردن دیگران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

طبیعی است که هر کس به چیزی علاقمند باشد در صدد تبلیغ و ترویج آن برآمده و آن را به دیگران معرفی خواهد کرد، چه رسد به این که وجود مقدس خاتم الاوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

۶- انتظار فرج

امام صادق علیه السلام فرمودند: "بخشی از معتقدات ائمه علیهم السلام عبارت از تقوی، پاکدامنی و خیرخواهی... و صبوری کردن درانتظار فرج است." (۳)

در بسیاری از روایات، پر فضیلت ترین اعمال، انتظار فرج دانسته شده است. (۴)

در بسیاری از احادیث در باب انتظار فرج بیان شده که هر گاه یکی از منتظران حضرت به رحمت الهی رفت، چنان است که در میان سپاه امام و یا در میان خیمه حضرت به شهادت برسد.

در بعضی از روایات تعبیر شده که چنین شخصی مثل کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر کفر جهاد کرده باشد.

۷- اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت.

۸- ذکر فضائل و مناقب آن حضرت، و شرکت در مجالس امام شناسی.

۹- صدقه برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱۰- بجا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از امام.

اعمالی که به نیابت از امام زمان علیه السلام بجا آورده می شود، در واقع هدیه ای از جانب عاشقان و شیفتگان به یوسف زهراست.

۱۱- استغاثه بوجود مقدس امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

در بعضی از روایات از آن بزرگوار به "غیاث المضطرالمستکین" تعبیر شده است. توسل واستغاثه براهل البیت علیهم السلام، سیره دائمی بزرگان و صلحا و علما شیعه بوده و حتی ائمه هدی علیهم السلام نیز به وجود مقدس ایشان توسل می جستند.

مرحوم عاملی در روایتی نقل می کنند که هنگامی که زهرا مظلومه سلام الله علیها بین دیوار و در مجروح شدند، به دنبال علی علیه السلام ... بودند و ناله "یا بن الحسن" سر می دادند و به وجود مقدس امام عصر حضرت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف استغاثه جستند.

۱۲- تجدید بیعت با امام علیه السلام

بر اساس پاره ای از روایات، تجدید بیعت بعد از هر نماز واجب و یا در هر جمعه مستحب است.

(۵)

و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که :

"هر کس بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم، نمی میرد مگر آن که حضرت را ببیند و بشناسد." (۶)

۱۳- اجتناب از محارم

کسی که منتظر واقعی است، باید از آنچه که امام زمانش کراهت و دوری دارد، اجتناب نموده و هر عملی که در تقرب او موثر است را به خاطر رضای محبوب و ارتباط روحی با او انجام دهد. مرحوم شیخ طوسی متوفی ۴۶۰ ه. ق در کتاب شریف "تجريد الاعتقاد" می فرماید: "وجوده لطف و عدمه منا".

وجود حضرت لطف، و عنایت بر ماست و غیبت ایشان به خاطر اعمال و رفتار بد ماست.

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم که از که پرسم جانان نشان کویت ؟ گفتا نشان چه پرسی ؟ آن کوی، بی نشان است

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

"زمین خالی از حجت خدا نیست لکن خداوند متعال، خلقتش را از اینکه حجت را بشناسند نایینا و محروم می نماید و این به خاطر ظلمی است که بر خودشان روا داشتند." (۷)

"ظلم و جور با بصیرت سنخیت ندارد، و کسی که در کلاس گناه و معصیت بسر می برد هم سنخ با اولیای خدا نیست لذا دیده اش از شناخت حضرت ناییناست." (۸)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در توقیعی چنین می فرماید: "فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نوثره منهم." (۹)

پس محبوس نکرده ما را از دوستان مگر خبرهای ناگواری که همواره از ناحیه آنان به ما می رسد که ناخوشایند است در حالی که ما آن کارها را از ایشان نخواستیم.

۱۴- دوستی با صالحان

دوستی با دوستان حضرت باعث تقرب و جلب خشنودی ایشان است. همچنین ادخال سرور مومنین و محبین اهل بیت علیهم السلام و همچنین رفع حوائج آنان نیز از وظایف منتظران عصر ظهور شمرده شده است.

قرآن کریم در وصف یاران حضرت ختمی مرتبت می فرماید:

"محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم."

محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کسانی که با او هستند بر علیه کفار بسیار خشن ولی با یکدیگر بسیار مهربانند.

و همچنین امر خدای حکیم که می فرماید:

"کونوا مع الصادقین"

همواره با افراد راستگو همنشین باشید. که در این آیه کریمه شریفه اشاره به دوستی با صالحان دارد.

۱۵- برائت از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام

امام هادی علیه السلام در زیارت شریف جامعه می فرمایند:

"برئت الی الله عزوجل من اعدائکم و من الجبت و الطاغوت و الشیاطین و حزبهم الظالمین." (۱۰)

بدرگاه خدای عزوجل از دشمنان شما بیزارم همچنین از جبت و طاغوت و از شیاطین و حزب ستمکار آنان.

پی نوشتها:

- ۱- منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، حدیث ۱، ص ۵۰۱.
- ۲- مشعل هدایت، ج ۲، ص ۱۲۹.
- ۳- منتخب الاثر، آیت الله صافی، ص ۴۹۸ به نقل از بحار الانوار.
- ۴- منتخب الاثر، صص ۴۹۳ - ۵۰۰.
- ۵- مکیال المکارم.
- ۶- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۷۷، باب ۳۹.
- ۷- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.
- ۸- مشعل هدایت، ج ۲، ص ۱۲۶.
- ۹- احتجاج طبرسی، ص ۳۲۲، ۱۰- مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی (ره)، زیارت جامعه کبیره.

شناخت امام زمان (عج)

اعتقاد به امامت، یکی از پایه های بنیادی و اساسی اسلام است؛ به گونه ای که اگر مسئله امامت از اسلام برداشته شود، مفهومی نخواهد داشت. از این رو، خداوند متعالی در روز غدیر خم، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم واجب کرد که امامت حضرت علی علیه السلام را به مردم ارائه کند و مسئله ولایت را تکمیل کننده رسالت خود و تمامی پیامبران قبل قرار دهد. یکی از اصول اعتقادی که در تمامی عصرها بر بشر، به ویژه مسلمانان واجب است، شناخت امام زمان می باشد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به

مرگ جاهلیت مرده است». از سوی دیگر، شناخت و معرفت به امام، تنها وسیله نجات انسان از گمراهی است؛ زیرا با معرفت او می توان مدعیان دروغین مقام و منصب آن حضرت را شناخت.

استقامت در حفظ ایمان و عقیده

حفظ ایمان و دین از شیاطین، کافران، منافقان، دشمنان اهل بیت علیهم السلام و نیز شبهه هایی که هر لحظه ممکن است به عرصه ایمان و دین شخص رخنه کرده و هجوم آورد بسیار مهم است. ثبات و استقامت در حفظ ایمان و عقیده و صبر و تحمل بر مصیبت ها و شماتت دشمنان بسیار مشکل است، مگر برای کسی که لطف ویژه خداوند شامل حالش شود. راه ثبات عقیده و حفظ ایمان و نگهداری نفس از طغیان و عصیان، در عمل کردن به وظایف است. ائمه اطهار علیهم السلام در روایات بسیاری، مسلمانان را به صبر و استقامت در حفظ ایمان و عقیده امر کرده اند. امام جواد علیه السلام می فرماید: «مهدی ما را غیبتی خواهد بود. پس هر کس بر دین خود ثابت بماند... در قیامت در درجه من و با من خواهد بود».

انتظار فرج و ظهور آن حضرت

انتظار فرج در هر کاری، یکی از اعمال صالح به شمار می آید؛ البته انتظار فرج کلی که فرج آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم و شیعیان ایشان و فرج دین است، برترین انتظار فرج هاست؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج است». امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «منتظر فرج باشید... زیرا محبوب ترین عمل ها به سوی خداوند، انتظار فرج است». ارزش و اهمیت انتظار زمانی روشن می شود که با نگاهی به آیات قرآنی، درمی یابیم خداوند متعالی، اهل بیت علیهم السلام، پیامبران و فرشتگان همگی خود را

منتظران حضرت می دانند. انتظار فرج آن حضرت به قدری فضیلت دارد که امام صادق علیه السلام فردی را که منتظر این امر باشد و در این حالت بمیرد، برابر با کسی دانسته که همراه حضرت مهدی (عج) در خیمه او باشد.

باز گویی فضیلت های وجودی حضرت

یکی از وظایف منتظران این است که در هر مکان و به هر مناسبتی که سخنی از امام زمان (عج) به میان آورده می شود، از فضیلت ها، معجزه ها، کرامت ها و آثار وجودی ایشان بگویند. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام فضیل فرمود: آیا می نشینید و با یکدیگر گفت و گو می کنید؟ فضیل عرضه داشت: آری فدایت شوم. امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا من آن مجالس را دوست می دارم؛ پس امر ما را احیا کنید. ای فضیل، خداوند رحمت کند کسی که امر ما را احیا نماید». رهرو راه انتظار در مجالسی که به نام آن محبوب دل ها تشکیل می شود، حضور می یابد تا ریشه های محبت او را در دل خود محکم تر کند. امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس در مجلسی بنشیند که در آن مجلس امر ما زنده می گردد، روزی که دل ها می میرد، دلش نخواهد مرد».

شناختن نشانه های ظهور

یکی از وظایف شیعیان در دوران غیبت، شناخت نشانه های ظهور امام زمان (عج) است. هر فردی در دوران آخر الزمان برای اینکه امام خود را بشناسد، باید از نشانه های ظهور و وقایعی که در دوران ظهور اتفاق خواهد افتاد، آگاه باشد. در این صورت، از افتادن در منجلاب گمراهی و فساد نجات می یابد و با کسب معرفت و شناخت این نشانه ها از راه مطالعه روایاتی که در این زمینه

آمده، خود را برای خدمتگزاری به آن حضرت آماده می کند. از سوی دیگر، اطاعت از اوامر امام زمان (عج) بر هر شخصی واجب و لازم است. لذا به هنگام ظهور آن حضرت، باید با شناخت کامل به یاری ایشان شتافت و دست بیعت به سمت آن بزرگوار دراز کرد.

تسلیم بودن و عجله نکردن در زمان ظهور

شتاب ورزی در امر ظهور و از دست دادن صبر و تحمل، سبب می شود که شخص، از افراد گمراه کننده و ملحدی پیروی کند که ادعای ظهور می کنند. همچنین شتاب کردن در این امر سبب مأیوس شدن از وقوع آن و در نتیجه، تکذیب اخبار و روایات متعدد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام می گردد که از وقوع حتمی ظهور امام مهدی (عج) خبر داده اند. از سوی دیگر، شتاب زدگی در این امر، سبب انکار حضرت مهدی (عج) شده یا آدمی را به شک و تردید می اندازد. امام صادق علیه السلام در پاسخ فردی که از زمان ظهور پرسیده بود، فرمود: «عجله کنندگان هلاک می شوند و تسلیم شدگان نجات می یابند». عجله ای که از آن مذمت شده، ضد صبر و تسلیم است؛ در واقع درخواست تعجیل فرج از خداوند، اقرار به بندگی و اعتراف به قدرت و اراده الهی و باور به عجز و ناتوانی خود و نداشتن چاره می باشد.

سعی در خدمت به آن حضرت

بر اساس روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده، زندگی انسان ها و همه موجودات به برکت وجود امام معصوم است. بنابراین باید تا حد توان خدمتگزار آن حضرت بود و اندکی از حقوق ایشان را به جا آورد. امام صادق علیه السلام در بیان شرافت آن حضرت می فرماید: «اگر دوران او را دریابم، تمام مدت زندگانی ام در خدمت او خواهم بود». از این سخن معلوم می شود

که اهتمام به خدمت کردن به حضرت مهدی (عج)، برترین عبادت ها و بالاترین وسایل تقرب به خداوند است؛ زیرا امام صادق علیه السلام که عمر شریفش را جز در انواع طاعت و عبادت خدا سپری نکرد و شب و روز خویش را در این راه گذرانید. خدمت به حضرت از راه خدمت به دوستان، پیروان و شیعیان او به دست می آید. در حقیقت برطرف کردن نیازها و دفع مشکلات و حل و فصل امور آنها، خدمت به آن حضرت شمرده می شود.

خودسازی

خودسازی، یکی از مسائلی است که سالک الی الله باید به آن توجه کامل کند؛ چرا که اهمیت و ارزش آن به اندازه ای است که خداوند در قرآن به آن قسم یاد می کند. یکی از الزامات رسیدن به رستگاری و کمال حقیقی که بر هر انسان مسلمانی واجب است، پاک سازی روح و جان از صفات زشت و جایگزین ساختن صفات پسندیده است. البته پاک کردن آن به طور خاص در وظایف زمان غیبت، از این جهت است که درک فضیلت صحبت امام و قرار گرفتن در شمار یاران آن حضرت به این امر بستگی دارد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «هر کس دوست دارد از اصحاب مهدی (عج) باشد، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند. در این صورت اگر بمیرد و مهدی (عج) پس از مردنش به پاخیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است. پس بکوشید و در انتظار بمانید، گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خدا».

رعایت حقوق آن حضرت

ادای حق امام پس از خدا و رسول، از همه حقوق مهم تر است. در روایت آمده «هر حقی که برای خدای تعالی است، از آن ما (امامان) است». در روایت دیگری نیز قدر و منزلت مؤمن نزد امام علیه السلام، به میزان منزلت امام نزد فرد مؤمن دانسته شده است. حق امام حقی نیست که بتوان آن را با دنیا و هر چه در آن است، مقایسه کرد. حقوق امام که در برخی توقیعات مبارکه و دعاها و زیارات شریفه از آن سخن به میان آمده، رعایت حق امامت او، مواظبت بر اطاعت او، نرنجانیدن قلب مبارک او، پاسداری از آرمان های او، مجاهدت در راه دفاع از او و جان نثاری در راه تحقق خواسته های اوست.

حل نشدن در فساد محیط

منتظر واقعی امام مهدی (عج) اگر در محیطی فاسد قرار گیرد، نه تنها در آن غرق نمی شود، بلکه به اندازه توان خویش در برطرف کردن فساد می کوشد. منتظر امام وقتی فساد را می بیند، به شدت اندوهگین می شود. البته آن چیزی که می تواند در بین منتظران روح امید بدمد و به مقاومت و خویشن داری دعوتشان کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است که به دست منجی عالم بشریت، امام زمان (عج) انجام خواهد شد.

ایجاد زمینه های ظهور

منظور از ایجاد زمینه ظهور، صرفاً آمادگی شخصی نیست که هر فردی موظف باشد خود را در بعد عقیدتی، اخلاقی و عملی آماده سازد؛ بلکه مقصود آن است که افراد صالح بانفوذ مانند مراجع تقلید، دانشمندان، خطیبان و صاحبان قلم، دست به اقدام اصلاحی در جامعه بزنند و مردم را از خطر دشمنان آگاه کرده، به آثار وجودی امام زمان (عج) و بیان زندگی سعادت‌مندانه در عصر

ظهور توجه دهند و آنها را آماده سازند و در آماده باش کامل نگه دارند. صالحان باید طوری عمل کنند که جامعه از نظر عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی آماده ظهور حضرت و تشکیل حکومت واحد جهانی و اجرای دستورات دینی به طور کامل باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) را فراهم می سازند».

اطاعت و پیروی از نایب امام زمان (عج)

غیبت امام زمان (عج)، هرگز به معنای تعطیلی امامت او نیست. او در غیبت هم به لوازم امامت خود عمل می کند و ثمرات وجودی اش همیشگی است. امام اگرچه بنابر حکمت های الهی، پنهان از دیدگان مردم عادی زندگی می کند، ولی نشانه های حضور او نزد اهل بصیرت آشکار است. یکی از مهم ترین وظیفه های شیعیان در عصر غیبت، گوش سپردن به فرمان نماینده و نایب امام عصر (عج) است؛ به این معنا که در تمام کارها و حوادثی که در صورت حضور امام، با نظارت و ولایت او انجام می گرفت، در عصر غیبت باید با نظارت فقیه جامع الشرایط انجام گیرد. حضرت مهدی (عج) در پاسخ به نامه یکی از شیعیان، آشکارا به این مسئله اشاره می کند و می فرماید: «در حوادث پیش رو، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آنان حجت و نماینده من هستند و من حجت خدا هستم». امام حسن عسکری علیه السلام نیز ضمن توقیعی، مردم را به فقها ارجاع می دهد و می فرماید: «مقلد و تابع بی چون و چرای فقیه جامع الشرایط باشید».

تکذیب وقت گذاران

ظهور امام مهدی (عج)، همانند برپایی قیامت نامشخص است و تنها خداوند زمان آن را می داند. امام باقر علیه السلام در پاسخ یکی از یاران خود فرمود: «وقت گذاران دروغ می گویند، دروغ می گویند، دروغ می گویند». از سوی دیگر، از دسته ای از روایات چنین برمی آید که هر شب و روز باید منتظر ظهور حضرت باشیم. بنابراین، کسانی که برای ظهور حضرت وقتی را تعیین می کنند، دروغگویند؛ زیرا هر لحظه ممکن است ظهور آن حضرت به اذن خداوند صورت پذیرد. مشخص نشدن وقت ظهور، نوعی امتحان مردم است تا شتاب زدگان و کسانی که به داشتن ایمان تظاهر می کنند، از مؤمنان و منتظران واقعی شناخته شوند. از طرف دیگر اگر وقت ظهور مشخص می شد و سپس به علت برخی حکمت ها و علت ها به تأخیر می افتاد، بسیاری از مردم به شک و تردید می افتادند.

یاری کردن امام (عج) با قلب

کسی که می خواهد برای خارج کردن امام زمانش از غربت بکوشد، باید در درجه اول، معرفتی صحیح از امامش بیابد و قلبا تسلیم کمالات ایشان باشد. معرفت صحیح امام، عصاره و نتیجه دین شناسی است و یاوران حقیقی امام عصر (عج)، اهل بصیرت در دین هستند. محبت ورزیدن به امام، از معرفت قلبی برمی خیزد. قلبی که از محبت امام سرشار شده، همه حالاتش براساس این محبت قلبی شکل می گیرد و اعمال او نیز متناسب با میزان محبتش ارج و ارزش می یابد. هر گناهی قلب انسان را بیمار می کند و در صورت توبه نکردن، اثر سوء آن در قلب باقی می ماند. اگر هم گناه ادامه یابد، کم کم همه قلب فاسد می شود و راهی برای توبه باقی نمی ماند. به یقین قلب ناپاک مورد بغض و نفرت امام است و چنین کسی نمی تواند جزء یاران آن بزرگوار شمرده شود.

یاری امام با زبان و عمل

افراد دین شناس وظیفه دارند دین را با گفتار و رفتار خویش تبلیغ کنند و در غیر این صورت، در برابر خدا و امام زمان(عج) مسئول هستند و مستحق سرزنش و بازخواست می شوند. وظیفه تبلیغ دین به قشر خاصی منحصر نیست، بلکه هر کس به هر اندازه از فقاہت دینی بهره برد، در مورد تبلیغ و ارشاد دیگران موظف است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که احادیث ما را بسیار نقل می کند و با آن دل های شیعیان را محکم می سازد، از هزار عبادت کننده بهتر و با فضیلت تر است». یکی از بهترین مصادیق یاری امام زمان(عج)، دفاع از اعتقادات اصیل تشیع، مقابله با هجوم مخالفان و پاسخگویی به شبهات دشمنان امام است. کسی که غیرت دینی دارد، باید خود را به علم دین مجهز کند و در حد توان پاسخ دشمن را بدهد و بدین ترتیب، زبان تشیع باشد و با پشتوانه علمی خود بتواند باعث دلگرمی شیعه شود.

آمادگی برای ظهور

یکی از وظایف مهم مسلمانان به ویژه شیعیان، آمادگی برای پذیرش حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عج) است. تا آن آمادگی به دست نیاید،

۱- رعایت تقوای الهی

۲- تبعیت از فقهاء و مجتهدین

۳- دعا برای فرج

۴- حفظ وحدت

۵- مبارزه با مستکبران

۶- آماده کردن زمینه ظهور حضرت مهدی عج

۷- کمک به مسلمانان در موارد نیاز

ازدواج آسان

موانع ازدواج آسان

موانع ازدواج آسان به همراه راهکارهای آن در چهار قسمت؛ فرهنگی، اقتصادی، قانونی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

الف. موانع فرهنگی

موانع فرهنگی که مهم ترین و اساسی ترین موانع ازدواج محسوب می شود به شرح ذیل می باشد.

۱. لازم دانستن شغل و مسکن مناسب

در حال حاضر داشتن شغل و مسکن، اغلب به عنوان شرط لازم برای انجام ازدواج شمرده می شود و این شرط عملاً مانع ازدواج بسیاری از جوانان می گردد؛ به گونه ای که اگر باعث منتفی شدن ازدواج نشود، لااقل آن را سالها به تأخیر می اندازد؛ چون واقعیت این است که میلیونها دختر و پسر آماده ازدواج وجود دارد، که فراهم نمودن میلیونها شغل و مسکن مناسب برای آنها در زمان کوتاه ممکن نیست.

۲. رسومات مالی پرخرج

گاهی رسمهای پرخرج از قبیل خرید طلا، لباس، مهریه سنگین، جهیزیه گران و مراسمهای چند گانه، از یکسو و ابهام در میزان مخارج ضروری از سوی دیگر، طرفین را وامی دارد تا چند برابر مقدار لازم، هزینه نمایند. از این رو این امور سهم بسزایی در تأخیر اقدام برای ازدواج دارند.

۳. لازم دانستن زندگی تجملاتی و پرزرق و برق که گاهی توسط فیلمهای سیما تشدید می گردد.

۴. عدم اهتمام لازم از سوی خانواده ها نسبت به ازدواج فرزندان

تصور عمومی بر این است که خانواده ها فقط به خاطر مشکلات مالی برای ازدواج فرزندان اقدام نمی کنند؛ در حالی که بسیاری از آنها خرجهای فراوانی در موارد غیر ضروری انجام می دهند که اهمیت هیچ یک از آنها به اندازه ازدواج جوان نیست و برای تهیه آن نیز خود را به زحمت می اندازند؛ به گونه ای که در بعضی موارد به قرض کردن و وام گرفتن نیز مبتلا می شوند. مثلاً تغییر دکوراسیون منزل، تعویض وسایل و توسعه آن، سفرهای زیارتی، سفرهای خارج از کشور، خرید ماشین، تحصیل فرزند در مدارس غیر انتفاعی و دانشگاه آزاد، گرفتن معلم خصوصی، عمل جراحی به جهت زیبایی و که هیچکدام ضروری نیستند و مردم برای آنها خرجهای فراوان می کنند، در حالی که در همین زمان نه تنها برای ازدواج فرزندان اقدام نمی کنند، بلکه جهت تهیه مقدمات آن نیز تلاش نمی نمایند.

پس مشکل بسیاری از والدین، مشکل مالی نیست؛ و اگر برای ازدواج فرزندان به اندازه موارد فوق اهمیت می دادند، این مشکل نیز تا حد زیادی رفع می شد.

۵. زود دانستن ازدواج برای تازه جوانان

بسیاری از خانواده ها بر این باورند که سن تازه جوانان برای ازدواج کم است؛ از این رو هر چند از نظر مالی مشکلی در آماده کردن شرایط ازدواج فرزندان نداشته باشند، باز هم به ازدواج او اقدام نمی کنند.

۶. عدم اظهار نیاز به ازدواج توسط جوانان

بسیاری از جوانان حتی آنها که در معرض انحرافات قرار می گیرند، به خاطر خجالت و یا ترس از متهم شدن به ناپاکی، از اظهار نیاز به ازدواج امتناع می ورزند و طبیعی است که در این صورت، والدین تصور می کنند آنها نیاز ندارند و برای ازدواجشان اقدام نمی کنند.

۷. ضعف انگیزه و یا عدم انگیزه برای ازدواج

متأسفانه یکی از موانع مهم ازدواج، ضعف یا از بین رفتن انگیزه ازدواج در جوانان است که علل مختلفی دارد:

آلوده شدن به انحرافات جنسی که دسترسی به آنها آسانتر از ازدواج است. (کسی که بارها ارتباط نامشروع و ارزان را امتحان کرده، لازم نمی بیند که خود را به زحمت انداخته و ازدواج کند)؛

انعکاس شکستهای دیگران در رسانه ها؛

اعتقاد برخی پسران به کمبود دختران پاک (برخی از پسران به دلیل داشتن ارتباطات متعدد در موقعیتی قرار می گیرند که احساس می کنند هیچ دختری دست نیافتنی نیست)؛

دیدن طلاق و کشمکشهای خانوادگی بین اطرافیان؛

بالا رفتن سن (هر چه سن بالا می رود، انگیزه برای ازدواج کم می شود)؛

عدم توجه یا جهل جوان نسبت به ثمرات ازدواج.

۸. ترس از ازدواج

عده ای از جوانان که انگیزه برای ازدواج دارند، از اقدام به ازدواج می ترسند. بعضی از علتهای ترس آنان عبارتند از:

وجود هزینه های سنگین و تجملاتی و مشکلات مالی در زندگی؛

انتظارهای نابجا در زمان ازدواج و بعد از آن؛

احتمال انتخاب نادرست؛

امکان عدم تفاهم اخلاقی با همسر؛

تصور عدم توانایی در پذیرش مسئولیت خانواده.

۹. اعتقاد به اینکه با وجود خواهر یا برادر بزرگ تر نوبت به بعدی نمی رسد.

۱۰. اهمیت بیش از حد به تحصیل

متأسفانه در جامعه ما اهمیت به تحصیل در مواردی به قیمت فدا شدن ازدواج تمام می شود، به عنوان مثال عده ای از دختران به خاطر درس خواندن به خواستگارها جواب رد می دهند؛ اما بعد از فارغ التحصیل شدن به دلایلی همچون نبود فرد هم شأن از نظر تحصیلات، یا بالا رفتن سن و یا ... دیر ازدواج می کنند و یا اصلاً موفق به ازدواج نمی شوند.

راهکارها

۱. اقدام فرهنگی خصوصاً از طریق رسانه ها در جهت تغییر نگرش عمومی که مبتنی بر توقعات نابجای اقتصادی است.

وظیفه رسانه ها و انسانهای فکور و شخصیت‌های دلسوز اجتماعی در این زمان، القاء دید واقع گرایانه به افشار مختلف اجتماع در زمینه ازدواج است؛ که با توجه به عدم امکان فراهم شدن اموری از قبیل شغل و مسکن مناسب برای اکثر جوانان تا سالیانتمادی، نمی توان توقع حل این مشکل را از راه اقتصادی در کوتاه مدت داشت.

۲. سوق دادن نگرش خانواده ها در جهت اهمیت فوق العاده دادن به ازدواج فرزندان

مهم ترین عاملی که در ازدواج جوانان نقشی بسزا دارد، خانواده است؛ چون در اکثر موارد تا خانواده نخواهد، به هیچ وجه ازدواج رخ نخواهد داد؛ گرچه دولت و تمام ارگانهای مربوطه بخواهند که جوان به سروسامان برسد.

اگر خانواده ها واقعا بخواهند و حرکت کنند، این خواست و حرکت آنها، حتی دولت و کل جامعه را نیز حرکت خواهد داد.

این تغییر نگرش باید از طریق رسانه ها خصوصاً صدا و سیما با تهیه و تولید مصاحبه، فیلمها و سریالهای متناسب با این موضوع و همچنین توسط مبلغان محترم در محافل و مجالس مذهبی، صورت پذیرد.

۳. اعطاء بینش به جوانان در جهت تلاش برای رفع موانع فرهنگی ازدواج

در این راستا ابتدا باید خود جوان باور کند که با تعلل و تأخیر انداختن ازدواج، نقد جوانی را از دست می دهد، و در قدم بعدی برای رفع موانع آن تلاش کرده و سعی کند افکار خانواده اش را تغییر دهد و آنها را راضی کند که لااقل به خاطر شرایط کنونی دست از توقعات خود بردارند.

۴. توجه دادن به خانواده ها در مورد صلاحیت تازه جوانها برای ازدواج

باید به خانواده ها توجه داد خدایی که در جوان احساس نیاز جنسی و عاطفی را بیدار کرده است، صلاحیت پاسخ گویی به آن را از راه ازدواج به وی عطا نموده است. در تازه جوان استعداد ذاتی پذیرش مسئولیت خانواده وجود دارد که باید با وارد شدن به مرحله عمل شکوفا شود، همانند ورزشکاری که تا وارد میدان تمرین عملی نشود، نمی تواند استعداد خود را شکوفا کند و در مسابقه برنده شود. تازه جوان، تا عملاً زیر بار مسئولیت نرود احساس مسئولیت او به فعلیت نمی رسد.

از این رو خانواده باید با ازدواج، او را در میدان زندگی وارد کرده و با همراهی او در این راه، به تدریج وی را برای پذیرش عملی مسئولیت خانواده آماده کند.

۵. ممکن نشان دادن ازدواج آسان

می توان با پخش نمونه های عملی از ازدواجهای آسان از سیما در قالب مصاحبه و فیلم و برنامه های ترکیبی، ممکن بودن آن را به خانواده ها و خود جوانان نشان داد.

۶. ترغیب شخصیتها و متمکنین به انجام ازدواج آسان (بدون خرج و مراسم سنگین) برای فرزندانیشان در جهت فرهنگ شدن ازدواج آسان در جامعه.

۷. سعی در رفع ترس جوانان از ازدواج

اغلب جوانان از شکست در زندگی می ترسند. باید به آنها تذکر داد که احتمال شکست در بسیاری حرکتها وجود دارد؛ در این موارد باید سعی کرد با تدبیر، احتمال شکست را کاهش داد؛ نه اینکه از آن کارها صرف نظر کرد.

۸. توجه دادن به خانواده ها در خصوص آثار منفی مهریه سنگین

بسیاری از خانواده ها تصور می کنند با قرار دادن مهریه سنگین برای دخترشان، پایداری زندگی او را تضمین کرده اند؛ در حالی که در آموزه های دینی ما زنی که مهرش بالا باشد، شوم خوانده شده و این حقیقتی است که دین، آن را به ما ارائه نموده و رعایت آن، مانع از هم پاشیدگی خانواده است. چه بسا خانواده هایی که فقط به خاطر همین موضوع با بحران مواجه می شوند و یا وصلت هایی که فقط به خاطر آن سر نمی گیرد و عواقب بدی را به دنبال می آورد.

۹. فعال سازی صاحبان سخن و قلم در جهت تسهیل ازدواج

۱۰. عدم پخش برنامه هایی که جوانان را از ازدواج باز می دارد

بیش تر اوقات صدا و سیما نزاع زوجین را به تصویر کشیده و باعث تأثیر منفی در ذهن جوانها و خانواده هایی که قصد ازدواج برای آنها را دارند، می شود. این برنامه ها با ایجاد رعب و وحشت در دل جوانان، تا حدود زیادی آنها را از اقدام به ازدواج باز می دارد.

۱۱. آشنا کردن مردم با نظر دین در مورد آسان گیری ازدواج و همچنین ارتقاء سطح ایمان آنان

در صورت بالا رفتن ایمان، دنیا، تجملات و تشریفات آن برایشان بی ارزش خواهد شد.

۱۲. بررسی سیره اهل بیت علیهم السلام در مورد ازدواج آسان و بیان آن

۱۳. اصلاح فرهنگ شغلی

باید جوانان را توجیه و ترغیب کرد که با در نظر گرفتن استعداد، علاقه و امکانات خود شغلی را انتخاب کنند؛ نه اینکه تا یافتن پُست و شغل دولتی بی کار بمانند. البته باید در جهت تطبیق فرهنگ جامعه با این تفکر نیز اقدام کرد.

۱۴. نقد فرهنگ غلط لزوم ازدواج فرزند بزرگ تر قبل از کوچک تر

۱۵. نقد باور اهمیت بیش از حد به تحصیل برای دختران و توصیه به ازدواج و ادامه تحصیل بعد از آن.

ب. موانع اقتصادی

۱. کمبود شغل مناسب

با توجه به لازم شمرده شدن شغل مناسب برای ازدواج، جوان بدون اینکه شغلی مناسب و آبرومند داشته باشد، نخواهد توانست برای ازدواج اقدام کند. متأسفانه در شرایط فعلی برای همه جوانان شغل مناسب وجود ندارد و همین مسئله به پیچیده تر شدن مشکل ازدواج کمک کرده است.

البته در کنار علت اصلی، علل دیگری نیز هست که به سختی کار می افزاید؛ مانند اشتغال دختران که فرصت شغلی پسران را کم می کند و به خاطر راضی شدن آنان به حقوق کم، سطح دستمزدها پایین می آید.

۲. نداشتن مسکن مناسب

در حال حاضر وضعیت مسکن غیر عادی است؛ به طوری که نمی توان با اتکاء به دریافت یک حقوق معمولی، امیدوار بود که بعد از گذشت چند سال از زندگی، موفق به خرید مسکن شد و از طرفی داشتن سر پناه برای شروع زندگی از واجبات شمرده می شود. پس هر فرد باید مدت زیادی از عمر خود را برای تهیه خانه صرف کند، تا بتواند در اواخر جوانی با داشتن خانه شخصی به خواستگاری برود.

می توان با پخش نمونه های عملی از ازدواجهای آسان از سیما در قالب مصاحبه و فیلم و برنامه های ترکیبی، ممکن بودن آن را به خانواده ها و خود جوانان نشان داد

۳. عدم توان برای خریدهای سنگین و مراسمی پرهزینه

خریدهای سنگینی از قبیل خرید حلقه، سرویس طلا، کت و شلوار، لباس عروس، لوازم آرایش، آینه شمعدان و غیره، آن هم در حد عالی و برگزاری مراسم متعدد و پرخرج برای عقد و عروسی، همگی در کندتر شدن روند ازدواج نقش دارند. به دلیل اینکه باید مدتی طولانی سپری شود تا جوان پول لازم را برای این خرجها جمع کند.

۴. نداشتن جهیزیه مناسب

بسیاری از خانواده ها به خاطر عدم توانایی در تهیه جهیزیه گران قیمت، خواستگار دخترشان را رد می کنند. راهکارها

۱. ایجاد فرصتهای شغلی مناسب برای جوانان و محدود شدن اشتغال دختران توسط دولت؛

۲. حل مشکل مسکن جوانان توسط دولت؛

۳. کم کردن هزینه های مربوط به مراسمات و خریدهای ازدواج با اختصاص سالن و فروشگاههای مخصوص و ...؛

۴. ترغیب خیرین برای کمک به ازدواج جوانان.

نکته مهم: آنچه مسلم است لزوم اقدام دستگاههای ذی ربط برای رفع موانع اقتصادی ازدواج جوانان می باشد تا بتوان مشکل را حل نمود، لکن یک نگاه واقع بینانه به ما می گوید وقتی جمعیت جوان در آستانه ازدواج کشور میلیونها نفر است، با همه تلاشها - حتی اگر بتواند مشکل همه را حل کند - سالیان سال از عمر جوانان برای رسیدن به شرایط لازم؛ مانند شغل و مسکن مناسب، در تجرد خواهد گذشت.

بنابراین ناگفته پیداست که راههای اقتصادی، توان حل کامل و به موقع مشکل ازدواج جوانان را ندارد و در نتیجه باید راهکارهای فرهنگی مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد؛ چون در سایه تغییر فرهنگی، علاوه بر اینکه ازدواج، آسان خواهد شد، از بسیاری خرجهای بی مورد نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد.

ج. موانع قانونی

۱. نادیده گرفتن جایگاه ازدواج در زمان تحصیل

از دیگر موانع ازدواج، تحصیل است و مهم ترین علت آن، عدم لحاظ جایگاه ازدواج در نظام تحصیلی کشور ما می باشد.

توضیح مطلب اینکه: گرچه تلاشهای قانونی برای حل مشکل ازدواج جوانان در دوران تحصیل شده و می شود؛ ولی حقیقت مطلب آنست که مشکل از برنامه ریزی اولیه در مورد تحصیل ناشی می شود؛ زیرا ازدواج در دوران تحصیل دیده نشده است، از این رو کسی که در وقت تحصیل ازدواج می کند نه تنها امتیازی ندارد، بلکه در مواردی حتی از سیر طبیعی تحصیل اخراج می شود؛ همانند اخراج دختران دبیرستانی ازدواج کرده از مدارس روزانه.

تحصیل در دانشگاه نیز همین گونه است؛ و گرچه ازدواج در این مهم ترین عاملی که در ازدواج جوانان نقشی بسزا دارد، خانواده است؛ چون در اکثر موارد تا خانواده نخواهد، به هیچ وجه ازدواج رخ نخواهد داد؛ گرچه دولت و تمام ارگانهای مربوطه بخواهند که جوان به سروسامان برسد

دوران اشکال ندارد؛ اما چون ازدواج در دوران دانشجویی مورد نظر قانون گزاران نبوده، نه تنها برای مواردی همچون درآمد برای اداره زندگی مشترک و مسکن و انتقال به محل زندگی همسر هیچ پیش بینی صورت نگرفته، بلکه در مواردی همچون تحصیل در دانشگاه آزاد باید هزینه های گزاف پرداخته شود.

۲. نادیده گرفتن جایگاه ازدواج در زمان سربازی

سربازی از موانع بزرگ برای عده زیادی از جوانان است که شغل دارند و آماده ازدواج هستند، اما به خاطر عدم انجام خدمت سربازی، خانواده دختر با ازدواج آنها مخالفت می کند.

قانون گزار سرباز را مجرد و نان خور پدر و مادر فرض کرده و او را برای دو سال، به خدمت تقریباً مجانی فرا خوانده است.

واضح است که این سربازی نوعی سرباری است؛ به علت اینکه سرباز در این مدت حتی توان اداره خود را ندارد، تا چه رسد به اینکه در صورت ازدواج بتواند زندگی خود و همسرش را اداره کند، و در نتیجه خانواده باید متکفل مخارج او باشد. پس در حقیقت سربار خانواده است.

راهکارها

۱. ایجاد تسهیلات در تحصیل

راه حل اصلی در این مورد، ایجاد جایگاه قانونی برای ازدواج در ضمن تحصیل است. در این صورت کلیه ملزومات ازدواج در این دوران در قانون پیش بینی خواهد شد و در نتیجه ازدواج و تشکیل زندگی در دوران تحصیل به راحتی ممکن خواهد شد.

تدابیر زیر برای حل مشکل ازدواج در دوران تحصیل قابل انجام است:

الف. تغییر قانون «اخراج دختران ازدواج کرده از مدارس» به «اخراج افراد بر هم زننده امنیت اخلاقی مدرسه»؛ به این معنی که بجای اخراج دختران ازدواج کرده هر کس با رفتار یا گفتار یا پوشش و آرایش و یا آوردن عکس و فیلم و ... زمینه تحریک جنسی عاطفی دیگر دانش آموزان را فراهم کند، چه مجرد و چه متأهل، اخراج شود.

ب. اولویت دادن به متأهلان در پذیرش برای تحصیلات عالی

ج. امتیاز دادن به دانشجویان متأهل از قبیل:

مرخصی ازدواج؛

پرداخت کمک هزینه توسط دانشگاه و باز پرداخت در طول دوران اشتغال؛

امکان انتقال دانشجو به دانشگاه نزدیک محل سکونت به دلیل ازدواج؛

کم کردن هزینه تحصیل برای متاهلین؛

تأمین اشتغال متاهلین در هنگام تحصیل؛

ایجاد و تخصیص خوابگاههای متاهلی.

۲. در نظر گرفتن تسهیلات در سربازی

برای تخفیف مشکل سربازی باید تسهیلات زیر در نظر گرفته شود:

الف. بخشیدن یا کم کردن مدت سربازی متاهلان، یا کم کردن ساعات حضور در محل خدمت به حدی که مانع اشتغال نشود؛

ب. ایجاد اشتغال برای سربازان در محل خدمت، از راه ایجاد باید جوانان را توجیه و ترغیب کرد که با در نظر گرفتن استعداد، علاقه و امکانات خود شغلی را انتخاب کنند؛ نه اینکه تا یافتن پُست و شغل دولتی بی کار بمانند

کارگاههای اقتصادی و...؛

ج. مرخصی ازدواج برای سربازان مجرد؛

د. اعطای وام ویژه به سربازان متاهل؛

د. موانع اجتماعی

۱. پیدا نکردن مورد مناسب برای ازدواج؛

۲. اشتغال دختران.

پیامدهای اشتغال دختران عبارتست از:

انگیزه آنان برای ازدواج، به دلیل تأمین مالی کم می شود.

با عدم ازدواج به خاطر اشتغال، سن آنها بالا می رود و خواستگارشان کم تر می شود و شانس آنها برای ازدواج کاهش می یابد.

با اشتغال دختران، فرصتهای شغلی عده ای از پسران از بین می رود و نمی توانند ازدواج کنند.

۳. تحصیلات دانشگاهی دختران

تحصیلات دانشگاهی شانس ازدواج دختران را کم می کند؛ چون دختر حاضر نیست با پسری که دارای تحصیلات پایین تر از خود است ازدواج کند و تازه اگر هم او قبول کند، ممکن است پسر به خاطر احتمال ایجاد مشکل در آینده قبول نکند. در نتیجه دختر باید منتظر بماند تا پسری که سن و تحصیلاتش از او بالاتر است به خواستگارش بیاید.

۴. بیش تر بودن تعداد دانشجویان دختر نسبت به پسر

بیش تر بودن تعداد دانشجویان دختر موجب از بین رفتن شانس ازدواج با شرایط دلخواه است؛ زیرا فقدان پسران با تحصیلات و شرایط سنی مناسب، احتمال ازدواج دختران را پایین می آورد.

علل مختلفی در این امر مؤثر بوده است از جمله اینکه امکان هر چند بار شرکت در کنکور برای دختران وجود دارد؛ اما پسران در صورت قبول نشدن، باید سربازی بروند.

بررسی موانع اجتماعی ازدواج جوانان

در سال های اخیر مسئله ازدواج و تشکیل خانواده برای جوانان بویژه قشر دانشجو بعنوان یکی از مسائل و پدیده های اجتماعی و فرهنگی مطرح شده است زیرا یک مسئله و مشکل اجتماعی در کشور است.

در سال های اخیر مسئله ازدواج و تشکیل خانواده برای جوانان بویژه قشر دانشجو بعنوان یکی از مسائل و پدیده های اجتماعی و فرهنگی مطرح شده است زیرا یک مسئله و مشکل اجتماعی در کشور است.

طرح مسئله :

ازدواج بعنوان یک پدیده اجتماعی است که صاحب نظران تعاریف متعددی از آن کرده اند. کارلسون ازدواج را فرایندی از کنش متقابل بین دو فرد که یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود بر پا داشته اند و بطور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته است، می داند. در ایران مسئله ازدواج از مسائل اجتماعی و فرهنگی زمان معاصر تلقی می شود زیرا به نظر می رسد مشکلات، تنگناها و موانع بر سر راه جوانان بویژه قشر دانشجویان در طول سالهای اخیر افزایش یافته است. مشکلات و تنگناهای ازدواج پیچیده و ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانی (فردی) و تفاوت های دو جنسی دارد.

هدف تحقیق:

هدف کلی، بررسی مشکلات و تنگناهای ازدواج بین دانشجویان دانشگاه های شهرستان های شهرضا و دهقان است که شامل شناخت مشکلات اجتماعی و فرهنگی، شناخت موانع اقتصادی و عوامل فردی می شود.

روش تحقیق:

با توجه به مطالعه مقدماتی در این پژوهش، روش پیمایشی است بدلیل این که می توان نتایج بدست آمده از جامعه نمونه را به کل جامعه آماری تعمیم داد. همچنین برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده می شود ولی از روش های دیگر از جمله اسناد و مدارک و ... بهره گرفته خواهد شد.

موانع و تنگناهای ازدواج:

به نظر می رسد در امر ازدواج موانع و مشکلات متعددی وجود دارد که می توان در چهارمقوله و زیر مجموعه های آن به شرح ذیل بیان کرد:

۱) تغییر و دگرگونی ارزش ها: مصرف گرایی، تجمل گرایی، افزایش انتظارات و توقعات، گسترش تشریفات ازدواج، تاثیر جهیزیه و مهریه بر افزایش منزلت اجتماعی، تغییر ساختار خانواده، ناسازگاری های اجتماعی، سست شدن بنیادهای مذهبی و ...

۲) فقدان اطمینان به آینده شغلی: فقدان فرصت های شغلی مناسب، مسئله مسکن، فقدان وضعیت اقتصادی مناسب، نگرانی نسبت به آینده شغلی و ...

۳) تفاوت معیارهای دوجنس در امر ازدواج: تاثیر معیارهای پولدار بودن، باسواد بودن، مذهبی بودن، زیبایی، اصالت خانوادگی، تفاهم اخلاقی، بومی بودن از نظر دو جنس، مشخصات همسر خوب از نظر پسر و دختر دانشجو

۴) کاهش تاهل بعنوان یک ارزش اجتماعی وضع تاهل، محدودیت ها بر اساس متون اسلامی و اصول روانشناسی انسان گراست به لحاظ اهمیت تشکیل خانواده و به منظور ارائه راه حل های کاربردی برای رفع موانع ازدواج جوانان نخست فلسفه ازدواج در نیاز به آرامش یافتن زن و مرد در کنار یکدیگر، مکمل بودن و رشد شخصیت آنها تبیین شده و سپس آسیب های روانی، موانع و مشکلات ازدواج جوانان از ابعاد زیست شناختی، روانشناختی و جامعه شناختی مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته و سپس برای رفع موانع و تسهیل در امر ازدواج جوانان شش راه حل کاربردی اسلامی ارائه گردیده است.

ازدواج پیمان مقدسی است که در آن زن و مرد بر اساس یک تعهد قانونی، شرعی و عاطفی پیمان می بندند تا با تشکیل خانواده در یک زندگی مشترک، نیازهای همدیگر را تامین و درنشیب و فرازها و تلخی و شیرینی های زندگی یار و غمخوار هم باشند. با این وجود، خانواده یکی از ارکان جامعه بشمار می رود و دستیابی به جامعه سالم در گرو سلامت خانوادگی تحقق خانواده سالم، مشروط به برخورداری معماران (زوجین) آن از سلامت روانی و داشتن رابطه ای مطلوب با یکدیگر است.

در این راستا، مطالعه حاضر به بررسی موانع ازدواج بین دانشجویان دانشگاه های شهر یاسوج (دانشگاه یاسوج، آزاد اسلامی و علوم پزشکی) می پردازد و آسیب ها و موانع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، خانوادگی و فردی از دیدگاه دانشجویان ارزیابی قرار می شود.

روش:

این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و مقطعی انجام گرفت و در آن ۴۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های شهر یاسوج در مقاطع و رشته های مختلف به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای، انتخاب و با پرسشنامه ارزیابی قرار شدند. ابزار پژوهش در این مطالعه، چهار حیطه کلی موانع (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خانوادگی فردی)، را از مجموعه سوالات استخراج و تجزیه و تحلیل کرد.

نتایج: در تجزیه و تحلیل نتایج این مطالعه مشخص شد که مهمترین موانع ازدواج به ترتیب اولویت: موانع اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی فردی و خانوادگی بوده است.

همچنین مهمترین موانع اقتصادی برای دانشجویان نداشتن شغل مناسب، نداشتن مسکن و مخارج ازدواج در برگزاری جشن عروسی، مهمترین موانع فرهنگی-اجتماعی:

دوست پسر یا دوست دختر داشتن مشکلات اخلاقیستگان درجه اول طرف مقابل و سیگاری بودن فرد عنوان شده است، همچنین نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر در مورد موانع ازدواج در بعضی گزینه ها تفاوت آماری معناداری وجود دارد.

این تفاوت ها در مورد وسواس در انتخاب شوهر مناسب، ترس از شکست در ازدواج، وضع نامطلوب اقتصادی طرف مقابل و سیگاری بودن فرد، به نفع دانشجویان دختر و در مورد ترس از جواب منفی طرف مقابل (دختر)، مخارج سنگین ازدواج، برگزاری جشن عروسی و نداشتن شغل مناسب، به نفع دانشجویان پسر بوده است.

بحث:

نظر به این که ازدواج موفق زمینه ساز خانواده ای سالم و در نهایت نویددهنده جامعهای سالم است، رفع موانع ازدواج مخصوصاً موانع شغلی با ایجاد شغل و فرصت های شغلی مناسب برای جوانان و دانشجویان توسط متولیان و برنامه ریزان جامعه می تواند آسیب ها و موانع ازدواج را به حداقل ممکن برساند.

واقعیت این است که تا پیش از دوران معاصر، ساماندهی فرآیند ازدواج جوانان به عنوان یکی از مهمترین کارکردهای خانواده در درون ساختار یاد شده از طریق دخالت مستقیم اعضای خانواده - با پرس و جو از اقوام، دوستان و آشنایان - یا با معرفی خیرین امر ازدواج تحقق می یافت؛ اما امروزه به دلیل تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی، ناکارآمدی شیوه های سنتی همسرگزینی و ... دیگر خانواده قادر نیست که به تنهایی این وظیفه خطیر خویش را عملی سازد و نیازمند یاری سایر نهادهای اجتماعی است

از این رو، سابقه هیچ گونه اقدام اجرایی در جهت ساماندهی ازدواج جوانان تا به حال وجود نداشته و فعالیت سازمان ملی جوانان در این راستا، اقدامی نوین و متناسب با شرایط کنونی است.

مفهوم ازدواج در جامعه کنونی دستخوش برخی تغییرات است، این تغییرات چه سمت و سویی داشته و محصول چه شرایطی بوده است؟

ما می دانیم در جهان، اساساً هر پدیده و هر انگاره‌ی در چارچوب وضعیت ویژه منطقه جغرافیایی و مقطع تاریخی و شرایط اسطوره‌ی، تاریخی، اجتماعی، جامعه‌ی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، هنری و... خودش شکل گرفته و تعریف شده است.

بنابراین با تغییر هر یک از این مولفه‌ها، بی شک مفاهیمی که در زیرمجموعه این مولفه‌ها قرار دارند، که می تواند شامل هر پدیده یا انگاره‌ی از جمله ازدواج بشود، تغییر می کند. مسلم است که در صورت تغییر اشکال آن مولفه در جامعه، بدون شک شکل های آن که در مقوله ازدواج بیشتر مراسم، مناسک و آداب و رسوم و نحوه اجرای آن مفهوم می شود نیز تغییر پیدا خواهد کرد.

حال با این فرضیات، ازدواج در عین مساله‌ی اجتماعی بودن و پیروی از قوانین مصوب در اجتماع، امری کاملاً خصوصی، شخصی و فردی است، مشروط بر این که بپذیریم هر شخص انسانی، یک فرد است که فردیت، شخصیت، دانش، تجربه و آمل و آرزوها و خواسته‌های کاملاً خصوصی و شخصی خود را نه تنها به دست آورده بلکه حق استفاده بهینه انسانی از آن را هم دارد اگرچه حتی بخش عظیمی از آن امیال و خواسته‌ها ممکن است در شرایط اجتماعی جامعه اش به دلیل تابو بودن یا به دلیل سنت های قدیمی قابل انجام نباشد.

ازدواج حتی اگر بر همین فرض، یعنی زندگی مشترک دو انسان ماده و نر و در پی آن فرزند داشتن و ادامه نسل تعریف شود، باز هم مساله‌ی شخصی، خصوصی و فردی است که شهروند روشنفکر در جامعه مدنی، ناگزیر و ملزم به اطاعت و اجرای بخش های مصوبه قانونی و اجتماعی آن است، حتی اگر به آن قوانین و مصوبات باورمند و پایبند نباشد. در جامعه های شرقی و مسلمان و با حضور و وجود قانون های مدنی، دیگر این امر آزادانه و با تمایل و تراضی طرفین و بدون لحاظ کردن و دل سپردن به قوانین مدنی شهروندی انجام نمی گیرد. درحالی که امروزه در اروپا دو نفر با میل و علاقه خویش سال های فراوان، حتی حدود ۳۰ سال، با هم زندگی می کنند بی آنکه به کلیسا رفته یا در مراجع قانونی ازدواج شان را تثبیت کرده باشند، که مسلماً ناگزیر از پرداخت هزینه های پیامدهای مادی و شهروندی این عدم ثبت قانونی، که بعضاً مسائل اقتصادی، ارثی و مالی خود و فرزندان شان است، می شوند.

من به عنوان زنی فعال در این حوزه و باورمند به بازگرداندن حقوق برابر و عادلانه زن به او که در طول تاریخ حاکمیت نظام مرد - پدرسالارانه از او دریغ شده است، ازدواج را محصول مجموع تعاملات و ارتباطات عشقی، عاطفی، روحی، جسمی و جنسی دو انسان ماده و نری می دانم که بی هیچ چشمداشت سود برنده و منفعت جوینده و مصلحت اندیش، هریک دیگری را، آگاهانه و با نیت «عشق» و دوست داشتن که «شدن» انسانی هر دو را در کنار هم رقم می زند انتخاب کرده است.

بدیهی است در این انتخاب دوسویه و آگاهانه مسلماً امکانات و زمینه های آشنایی و دیدار و بحث و گفت و گو و تبادل اندیشه و نظر، پیش تر باید صورت گرفته باشد. با لحاظ کردن این که در پیشگامی این امر، جنس هیچ یک بر دیگری ارجحیت نداشته باشد. چه زن و چه مرد، زمانی که هر کدام احساس کردند نیازمند زندگی مشترک با یکدیگرند آن را با آن دیگر در میان گذاشته و به تبادل «عشق» و تبادل «نظر» پردازند تا سرانجام به یک نقطه مشترک که همان ادامه رشد و باروری «عشق»، چه از وجه مادی و معنوی و چه از وجه جنسی و جسمی و روحانی و مینوی است، برسند.

بی شک، سنت ها و آداب و رسوم و تابوهای که در جامعه ها وجود دارند می توانند سنگ های فراوانی را در این راه بیندازند، ولی می دانیم که سنت ها و آداب و رسوم در زیربنای فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی ویژه خودش شکل گرفته و نسل به نسل ما رسیده است، ولی متأسفانه حاکمیت مرد - پدرسالارانه فرصت ساختار شکنی از این سنت ها و روز آمدکردن آن را به ما نداده است و همین ساختار موجب شده است که هر کس گلیم خویش را از آب بیرون بکشد و کنار دستی اش را رها کند.

با همه این سنگ اندازی ها و با توجه به رشد و کمال و هستی، این آداب و رسوم چه بخواهیم و چه نخواهیم دچار تغییراتی اجتناب ناپذیر می شوند و عملاً شده اند. بنابراین، در این روند مفهوم ازدواج که اینک تبدیل به سنت شده، به شکل های گوناگونی درآمده است که پایه های اصلی آن در برخی اوقات متأسفانه، صرفاً به ارتباط بیشتر جنسی و نه عشقی و عاطفی میان زن و مرد نزول یافته است. البته این وضعیت در هر جامعه‌ی با توجه به شرایط تغییرات مولفه ها و ویژگی های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سنتی و از همه مهمتر سیاسی و اقتصادی آن جامعه روی داده است.

لذا اینجا است که در حال حاضر- و به ویژه در شهر های بزرگ کشور- ازدواج وضعیتی بحرانی پیدا کرده است، زیرا بخشی از تغییرات اشاره شده در جامعه ما اتفاق افتاده و بسیاری از ارزش ها را دچار دگرگونی و آشفتگی کرده است و این آشفتگی، بیشتر از هرچیز، گرچه ریشه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد، اما بحران بسیار سنگینی را برای زندگی جوانان و اساساً زنان و مردان رقم زده است.

با توجه به بحران های ناشی از سخت شدن ازدواج و مشکلات پیش روی آنان، آیا ازدواج موقت که این روزها مانور بسیار هم بر آن می دهند، دردی از این معضل دوا می کند؟

باید از این گروه، آنانی که به روز آمد شدن دستورات دینی و به فقه پویا باورمندند به این مساله رسیدگی و تطبیق و قابلیت اجرای آن را در شرایط کنونی جهان و در شرایط کنونی ایران و از همه مهمتر با توجه به «تابو» بودن بسیاری مسائل از جمله «دوشیزگی» در ایران، در اسلام و در مشرق زمین به بازتعریف آن اقدام کرده و راه حلی برای برون رفت از آن پیدا کنند.

در غیر این صورت دردی را که دوا نمی کند هیچ، دردهای دیگری بر بسیار دردهای دیگر جامعه می افزاید که مهمترین آنها آزاد شدن حوزه ارتباط جنسی صرف مردان، چه مردان متاهل و چه مردان مجرد، با زنان بیوه و تامین و تحقق نیازهای جنسی مردان جوان به آنان و عدم کشش مردان جوان به ازدواج، به مفهوم «پایگاه دوستی و عشق و محبت و شدن انسان است».

از سوی دیگر اجرای آن نیز در جامعه یی که به هنگام ازدواج دائم «دوشیزگی»، مهمترین ارزش دختر محسوب می شود، نتوانسته و نمی تواند گرهی از مشکل ازدواج به شیوه «حداقل» و معمولی اش باز کند، زیرا با تن دادن به ازدواج موقت دختران برای ازدواج دائم بعدی مساله و معضلی غیر قابل حل خواهند داشت.

بنابراین، با توجه به شرایط روز جامعه ایران، که بی شک و عملاً تحت تاثیر شرایط جامعه جهانی است، ازدواج نه به سبک سنتی نشستن در خانه و نه به گونه موقت قابل اجرا است.

در سال های اخیر بسیاری از مردان و زنان جوان از ازدواج سر باز می زنند. ریشه ازدواج نکردن یا ازدواج های دیر هنگام مردان و به ویژه زنان را کجا باید پیدا کرد؟

یکی از مهمترین و بزرگ ترین مشکلاتی که از دوران پدرسالاری به این سو نصیب زن شد «آزاد نبودن» زن در انتخاب کردن انسانی همسر خود و مایملک تلقی شدن زن از سوی مرد بود که موجب اسیر شدن زن برای تمام عمر در زندگی با یک مرد شد، با ادامه این که مرد هنوز قادر به انجام ازدواج به صورت «پلی گامی» (چند همسری) بود. درحالی که ازدواج مرد نیز، باید به «مونوگامی» (تک همسری) تغییر شکل می داد. بنابراین، این قانونمند کردن زندگی مشترک جسمی - روانی زن و مرد چون در زیر مجموعه حاکمیت مردانه شکل گرفت، از مرد موجودی خودمحور ساخت و این ساختار نابرابر و ناعادلانه، سرنوشت زندگی انسان ها را رقم زد. اکنون که در روزگار «موج سوم» و در جهان پیشرفته IT و دهکده کوچک مک لوهان زندگی می کنیم هم وضعیت زنان به دلیل آگاه شدن از حق حیات انسانی و حقوق مادی و معنوی خود کاملاً تغییر کرده و هم وضعیت مردان در برابر این دگرگون شدن ارزش های ناشی از آگاهی زن نسبت به طبیعت انسانی خود و از جمله به امر «ازدواج» تغییر یافته است.

در جامعه ایرانی ما هم همین دلایل صدق می کند؟

با توجه به توضیحات بالا و اشاراتی که به گرایش جوانان نسبت به ازدواج موقت کردم، ازدواج موقت، به این گونه اش، راه مشروعی برای فرار پسران و مردان جوان از ازدواج، و موجب تجرد آنان می شود، در حالی که دختران امکان چنین رهایی از مشکلات جسمی - جنسی خویش را ندارند.

علاوه بر این گزینه، تجرد در جامعه امروز ایران به ویژه در این بیست سی سال اخیر، معلول و محصول دگرگونی های اجتماعی، فرهنگی، دینی، سنتی، سیاسی جامعه در حال گذار ایران است که گرچه در قرن ۲۱ از هزاره سوم و در دوران اطلاعات وسیع می زید ولی هنوز هم، در عین زندگی در این جهان مدرن و استفاده ناگزیر از ابزارها و از فرهنگ آن، در یک زندگی و جهان بسیار پیچیده و بسته سنتی، اساطیری، تابویی، ایمانی و اخلاقی دوران قبیله یی محصور است.

دیگر علت تجرد، شرایط «بحران اقتصادی» جامعه است که پس از انقلاب و پس از جنگ مانند بسیاری مقوله های دیگر دچار دگرگونی شده است. با توجه به این که همین بحران در این منطقه جغرافیایی و در این مقطع تاریخی شکل ویژه و متفاوت خودش را دارد که مشابه آن را در هیچ کجای جهان نمی توانیم پیدا کنیم.

این وضعیت اقتصادی، که وضعیت فرهنگی ویژه خود را نیز موجب شده است، یکی از مهمترین، اصلی ترین و بنیادی ترین عوامل عدم امکان زیستن مشترک طبیعی دختر و پسر در جامعه ما شده است. از یک سو، آزادی و بی بندوباری و لالایی گری های فرهنگی بسیاری از آن سوی جهان خود را تحمیل جوانان این جامعه کرده است و از دیگر سو باورمندی به حوزه هایی از سنت ها و تابو ها و عدم امکان باور و پذیرفتن آنها از سوی خانواده های جوانان و نیز از سوی جامعه، و از سوی دیگر وضعیت نابسامان اقتصادی، بیکاری و بسیار مهمتر از همه، گم شدن پدیده های گویبار «عشق»، «دوست داشتن»،

«ایثار»، «فداکاری»، «گذشت»، «سازش»، «وفاداری»، «رعایت حق دیگران»، «راستگویی»، «شفافیت» و... گم شدن بسیاری دیگر از این ارزش های والای انسانی- که زمان پذیر و امکان پذیر نیستند- در میان دختران و پسران و خانواده آنها و در آخر، از همه بدیع تر، اعلام راهکاری به نام «ازدواج موقت»، بدون توجه به مهمترین مساله تابویی جوامع دینی - سنتی شرقی مانند ایران، یعنی «دوشیزگی».

یعنی شما ازدواج موقت را از مهمترین موانع ازدواج دائم می دانید؟

به طور کلی دوشیزگان که موفق به ازدواج دائم نمی شوند و زنان مطلقه یا همسر از دست داده فرصت این چنین ازدواجی را راحت تر و بی دردسرتر پیدا می کنند چون بیشتر به درد اطفای غرایزشان می خورد. بدیهی است در روند همین نوع «ازدواج موقت» مردان مجرد، به دلیل بهره گیری جنسی، جسمی و اطفای غرایز خود و راحتی خیال از ارتباط مشروع با زنانی که حتی همسران مادران شان هستند و از قبل آنان شاید بهره های اجتماعی نیز نصیب شان شود، دیگر از دردهای مادی و غیرمادی ازدواج طبیعی و دائم آسوده می شوند. اینجا باز هم مردان هستند که از زنان به عنوان متعه استفاده می کنند.

آن زنان هم چه به حوزه مقدس زن - مادرانه خود باور داشته باشند چه نداشته باشند، ناآگاهانه «و شاید بعضاً آگاهانه» موجب ازدواج نکردن طبیعی و رسمی دختران که از همجنسان خودشان هستند و نیز جوانانی می شوند که به آنان روی می آورند. این امر بدواً موجب فروپاشی بنیان خانواده که زیبا ترین پدیده یک جامعه سالم است می شود.

چهل حدیث درباره ازدواج

پیشگفتار

هر پسر و دختری که پا به دوران جوانی می گذارد، بزرگترین آرزویش ازدواج و ایجاد کانون گرم و پر مهر خانواده است، تا یار و مونس و محرم راز پیدا کند و از نعمت زندگی مشترک زناشویی، استقلال و آزادی بیشتری بهره مند گردد. پسران و دختران جوان سعادت خود را در سایه زندگی مشترک جستجو می کنند. چنین میلی بطور طبیعی و فطری در انسانها وجود دارد و نمی توان از آن صرف نظر کرد. آری بزرگترین پناهگاه مطمئن برای جوانان، کانون گرم خانوادگی است که می توانند اضطرابهای درونی خود را در آن به اطمینان، استقامت و آرامش تبدیل کنند و غمها و نگرانیهای خود را از یاد ببرند. امر ازدواج و تحقق آن در جامعه باید برای همه کس آسان باشد. چرا که این امر یک ضرورت حیاتی است، مانند آب و نان که در هر جامعه ای از همه کالاهای ضروری تر و مهم تر است.

ولی متأسفانه در جامعه امروزی ما روز بروز بر تشریفات، سنگینی مهریه ها، اسرافها و تجمل گرایی ها افزوده می شود! که تحمل پی آمدهای آن برای عموم افراد جامعه دشوار و چه بسا برای بعضی غیر ممکن می باشد، و پدر و مادران هم هیچ توجهی به این امر مهم نمی کنند. بلکه بعضی از پدران و مادران با رقابتهای غلط، فرزندان خود به ویژه دختران جوان خود را به سوی بدبختی سوق می دهند. دختری که هنوز در سنین نوجوانی بسر می برد و در اول راه است، مادران با توقعات زیاد، آن هم نا معقول و غیر ممکن، باعث تباه شدن دو انسانی که به هم پناه می آورند، می شوند. مادران بجای اینکه دختران خود را به سازگاری، ساده زیستی و ارزشهای انسانی راهنمایی کنند، تشریفات و زرق و برق ظاهری را در چشم فرزند جوان خود بزرگ جلوه می دهند.

جای بسی تأسف است که پرده های ضخیم غفلت و نادانی چشم و گوش و دل برخی افراد ظاهر بین را چنان بسته است که همه ارزشها و سعادت و عاقبت و عافیت و راحتی فرزندان خود را در سایه پول، تجمل و ژست و خوش تیپ بودن و حسن قیافه می جویند! شگفتا که اینان راه شقاوت می پویند!

ما بهترین راه و روش زندگی را در کلام و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش می یابیم و احکام اسلام را روشنترین آینه زندگی سعادت مند می بینیم پس بهتر آن است که به آیین اسلام روی آوریم و سیره رهبران آسمانی آن را سرمشق زندگی خود سازیم تا شاید از فتنه های روزگار در امان باشیم.

مقاله ای که در پیش روی شما عزیزان قرار دارد حاوی چهل حدیث نورانی و راهگشا از پیشوایان معصوم علیهم السلام است. مترجم بنابر وظیفه خود، این مجموعه را گزینش، تنظیم و ترجمه کرده و تحت عنوان چهل حدیث «ازدواج» به همه جوانانی که در اول راه زندگی اند، تقدیم می‌نماید.

و ما هر راه دیگری را که نشان دهیم به روشنی راه آن پیام‌آوران سعادت ابدی بشر نخواهد بود. و مردم ما به خوبی این حقیقت را می‌دانند و به حرف هیچ حکیم و دانایی به اندازه سخن پیشوایان معصوم خود، دل نبسته‌اند و نخواهند بست و ایمان دارند که:

«کلامکم نور و امرکم رشد...». (۱)

و السلام علی من اتبع الهدی ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۱۶-۷/۸/۲۳ (روز ولادت حضرت فاطمه زهرا «علیهما السلام») قم-محمد رحیم بیگ محمدی اندریان

قال الله تعالى: و انكحوا الايامی منكم و الصالحین من عبادكم و امائكم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم.

پروردگار متعال می‌فرماید:

مردان بی زن و زنان بی شوهر، بردگان و کنیزان صالح را تزویج کنید. چنانچه آنان فقیر باشند، خداوند از فضل خود غنی و بی نیازشان می‌سازد. که خداوند رحمتش وسیع و به احوال بندگان خود آگاه است.

«سوره نور، آیه ۳۲»

فصل اول: فضیلت ازدواج

۱. تاثیر ازدواج

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:

إذا تزوج الرجل احرز نصف دینه.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند:

کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

۲. ازدواج در هنگام تنگدستی

قال الامام الصادق علیه السلام:

من ترك التزويج مخافة الفقر فقد اساء الظن بالله- عز و جل-، ان الله- عز و جل - يقول: «ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله.» (۲)

امام صادق عليه السلام فرمودند:

هر کس از ترس فقر ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می‌فرماید: اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی‌نیازشان می‌کند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۱

۳. ازدواج رحمت است

قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم:

يفتح ابواب السماء بالرحمة في اربع مواضع: عند نزول المطر، و عند نظر الولد في وجه الوالدين، و عند فتح باب الكعبة، و عند النكاح.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود:

۱- موقع بارش باران.

۲- زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد.

۳- هنگام گشوده شدن در کعبه.

۴- هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی.

بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱

۴. آفات بی همسری

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:

اکثر اهل النار العزاب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۱

فصل دوم: وظیفه توانگران

۵. تلاش در ازدواج بی همسران

عن الصادق علیه السلام قال:

من زوج اعزبا كان ممن ينظر الله- عز و جل- اليه يوم القيامة.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که مجردی را تزویج کند و امکان ازدواج او را فراهم نماید از کسانی است که در قیامت خداوند به آنان نظر لطف می‌کند.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۵

۶. در سایه عرش

قال موسى بن جعفر عليه السلام:

ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم القيامة، يوم لا ظل الا ظله: رجل زوج اخاه المسلم او اخذمه او كتم له سرا.

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

سه دسته در روز قیامت، روزی که سایه و پناهی جزء سایه خداوند نیست، در سایه و پناه خدا هستند:

۱- مردی که زمینه ازدواج برادر مسلمانش را آماده نماید.

۲- مردی که (به برادر مسلمانش خدمت کند).

۳- کسی که سر برادر مسلمانش را بپوشاند.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۶

۷. منظور نظر حق

قال الامام الصادق عليه السلام:

اربعة ينظر الله اليهم يوم القيامة:

من اقال نادما او اغاث لهفان او اعتق نسمة او زوج عزبا.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

چهار کس در قیامت مورد نظر پروردگارند:

۱- آنکه چون طرف معامله پشیمان شود، معامله را برگرداند.

۲- کسی که غم از دلی برگیرد.

۳- کسی که برده‌ای را آزاد کند.

۴- کسی که بی همسران را به ازدواج درآورد.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۶

۸. بهترین وساطت

قال امير المؤمنين على عليه السلام:

افضل الشفاعات ان تشفع بين اثنين في نكاح يجمع الله بينهما.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

از بهترین شفاعتها، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنان را مجذوب یکدیگر گرداند.

تهذیب، ج ۷، ص ۴۰۵، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۵

فصل سوم: دیدار قبل از ازدواج

۹. ازدواج با دینداران

عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال:

من تزوج امرأة لمالها وكله الله اليه، و من تزوجها لجمالها رأى فيها ما يكره، و من تزوجها لدينها جمع الله له ذلك.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می‌کند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی‌اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می‌کند.

وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱

۱۰. دیدار قبل از وصلت

عن الصادق علیه السلام قال:

لا باس بان ينظر الرجل الى المرأة اذا اراد ان يتزوجها. ينظر الى خلفها و الى وجهها.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مانعی ندارد که مرد قامت و صورت زنی را که قصد ازدواج با او دارد، ببیند.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۸

۱۱. دیدار عروس و داماد قبل از ازدواج

عن محمد بن مسلم قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن الرجل يريد ان يتزوج المرأة، اينظر اليها؟ قال: نعم انما يشترىها باغلى الثمن.

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند آیا حق دارد او را ببیند؟

امام علیه السلام فرمودند: آری، چون در برابر آن بهای سنگینی می‌پردازد.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۸

۱۲. سؤال از اوصاف

قال على عليه السلام:

اذا اراد احدكم ان يتزوج فليسال عن شعرها كما يسال عن وجهها فان الشعر احد الجمالين.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

هر وقتی یکی از شما، بخواهد، ازدواج کند، از اوصاف موی سر زن نیز سوال کند همچنانکه از چگونگی رخسار او می‌پرسد. چون که موی زن یکی از دو زیبایی (مو و صورت) اوست.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۴

فصل چهارم: عروس و داماد شایسته

۱۳. خواستگار مذهبی و خوش اخلاق

قال الامام الرضا عليه السلام:

اذا خطب اليك رجل رضيت دينه و خلقه فزوجه و لا يمنع فقره و...

امام رضا علیه السلام فرمودند:

هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او ترا از این رضایت باز دارد و...

میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۸۰

۱۴. داماد هم شان

قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم:

اذا جائكم الاكفاء فانكوهن و لا تربصوا بهن الحدثن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی که اشخاص هم شان به خواستگاری دختران شما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید.

نهج الفصاحه، ص ۳۷، ح ۱۹۳

۱۵. عروس شایسته

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

ما استفاد امرء فائدة بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة تسره اذا نظر اليها، تطيعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

پس از اسلام، هیچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسلمانی نیست که هر گاه به او بنگرد، مسرورش کند و هر گاه به او فرمان دهد، اطاعتش نماید و در غیاب او حافظ ناموس و مالش باشد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۵

فصل پنجم: انتخاب سرنوشت

۱۶. دقت در انتخاب

قال الامام الصادق عليه السلام:

انما المرأة قلادة فانظر ما تتقلد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

زن همانا گردنبندی است، نیک بنگر که چه گردنبندی را به گردنت آویزان می‌کنی.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۳

۱۷. وصلت نکردن با خانواده ناشایست

عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال:

اياكم و خضراء الدمن، قيل: يا رسول الله و ما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبت السوء.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بپرهیزید از سیزه‌هایی که در مزبله می‌روید. عرض شد: یا رسول الله! سیزه‌هایی که در مزبله می‌روید چیست؟ حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: زن زیبایی که در خانواده پست و ناشایست بوجد آمده باشد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۶، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۵

۱۸. ازدواج با دوشیزگان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

تزوجوا الابطكار فانهن اعذب افواها و ارتقى ارحاما و اسرع تعلما و اثبت للمودة.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

با دختران باکره ازدواج کنید زیرا که دهان آنان شیرین و رحمشان مناسبتر است و زود چیزی را یاد می‌گیرند و محبتشان پایدارتر است.

بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷

۱۹. رضایت داماد

سئل عن الصادق عليه السلام:

انی ارید ان اتزوج امرأة و ان ابوی اراد غیرها. قال: تزوج التي هويت ودع التي هوى ابواک.

کسی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:

من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. امام علیه السلام فرمودند: با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت [بدون رضایت تو] انتخاب کرده‌اند، رها کن.

تهذیب، الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۲

فصل ششم: آداب خواستگاری

۲۰. سهولت خواستگاری

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

ان من یمن المرأة تیسیر خطبتها.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

از نشانه‌های برکت زن آن است که خواستگارش بی تکلف و آسان انجام گیرد.

کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۲۲، ح ۴۴۷۲۱

۲۱. آداب خواستگاری

قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم:

لا یخطب احدکم علی خطبة اخیه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هیچ یک از شما زنی را که دیگری خواستگاری می‌کند، خواستگاری نکند. [تا اینکه با او ازدواج کند و یا اینکه منصرف شود. اگر منصرف شد خواستگارش بلامانع است.] صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۳۴، ح ۵۶

۲۲. خواستگار شرابخوار

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

شارب الخمر لا یزوج اذا خطب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

شرابخوار اگر تقاضای ازدواج کرد قبول نکنید.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۹

فصل هفتم: آداب عروسی

۲۳. مراسم عروسی در شب

قال الامام الرضا علیه السلام:

من سنه [رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم] التزویج باللیل، لان الله تعالی جعل اللیل سکنا و النساء انما هن سکن.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

مراسم عروسی در شب، سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، چرا که خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زن هم آرامش خاطر است.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۱

۲۴. سور عروسی

قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم:

لا ولیمة الا فی خمس: عرس او خرس او عذار او وکار او رکاز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سور و ولیمه در پنج مورد است:

۱- عروسی ۲- تولد اولاد ۳- ختنه کردن نوزاد ۴- خریدن خانه ۵- بازگشت از سفر مکه.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۳

۲۵. ولیمه در عروسی

قال الامام الصادق علیه السلام:

ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حین تزوج میمونه بنت الحارث اولم علیها و اطعم الناس الحیس.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام تزویج «میمونه» دختر «حارث» ولیمه داد و با غذای معجون خرما از حاضرین پذیرایی فرمود.

فروع کافی، ج ۵، ص ۳۶۸.

۲۶. طعام دادن در عروسی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

ان من سنن المرسلین الاطعام عند التزویج.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سور دادن و اطعام در ازدواج، از سنت پیامبران است.

فروع کافی، ج ۵، ص ۳۶۷

فصل هشتم: مهریه و جهیزیه

۲۷. برترین زنان امت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

افضل نساء امتی اصبحهن وجهان و اقلهن مهرا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بهترین زنان امت من زنائی هستند که خوشروتر و مهریه ایشان کمتر باشد.

من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۲

۲۸. کمی مهریه برکت زن

قال الامام الصادق علیه السلام:

ان من برکة المرأة قلة مهرها.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

از برکات زن کمی مهریه اوست.

من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۴

۲۹. سنگینی مهریه

قال امیر المؤمنین علی علیه السلام:

لا تغالوا بمهور النساء فتكون عداوة.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

مهریه زنها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد.

وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱

۳۰. جهیزیه بی منت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

لو ان جميع ما فی الارض من ذهب و فضة حملته المرأة الى بيت زوجها ثم ضربت علی راس زوجها يوما من الايام، تقول: من انت؟ انما المال مالی، حبط عملها و لو كانت من اعد الناس الا ان تتوب و ترجع و تعتذر الى زوجها.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اگر تمام چیزهایی که در روی زمین از طلا و نقره وجود دارد و زن آنها را به خانه شوهرش بیاورد. آنگاه یک روز از روزها بر سر شوهرش منت بگذارد و بگوید تو کیستی؟ این اموال مال من است. در این صورت اجر و عمل زن از بین می‌رود اگر چه از عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و برگردد و از شوهرش عذرخواهی کند.

مکارم الاخلاق، باب ۸، ص ۲۰۲

۳۱. مهریه چیست؟

عن ابی جعفر علیه السلام قال:

الصداق ما تراضیا علیه من قليل او كثير فهذا الصداق.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

مهریه همان چیزی است که طرفین بر آن توافق می‌کنند، کم باشد یا زیاد.

فروع کافی، ج ۵، ص ۳۷۸

۳۲. ندادن مهریه

عن ابی عبدالله علیه السلام قال:

من امهر مهرا ثم لا ینوی قضاءه کان بمنزلة السارق.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که مهریه‌ای (برای زن قرار دهد) و قصدش این باشد که به او ندهد او همانند دزد است.

فروع کافی، ج ۵، ص، ۳۸۳.

فصل نهم: از خانه پدر تا خانه شوهر

۳۳. خانه دوست داشتنی

قال الامام الصادق علیه السلام:

ان الله يحب البیت الذی هو العرس.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند خانه‌ای را که در آن عروسی انجام گرفته، دوست می‌دارد.

وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۷

۳۴. بیداری در شب عروسی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

لا سهر الا فی ثلاث: متهد بالقرآن، او فی طلب العلم، او عروس تهدي الی زوجها.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

شب بیداری روا نیست، مگر در سه مورد:

۱- تلاوت قرآن.

۲- تحصیل علم.

۳- بردن عروس به خانه داماد.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۲

۳۵. بدرقه عروس

امر النبی صلی الله علیه و آله و سلم بنات عبدالمطلب و نساء المهاجرین و الانصار: ان یمضین فی صحبة فاطمة علیها السلام و ان یفرحن و یرجزن و یکیرن و یحمدن و لا یقلن ما لا یرضی الله.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمود، دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام به همراه او بروند و شادی کنند، شعر و سرود بخوانند، تکبیر و حمد بگویند. و از گفتن حرفهایی که خدا بدان راضی نیست، بپرهیزند.

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۸

۳۶. زفاف و مهمانی

عن الصادق علیه السلام قال:

زفوا عرائسکم لیلا و اطعموا ضحی.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مراسم عروسی را در شب و مهمانی را در روز انجام دهید.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۲

۳۷. دعای شب زفاف

قال الصادق علیه السلام:

اذا دخلت علیک اهلک فخذ بناصیتها و استقبل بها القبلة و قل: اللهم... فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا سويا.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

چون همسرت به خانه تو آمد، دستبر پیشانیش بگذار، و رو به قبله‌اش برگردان و [دعا کن و] بگو: خداوندا!... اگر از این همسرم، فرزندی برای من تقدیر نمایی، فرزند مبارک و سالم عنایت فرمای.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۶۳

۳۸. هفته عروسی

سئل عن ابی عبدالله علیه السلام فی الرجل یتزوج البکر، قال:

یقیم عندها سبعة ايام.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد در مورد مردی که با دختر باکره‌ای ازدواج می‌کند، امام علیه السلام فرمودند:

شوهر یک هفته در پیش او باشد.

وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۳۹

فصل دهم: زن و شوهر خوشبخت

۳۹. آب دادن زن به شوهر

قال الامام کاظم علیه السلام:

ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء الا كان خيرا لها من عبادة سنة.

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

هر زنی که به شوهرش قدری آب آشامیدنی بدهد، پاداش آن از عبادت یک ساله بالاتر است.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۲

۴۰. محبت به زن

قال الامام الصادق علیه السلام:

العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد فی الايمان فضلا.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر چه محبت مرد بر زن بیشتر گردد، بر فضیلت ایمانش افزوده می‌شود.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۱

امام رضاع فرمود از سفره عروسی بوی بهشت به مشام می‌رسد.

ونیز اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل می‌کند که به حضرت عرض کردم آیا درست است که مردم می‌گویند فردی نزد پیامبر آمد و نزد ایشان از تنگدستی و فقر شکایت کرد، و حضرت سه بار به او دستور ازدواج داد؟

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: "آری.. درست است" سپس امام فرمود: "روزی به همراه زن و خانواده است.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: کمترین مقدار کافی از مهر چقدر است فرمود: "یک کله قند.

"هر زنی که پیش از عروسی شوهر مهر خود را برای شوهرش صدقه دهد خداوند برای هر دینار ثواب آزاد کردن یک برده برای او خواهد نوشت

. امام صادق علیه السلام فرمود: "از سعادت شخص آن است که دخترش در خانه‌اش حیض نشود

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "اگر کسی به خواستگاری دختر شما آمد که اخلاق و دین پسندیده‌ای داشت دختر خویش را به او بدهید، و اگر چنین نکنید در زمین فتنه و تباهی بسیار پدید آید

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: "ولیمه روز نخست، حق است، و در روز دوم نیکی، و افزون بر آن ریا و شهرت طلبی.

بعضی از دخترها والدین خود را مجبور می کنند جهاز سنگینی برایش تهیه کند تا به دیگران فخر فروشی کند. و این ظلم و باعث اذیت والدین است. گاهی به والدین می گویند اگر برایم جهاز کامل تهیه نکنید و چنین و چنان می کنم این ازدواج ها نمی تواند سرنوشت خوبی داشته باشد. لذا باید مواظب باشند که اذیت و فشار بر والدین باعث غضب الهی می شود و برکت ازدواج را می برد.

جویر شخص بی بضاعتی بود. پیامبر به او فرمود: ازدواج کن تا به دنیا و آخرت خود کمک کرده باشی . او گفت : من نه مال دارم و نه زیبایی و کسی بر من رغبت پیدا نمی کند فایده امراء ترغیب فی حضرت به زیاد بن لبید که از اشراف بود فرمود: دختر خود را به جویر بدهد. او گفت : با هم طراز خود ازدواج می کنیم . پیامبر فرمود: جویر و دختر تو در ایمان به خدا هم طراز هستند. زیاد بن لبید پذیرفت و دختر خود را به عقد جویر درآورد جویر به شکرانه این نعمت سه شب به مناجات با خداوند پرداخت . سفینه ۵۴۰/۱/

امام صادق علیه السلام می فرماید: مردی نزد پدرم آمد، پدرم به او فرمود: آیا همسر داری ؟ عرض کرد: خیر. پدرم به او فرمود: من دوست ندارم همه ی دنیا و آنچه در آن است داشته باشم ولی يك شب را بدون همسر بسر ببرم ، سپس فرمود: دو رکعت نماز انسانی که همسر دارد بهتر است از عبادت يك شب و روزه

ی آن روز مردی که همسر ندارد. سپس پدرم به او هفت دینار داد و فرمود: با این پول ازدواج کن و فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اتخذوا الاهل فانه ارزق لكم . وسائل الشیعه / ۱۴ / ۷

۱۰ غصه نخوردن برای دنیا فرزند

قال علی علیه السلام : لا تجعل اكثر شغلك باهلك و ولدك فان یکن اهلك و ولدك اولیاء الله فانّ الله لا یضیع اولیائه و ان یكونوا اعداء الله فما همّك و شغلك باعداء الله . نهج البلاغه / حکمت ۳۵۲

در نظام هستی ، زن و مرد هر يك به تنهایی ناقص و نیازمند به دیگری است و بر اساس همین نیاز هر کدام مشتاق دیگری و متمایل به اوست . چرا که هر ناقص مشتاق کمال و هر نیازمند، خواهان بی نیاز و از بین رفتن نیاز خود است بر این اساس ، در نقطه ای که زن و مرد به هم می رسند و از اجتماع آن دو يك واحد بدون نقص تشکیل می شود، آرامش ، و سکونت به دست می آید و این حقیقتی است که قرآن کریم بیانگر آن است :

(و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها) (۱).

این میانه آرامش در قرآن کریم ، از آیات الهی معرفی شده است . خداوند متعال با حکمت و لطافت ، وجود زن را مایه آرامش مرد قرار داده است . در زبان مبارك حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - نیز از زن به عنوان ریحانه - گل - یاد شده است (۲).

آری ، زن گلی است آرامش بخش ، و آن هنگامی است که شرایط لازم برای يك گل آرامش بخش را، از دیدگاه فرهنگ اسلامی - قرآن و روایات - دارا و در پاسداری از آنها، کوشا باشد.

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: دو رکعت نماز از نمازگزارى که دارای همسر است برتر است از مرد بدون همسرى که شبهایش را با نماز و روزههایش را با روزه ، سپری می سازد

امام علیه السلام می فرماید: هر زنى که به شوهرش جرعه اى آب بنوشاند و او را سیراب کند، پاداش این کارش از عبادت يك سال که روزههایش را روزه بگیرد، و شبهایش را عبادت کند برتر است و در برابر هر نوبت که به شوهرش آب می دهد خداوند برایش شهرى در بهشت می سازد و شصت گناه از او می بخشد

بیماری

امام صادق ع: بیماری چند علت دارد. گاهی امتحان و آزمون است. گاهی کیفر و مجازات است. و گاهی بیماری منجر به مرگ است.

حضرت داود به خدا عرض کرد: آن عافیتی که به طغیانم کشد نمی خواهم و آن بیماری که زمینگیرم کند نمی خواهم بلکه حالتی بین این دو را بمن عطا فرما.

پیامبر ص: تا هنگامی که بدنتان درد را تحمل می کنید از دارو پرهیزید. زیرا بسا دارویی که خود بیماری بر جای می نهد.

پیامبر ص: خداوند هر دردی را که آفریده برای آن درمانی هم قرار داده که عده ای از این درمان آگاهن و عده ای هم ناآگاه. مگر برای درد سام که درمان ندارد. سوال شد سام چیست؟ فرمود مرگ.

امام صادق ع به شخصی که می پنداشت با رعایت نکات سلامتی می تواند از مرگ بگریزد فرمود: ارسطو که استاد طبیبان بود و افلاطون که سرآمد حکیمان بود و جالینوس که پیر و پرتجربه بودند نتوانستند از مرگ بگریزند

پیامبر به عیادت فردی بیمار رفت و فرمود دوست داری برای پزشک بیاوریم؟ بیمار گفت شما که رسول خدا هستی امر به این کار می فرمائید؟ فرمود آری زیرا خداوند هیچ دردی فرو نفرستاده مگر اینکه برایش درمانی قرار داده است.

امام صادق ع فرمود: پیامبری بیمار شد و گفت خودم را درمان نمی کنم تا اینکه همان کسی که مرا بیمار کرده شفایم دهد. خداوند عز وجل به او وحی کرد که تا درمان نکنی شفایت نمی دهم. ام سلمه می گوید یکی از دخترانم از شوهر قبلی بیمار شد و من شرابی تهیه کردم و جوشاندم تا به دخترم بدهم. پیامبر وارد شد وقتی این مطلب را دید فرمود خداوند شفایتان را در چیز حرام قرار نداده است.

علی ع: سه چیز از بزرگترین گرفتاری هاست فراوانی نان خوران-چیرگی بدهی و استمرار بیماری

امام باقر ع به امام صادق فرمود پسر من! هر کسی که بلائی را که بدان گرفتار شده مخفی بدارد فقط به درگاه خدا بنالد برخداست که او را از آن بلا برهاند

پیامبر ص: هر مومنی که به بیماری جانکاهی مبتلا شود گناهانش بخشیده می گردد.

و فرمود: ای علی! ناله مومن سبحان الله حساب می شود. فریادش لا اله الا الله. از پهلوی به پهلوی چرخیدنش جهاد در راه خدا. و اگر بهبود یابد در حالی است که هیچ گناهی بر او باقی نمی ماند امام باقر ع: یکشب تباداری برابر با عبادت یکسال است. دوشب تباداری برابر با عبادت دوسال است و سه شب تباداری با عبادت هفتادسال برابری می کند.

روزی پیامبر خدا به آسمان نگاه کرد و تبسم کرد. علت را پرسیدند فرمود دوفرشته برای نوشتن اعمال مومنی آمدند ولی او بخاطر بیماری در محل خود نبود بلکه در بستر بیماری بود. فرشتگان بازگشتند و به خدا مطلب را عرضه داشتند خداوند عز وجل فرمود تا زمانی که بنده ام بیمار است برای او همان اعمالی را که در زمان سلامت انجام می داد بنویسید

شخصی به امام کاظم ع عرض کرد نانخور زیادی دارم که همه آنها مریضند. امام فرمود بیماری آنان را با صدقه درمان کن زیرا هیچ چیز باندازه صدقه برای بیمار مفید نیست.

پیامبر خدا به عیادت شخصی رفت و فرمود چه چیزی دوست داری او هم نام چیزی را گفت پیامبر برایش فراهم کرد و فرمود اگر مریضتان چیزی خوردنی هوس کرد برایش تهیه کنید.

امام صادق ع فرمود وقتی به عیادت می روید هدیه ای با خود ببرید.

پیامبر خدا ص فرمود: وقتی به عیادت می روید با او دست بدهید. و آرزوی طول عمر برایش کنید و از او بخواهید برایتان دعا کند که دعای بیمار به اجابت می رسد

پیامبر خدا درباره ثواب عیادت بیمار فرمود: ثواب عیادت از تشییع جنازه بالاتر است و هر قدمی که عیادت کننده برمی دارد گویا در بهشت قدم برمی دارد.

پیامبر خدا فرمود اگر مریضی از سه روز گذشت به عیادتش بروید.

علی ع: به عیادت کسی که به عیادت تو نیامد برو.

قضا و قدر

مقدمه:

از دیرباز بشریت میل داشت بداند آیا اعمالی را که از او صادر میشود صد درصد مربوط به اراده و اختیار خود اوست و هیچ عامل خارجی در پیدایش آن مؤثر نمیشود؟ و یا آنکه او آلت بلا ارادهای بیش نبوده و علل و عواملی بیر.ن از ذاتش همچون شیر علم او را دمبدم به این سو و آن سو به حمله و میدارند؟! و یا آنکه به گونه دیگری است؟

در هر صورت شناخت چگونگی صدور فعل از آدمی از جهات زیر ضروری مینمود:

۱- خودشناسی

بی‌شک اراده و اختیار از شئون نفس ماست، هرگاه آدمی را در انجام کارها مختار بدانیم خود را از دیگر موجودات برتر خواهیم یافت زیرا حرکات و سکنات دیگر موجودات براساس طبیعت و غرائز است نه از روی اراده و اختیار ولی اگر او را در انجام کارها مجبور دانستیم در این صورت آدمی با چوب و سنگ و حیوانات فرقی نخواهد داشت.

بنابراین اصل «خودشناسی» ایجاب می‌کرد که بشریت از دیرباز درباره «جبر و اختیار» اعمال آدمی به بررسی و تحقیق بپردازد و از این رهگذر گامهای منطقی دیگری درباره «خودشناسی» بردارد.

۲- خداشناسی

مسئله جبر و اختیار از جهتی به «توحید» و از لحاظی به «عدل» و از جهتی دیگر به «قدرت» خداوند ارتباط دارد، زیرا اگر جبر در اعمال درست باشد، «توحید افعالی» و «عموم قدرت الهی» از بین خواهد رفت زیرا اعمال مردم در صورت تقویض، مخصوص به خود آنها خواهد بود و خداوند هیچ‌گونه دخالت و تأثیری در آن نخواهد داشت به علاوه انسانها در دائره افعال ارادی از خداوند بی‌نیاز خواهند بود با آنکه می‌دانیم «لا مؤثر فی الوجود إلا الله».

۳- معادشناسی

یکی از مهمترین اصول اعتقادی اسلام که ۱۴۰۰ آیه درباره آن نازل شده مسئله معاد و جهان ابدی است [۱] و بسیار روشن است که این اصل مبتنی بر آزادی و اختیار آدمی در انجام اعمال است و معنی نخواهد داشت که خداوند هم مردم را مجبور به اعمال کند و هم آنها را معذب فرماید! علیهذا جا داشت که مسلمین از دیرباز، زیربنای این اصل اعتقادی را روشن کنند و توضیح دهند که آدمی در انجام کارها مجبور و یا مختار و یا به‌گونه‌ای دیگر است.

۴- حقوق اخلاق

این مسئله پیش از همه ارتباط مستقیم با کار قانون‌گذاران و دانشمندان علم و اخلاق دارد زیرا نخستین چیزی که توجه به آن در قانون‌گذاری و اخلاق ضرورت دارد مسئله اراده و اختیار انسان در انجام کارهاست که اگر آدمی دارای چنین اراده و اختیار نباشد، هیچ‌گونه تکلیفی نخواهد داشت و نظام حقوقی و اخلاقی از بین خواهد رفت و روح تلاش و کوشش به سوی يك زندگي بهتر نابود خواهد شد.

۲- آیات قرآن:

جبري‌ها از آیات زيادي نیز که ظاهراً دلالت بر جبري بودن اعمال دارد و افعال مردم را به خدا نسبت مي‌دهد، استدلال کرده‌اند که از جمله است آیات: صافات/۹۶، زمر/۶۳، بقره/۷.

پاسخ:

اولاً این نوع آیات با توجه به صدر و ذیل آنها و با مقایسه با مجموع آیات دیگری که در مورد افعال مردم نازل شده ظهور در جبري بودن افعال ندارد. مثلاً در صدر آیه نخست نکوهش از مردمی است که در برابر بتهایی که خود می‌تراشیده سجده می‌کنند (أتعبدون ما نتحتون) طبعاً منظور از ما «ما تعلمون» همان بتهای خواهد بود نه اعمال روزمره‌ای که انجام می‌دهند.

ثانیاً در برابر این نوع آیات، آیات زيادي که مرحوم علامه آنها را در تجريد به ده قسمت تقسیم کرده و در همه آنها مختار بودن آدمی مورد توجه قرار گرفته است، قرار دارد مانند: بني اسرائيل/۹۴، مدثر/۴۹، مدثر/۳۷، رعد/۱۱ و

تفويضي‌ها چه مي‌گویند؟

معتزله در برابر جبریها معتقدند که خداوند، جهان را روی نظام معینی آفریده و گردش و پدیده‌های آن را روی موازین طبیعی قرار داده و اراده‌اش هیچ‌گونه دخالتی در پیدایش حوادث بعدی و اعمال مردم ندارد. کاری که خدا انجام داد پدید آوردن این جهان با نظام معین است ولی بعد از پیدایش، هیچ‌کاری با آن ندارد. نه تابش خورشید و نه سوزاندن آتش و نه اعمال مردم، هیچ‌کدام ارتباط مستقیم با خدا ندارد. این عوامل طبیعی و اراده خود انسان است که این حوادث را پدید می‌آورد، همانگونه که یک مهندس تنها کاری که می‌کند کارخانه‌ای را تأسیس می‌کند و به کار می‌اندازد ولی بعد از آنکه کارخانه تأسیس شد به حسب طبع خود کار می‌کند و اراده مهندس در جریان و ادامه کار این کارخانه دخالت ندارد.

بنابراین جهان پس از آنکه از طرف ذات باری تعالی خلقت یافت و تأسیس شد به خود واگذاشته و تفویض شده و افعال وی کاملاً از دخالت اراده ذات باری تعالی آزاد است. [۱۱]

این خود انسان است هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد و هر کاری را که بخواهد ترک می‌کند و هیچ‌گونه اجباری در انجام و ترک آن ندارد و بدینگونه تمام اشکالاتی که بر جبری‌ها وارد بوده، طبق عقیده معتزلی‌ها از بین خواهد رفت.

نادرستی مکتب تفویض:

گرچه طرز تفکر تفویضی‌ها از عقیده جبری‌ها معقول‌تر، جالب‌تر و روشنفکرانه‌تر است، اما در عین حال خالی از اشکال نیست و نمی‌تواند یک مکتب صددرصد درست و مورد قبول باشد.

مهمترین اشکالاتی که به این طرز تفکر وارد است عبارتند از:

۱- مخالفت با توحید افعالی: «مطلب روشن است»

۲- بی‌نیازی از خدا:

چنانکه در تقریر عقیده تفویضی‌ها گفته شد طبق این عقیده موجودات این جهان، تنها در پیدایش خود نیاز به آفریدگار دارند، اما در بقاء به هیچ‌وجه نیازمند آفریدگار نیستند و به اصطلاح «خداوند، علت محدثه این جهان است نه هم علت محدثه و هم علت مبقیه» در صورتی که «نیاز ممکن به علت یا امکان و یا نحوه وجود است» در هر دو صورت موجودات همانطور که در پیدایش نیاز به خداوند دارند، در بقاء نیز محتاج به او هستند و لذا خداوند را «قیوم» گویند. [۱۲]

روی این حساب، تفویضی‌ها در عین آنکه با مختار دانستن انسان خود را از انجام دادن اعمال ناپسند «تنزیه» کرده‌اند، ولی برخلاف دلائل علمی و اعتقادی که می‌گویند همه موجودات چنانکه در پیدایش خود نیازمند به حضرت حقند، هر لحظه نیز باید فیض وجود از ناحیه او به آنها افاضه شود وگرنه «در هم فرو می‌ریزند قالب‌ها» عالم و آدم را در بقاء.

خویش از او بی‌نیاز دانستند، در صورتی که قرآن مجید آدمی را همواره فقیر و محتاج او معرفی می‌کند [۱۳] و اصل:

سیه‌روزی ز ممکن در دو عالم

نشد هرگز جدانا والله اعلم

همیشه درباره او و همه موجودات این جهان صادق است.

۳- انکار عمومیت قدرت خدا:

کسی که معتقد است خداوند گردش نظام هستی را به دست نوامیس طبیعی و اختیار بشر را به دست خود او سپرده و هیچ‌گونه نقشی در حوادث و پدیده‌های روزمره جهان و اعمال مردم ندارد، طبعاً قدرت الهی را تا مرز طبیعت و اختیار آدمی محدود می‌کند در صورتی که عقل و نقل عمومیت قدرت الهی را به‌طور وضوح آشکار می‌کنند. اما عقل چون خدا را غیر متناهی و نامحدود می‌شناسد از این‌رو نمی‌تواند بپذیرد که توانایی او محدود باشد و اما از نظر شرع در قرآن کریم پُر است آیاتی که به توانایی مطلق خداوند تصریح می‌کند. و از آن جمله است:

۱- ملك/ ۱- ۲- فاطر/ ۴۴- ۳- یس/ ۸۳- ۴- مائده/ ۱۲۰

بنابراین اعتقاد به تفویض مستلزم انکار عمومیت قدرت خداست که بالنتیجه مستلزم محدود دانستن ذات خدا نیز خواهد بود، و کسی که دارای چنین اعتقادی است نمی‌تواند يك خداشناس واقعی و يك موحد کامل باشد زیرا اساس خداشناسی این است که خدا را از همه جهت، بی‌پایان و نامحدود بدانیم. [۱۴]

راه سوم راه میانه (امر بین الامرین)

درباره چگونگی صدور افعال از آدمی گفتیم. راه‌های گوناگونی ارائه داده شده است: راه جبر و راه تفویض که در صفحات پیش نادرستی و ضعف این دو طریق را مورد بررسی قرار دادیم و اینک راه سوم را که همان راه معروف «امر بین الامرین» است و نخستین بار از ناحیه امامان بزرگوار ما ابراز گردیده مورد بررسی قرار می‌دهیم.

درباره جبر و تفویض، عقائد مذهبی اسلامی به اختلاف می‌باشد. شیخ ابوالحسن اشعری مؤسس مذهب اشعری معتقد است که افعال بندگان به قدرت و خلقت خداست و بنده را هیچ تأثیری در آن نیست بلکه خداوند این طور مقدر فرمود که در بنده قدرتی و اختیاری ایجاد کند و فعل او را مقارن با همان قدرت و اختیار ایجاد کند، بدون آنکه قدرت و اختیار بنده در آن مداخلیت داشته باشد. و در میان آنها جهیمه که پیروان جهم بن صفوان می‌باشند یا فراتر نهاده، معتقدند که اصلاً برای انسان قدرت و اختیاری نیست بلکه در همه موارد مجبور است. قاضی ابوبکر که از بزرگان متکلمین آنهاست گفته است: خود کار به قدرت خداست، ولی طاعت شدن مانند نماز، یا معصیت بودن مانند شرب خمر، صفاتی برای فعل و به قدرت بنده می‌باشند. شیخ ابواسحق اسفراینی معتقد است که مؤثر در افعال، مجموع قدرت خدا و قدرت بنده است. و دو نفر از شاگردان او به نام امام‌الحرمین و ابوالحسین بصری گفتند: افعال بندگان به وسیله قدرتی است که در بنده ایجاد فرموده است. و معتزله که پیروان واصل بن عطا هستند، گفتند

که: خودبنده بالاستقلال افعال را ایجاد می‌کند بدون دخالت اراده خدایی، و خداوند بنده را خلق کرده و قدرت و اراده به او عنایت فرموده که آنچه بخواهد انجام می‌دهد که قول اشعری و جهمیه جبر محض، و عقیده معتزله تفویض محض می‌باشد.

ولی آنچه امامیه اثنی عشریه از فقها و عرفا و فلاسفه بر آن معتقدند و آن را از فرمایش معصوم اخذ نموده‌اند، امری است بین این دو امر که فرموده‌اند: لَا جَبَرَ وَ لَا تَقْوِيضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ. و قول حق و عقیده صحیح همین است که مستند به ادله عقلیه و آیات و اخبار می‌باشد. البته معتقدین جبر و تفویض هر کدام به ایاتی از قرآن مجید استناد می‌کنند. ولی با مقایسه با سایر آیات و با تایید اخبار همه آنها با عقیده شیعه امامیه منطبق می‌شود.

بیان آن به طور اجمال این است که افعال اختیاری بندگان مبتنی بر مقدمات داخلی و اسباب خارجی است؛ زیرا فعلی که از آنها صادر می‌شود ابتدا در ذهن آنها تصوّر آن پدید می‌آید، پس از آن نظر به غایت و نتیجه نموده و اگر نافع باشد تصدیق پیدا می‌شود. و پس از آن میل، بعداً عزم و سپس اراده می‌کند که در خارج انجام دهد و بعداً به توسط جوارح وجود می‌یابد. ولی خود همان تصوّر و تصدیق که قبلاً در او پیدا شده از طرف خداوند بر مخیله و مفکره او القاء می‌شود، پس فاعل آن خداست. و باضافه اراده و اختیار که در او می‌باشد از خود او نیست بلکه خداوند به او داده، پس اراده و اختیار او به امر خداست. بنابراین افعالی که از او صادر می‌شود نه به استقلال است بلکه مقدمات داخلی آن به اراده خداوند است. و تفویض کامل نیست چنانکه معتزله گفته‌اند، و مجبور محض هم نیست؛ زیرا داشتن اراده و اختیار برای بشر مشهود است. و باضافه لازمه جبر این است که جبری باشد و مجبوری، و معنی مجبور این است که از خود استقلال در وجود دارد و مرید و مختار است ولی از او سلب اختیار شده است. و حرکت او به اراده جابر است، در صورتی که او در وجود خود استقلال ندارد و اراده و اختیار مستقل نیز ندارد که او را مجبور کنند. و نیز طوری نیست که اراده‌ای داشته باشد و تابع اراده حق باشد که معنی تسخیر می‌باشد بلکه موضوع خیلی دقیق‌تر از این است، و معنی امر بین الامرین این است که فاعل اشیاء ذات حق است - تعالی شانه - که در مراتب و حدود بندگان تجلّی و ظهور نموده و ایجاد اراده در او می‌نماید؛ مانند شعاع آفتاب که به توسط شیشه‌ها و پنجره‌ها بتابد و اطاق را روشن و گرم کند که در حقیقت سبب گرمی و روشنی آفتاب است. ولی ظهور او در شیشه است بلکه موضوع خیلی بالاتر و دقیق‌تر از این نیز می‌باشد؛ زیرا در اینجا باز ممکن است خیال کنیم که شیشه اصلاً اثری ندارد و نور خورشید است ولی در مقام افعال، ظهور اراده حق است به وسیله بنده که: مَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (۹۷) اشاره بدان است.

و با بیان دیگر حکیم بزرگوار خواجه نصیرالدین طوسی فرمود که: اراده بنده، علّت قریبه فعل و اراده حق، علّت بعیده آن می‌باشد. اشاعره فقط نظر به علّت بعیده نموده و قائل به جبر شده‌اند و معتزله فقط علّت قریبه را در نظر گرفته و به تفویض قائل شده‌اند، در صورتی که همه علل بعیده و قریبه را باید در نظر داشت که معنی امر بین الامرین این است.

و به عبارت عرفانی دیگر کسی که توجه به عالم معنی ندارد و فقط در مادیات غوطه‌ور است، همه چیز را از خود می‌بیند و برای خود استقلال اراده گمان می‌کند و قائل به تفویض می‌شود؛ و مجذوب محض برای خود اراده‌ای نمی‌بیند و توجه کامل به عالم بالا دارد و همه چیز را از حق می‌بیند. ولی کمال حقیقی در این است که جمع بین جذب و سلوک و ظاهر و باطن نموده اراده حق را در مظاهر بشری مشاهده نماید. و علّت بعیده را در علل قریبه شهود کند که معنی: مَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى این است:

ولی معاصی و خلاف‌ها بر اثر نقص و دوری از حقیقت ظاهر می‌شود و آن نیز مربوط به اراده حق نیست، بلکه به قوه خود اوست؛ چنانکه اگر چشم نبیند، نقص از خود همان عضو است نه از افاضه روح. ولی دیدن به واسطه افاضه روح بر چشم است که محمد بن احمد و شاء از حضرت رضا (ع) روایت کرد که: سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ: اللَّهُ قَوْضَ الْأَمْرِ إِلَى الْعِبَادِ. قَالَ: اللَّهُ أَعَزُّ مِنْ ذَلِكَ. قُلْتُ: فَجَبَرَهُمْ عَلَى الْمَعَاصِي؟ قَالَ: اللَّهُ أَعْدَلُ وَأَحْكَمُ مِنْ ذَلِكَ. ثُمَّ قَالَ (ع): قَالَ اللَّهُ: [يَا بَنِي آدَمَ] أَنَا أُولَى بِحَسَنَاتِكَ مِنْكَ وَأَنْتَ أُولَى بِسَيِّئَاتِكَ مِنِّي عَمِلْتَ الْمَعَاصِيَ بِقَوْتِي الَّتِي جَعَلْتُهَا فِيكَ (۹۸) یعنی، خدمت حضرت رضا (ع) عرض کردم که: آیا خداوند امر بندگان را به خودشان واگذار نموده؟ فرمود: خداوند عزیزتر از این است. عرض کردم: پس آیا آنها را بر معصیت مجبور نموده؟ فرمود: خدا عادل‌تر از این است. سپس فرمود: خداوند فرموده که ای فرزندان آدم، من به خوبیه و کارهای نیک تو سزاوارترم از تو. ولی تو به خلافها و بدیهای خود اولی هستی. تو نافرمانی‌ها که می‌کنی به واسطه آن قوه و قدرتی است که من به تو دادم.

و از یونس بن عبدالرحمن از حضرت باقر و صادق - علیهما السلام - روایت شده: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَرْحَمُ بِخَلْقِهِ مِنْ أَنْ يُجْبَرَ خَلْقُهُ عَلَى الذُّنُوبِ ثُمَّ يَعَذِّبُهُمْ عَلَيْهَا وَ إِنَّهُ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرِيدَ أَمْرًا فَلَا يَكُونُ. قَالَ: فَسُئِلَا - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - هَلْ بَيْنَ الْجَبْرِ وَالْقَدَرِ مَنْرَلَةٌ ثَالِثَةٌ؟ قَالَا: نَعَمْ، أَوْسَعُ مَمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (۹۹). یعنی، آن دو بزرگوار فرمودند: خداوند مهربان‌تر به مخلوق خود است از اینکه آنها را مجبور بر گناه کند، سپس آنها را بر گناه عذاب نماید. و خداوند عزیزتر است از اینکه امری اراده کند و واقع نشود. سپس سؤال شد پس آیا بین جبر و قدر منزله و شقّ سومی نیز هست؟ فرمودند: بلی موجود است و وسیع‌تر از بین آسمان و زمین است.

۹۷) سورة الانفال، ایه ۱۷: «آنگاه که تیر می‌انداختی، تو تیر نمی‌انداختی، بلکه خداوند تیر می‌انداخت.»

۹۸) اصول کافی، کتاب توحید، باب الجبر و القدر، حدیث ۳.

۹) همان، حدیث ۹.

برخی از آثار و علائم فطری بودن اختیار و آزادی انسان، عبارت است از: الف) گاه انسان به خاطر انجام یا ترک برخی از اعمال مخالف یا موافق عقیده و طبع خودش احساس پشیمانی و نگرانی می‌کند و تصمیم می‌گیرد که در آینده از تجربه گذشته استفاده کند و دیگر نسبت به آن امور بی‌اعتنا نباشد و به موقع آنها را انجام دهد و یا ترک کند. این حالت روحی و عکس‌العمل روانی (ندامت و پشیمانی)، نشانگر این است که اختیار و آزادی عمل انسان به اقتضای طبیعت و فطرت او وجود دارد. ب) همه افراد، بدکاران را مورد ملامت و سرزنش و نیکوکاران را مورد تمجید و ستایش قرار می‌دهند و همین امر نشان از اختیار آنهاست. ج) همه انسان‌ها - چه خوب و چه بد - به لحاظ وجدان پاک و عقل سلیم انسانی از کارهای خوب لذت برده و خوششان می‌آید و از کارهای زشت متنفرند. این‌ها علانمی است که گواهی می‌دهد انسان در مقام عمل دارای اختیار است.

۲- تلاش همگانی برای تعلیم و تربیت فرزندان و دور نگه داشتنشان از تربیت ناصحیح و ارتباط با ناهلان، دلیل دیگری بر اختیاری

بودن اعمال آدمی و تربیت انسانی است.

۳- وجود اصل توبه در اسلام و تأکید آیات فراوان قرآن بر توبه کردن مؤمن گنجهار، نشان می‌دهد که انسان در اعمالش آزاد است نه مجبور و بدون اختیار.

بنابراین هم نظریه مربوط به آزادی و اختیار مطلق باطل است و هم عقیده به جبر مطلق. نظریه صحیح در این بحث، نظریه سومی است که شیعیان و پیروان مکتب اهل‌بیت (ع) به آن معتقدند. این عقیده که به «عقیده به اختیار» یا «امر بین الامرین» شهرت دارد، برگرفته از سخنان ائمه معصومین (ع) در روایاتشان می‌باشد. در تمام این روایات، ائمه (ع) از یک سو، جبر و تفویض را رد کرده و از سوی دیگر «اختیار» و «امر بین الامرین» را اثبات کرده‌اند.

{P - ر.ک: اصول کافی، ج ۱، باب «الجبر و القدر و الامر بین الامرین»؛ بحار الانوار، ج ۵، باب القضاء و القدر. «P»}

معنای اجمالی «امر بین الامرین» این است که انسان در کارهای خود نه چنان مستقل بوده و آزادی و استقلال عمل دارد که خداوند هیچ نقشی در افعال او نداشته باشد و انسان تأثیرگذار مطلق در کارهایش بوده و او از هر جهت آزاد و رها باشد و نه چنان مجبور و بی‌اختیار است که مانند ابزار دست کارگر باشد و از خود نیروی امتناع و دفاع نداشته باشد. بلکه افعال آدمی چیزی میان جبر و تفویض است و به هر دو طرف (خدا و انسان) ربط و بستگی دارد؛ به این بیان که انسان با عزم و اراده خود اقدام به کار نیک یا بد خود می‌کند و انتخاب نوع فعل و انجام آن به دست خودش است. اما از آنجا که بدون اذن و اجازه و اراده مطلقه الهی هیچ برگی از درخت پایین نمی‌افتد و همه کارهای جهان آفرینش به اذن و اراده ازلیه خداوند می‌باشد، درباره انسان هم به عنوان جزئی از مجموعه کل آفرینش، همین امر جاری است، یعنی بدون اراده و قدرت الهی انسان‌ها قادر به هیچ کاری نیستند. اعتقاد به توحید خالص و حقایقی چون «لا مؤثر فی الوجود الا الله» و «لا حول و لا قوة الا بالله» نیز چنین اقتضایی دارد.

بنابراین، اراده انسانی نه صددرصد مقهور اراده الهی است تا سر از جبر در آورد و نه صددرصد آزاد و رها، تا به تفویض و واگذاری مطلق کارها به انسان منجر شود، بلکه اراده انسان در طول اراده الهی است. به این بیان که فعل انسان بی‌واسطه مخلوق انسان است ولی با واسطه مخلوق خداوند متعال. پس انسان علت قریب فعل خویش است و خداوند علت بعید آن (به همان بیانی که گذشت).

به بیان ساده‌تر، گرچه ما دارای حرکت ارادی، قدرت عملی و توانایی بر انجام کارها هستیم، ولی این سرمایه وجودی «حرکت و قدرت» صرفاً برخاسته از ذات انسانی ما نیست بلکه همه آن از آن خدا و از افاضات و عنایات اوست. چون انسان از پیش خود چیزی ندارد و فقیر محض است.

{ P - « أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »؛ (فاطر، آیه ۱۵) P }

{ P - برای آگاهی بیشتر در زمینه جبر و اختیار، «امر بین الامرین» و مطالب دیگر در این رابطه، از جمله رک: اصول کافی، ج ۱، ترجمه و شرح مصطفوی، ص ۲۱۵ - ۲۲۴؛ جبر و اختیار، جعفر سبحانی، نگارش علی ربانی گلپایگانی، قضا و قدر، عزیز الله سالاری، به ویژه ص ۶۸ - ۹۵؛ یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، ناصر مکارم شیرازی، ص ۵۷۵ - ۵۸۰. P }

تصور عموم مردم از قضا و قدر - متأثر از تفکر اشعری مسلکی و جبرگرایی - این است که سرنوشت انسان از پیش رقم خورده و هر آنچه بر انسان واقع می‌شود از پیش طراحی و تعیین شده است و انسان در تغییر آن نقشی نمی‌تواند داشته باشد. اما حقیقت چنین نیست و هرگز قضا و قدر به معنای جبر و سرنوشت محتوم نیست. برای توضیح بیشتر، ابتدا باید قضا و قدر معنا شود.

مراد از این دو در اسلام و قرآن، این است که خداوند پیش از آفرینش انسان و موجودات و اساساً همه حوادث و رخدادهای عالم، صورت علمی آنها را اندازمگیری کرده و در کتابی به نام «لوح محفوظ» قرار داده است و بر اساس آن قضا و قدر پیشینی و یا علمی و مکتوب، صورت عینی و خارجی آنها را به منصه ظهور و بروز آورده و واقع می‌کند. چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» (حدید/ ۲۲)

هیچ رخداد غم‌انگیزی روی زمین و یا در زندگی شما رخ نمی‌دهد، مگر پیش از آن که آن را بیافرینیم، در کتابی ثبت گردیده است و این کار برای خدا آسان است.

این آیه و نظایر آن که زیاد هم هست، هرچند پیرامون حوادث غم‌انگیز (مصیبت‌ها) سخن می‌گوید ولی از آن، می‌توان یک اصل کلی برداشت کرد و آن این که مجموع آنچه که در جهان رخ می‌دهد اعم از غم و شادی، بهبودی و بیماری، بی‌نیازی و نیازمندی، جنگ و آرامش، همه و همه پیش از پیدایش، در کتابی به نام لوح فشرده محفوظ ثبت گردیده است و این مسأله‌ای است که علم گسترده خداوند آن را ایجاب می‌کند.

{ P - جبر و اختیار، سبحانی، ص ۱۰۸. P }

توضیح آن که این لوح یا کتاب نیز در آیات قرآن و از جمله آیات زیر، دو گونه آمده است:

«... لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ، يَمْخُوهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِثُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد/ ۳۹ - ۴۰)

هر زمانی کتابی دارد (برای هر کاری موعدی مقرر است). خداوند هرچه را بخواهد «محو» و هرچه را بخواهد «اثبات» می‌کند و «ام‌الکتاب» نزد اوست.

این دو لوح عبارتند از: ۱- لوح محو و اثبات؛ ۲- لوح محفوظ یا ام‌الکتاب. مراد از لوح محو و اثبات، آن قضا و قدر مشروط و غیر حتمی موجودات را گویند که تغییرپذیر است و مراد از لوح محفوظ یا ام‌الکتاب، آن قضا و قدر حتمی و تغییرناپذیر پدیده‌ها را گویند:

به تعبیر دیگر، لوح محو و اثبات آن است که علم و اراده پیشین خداوند علت تامه تحققش نباشد ولی لوح محفوظ آن اموری را شامل می‌شود که علم و اراده پیشین خداوند علت تامه تحققش در عالم خارج باشد.

آنچه مسلم است سرنوشت انسان از نوع اول است نه از نوع دوم. از این رو، اختیار و اراده انسانی در تحقق افعال خودش نقش اصلی را دارد. به این بیان که خداوند راه‌های خوشبختی و بدبختی و یا سرنوشت انتخابی انسان را فرا راه او نهاده و او {P} - ر.ک: انسان، آیه ۳؛ بلد، آیه ۱۰. P}

را به انتخاب یکی از آنها مخیر ساخته است. به این صورت که اگر نیکوکار باشد خوشبخت می‌شود و اگر بدکار باشد، دچار بدشومی می‌گردد. و برای هر یک نیز مراتبی - به تناسب اعمال بندگان - قرار داده است. حتی در اموری چون مرگ و میر، انسان می‌تواند آن اجل حتمی یا اجل {P} - از جمله آیات دال بر آن، آیه آخر سوره عنکبوت است که از این مراتب و راه‌های خوشبختی به «سُئِلَ» تعبیر کرده است. P}

مسمای پیشین را با اعمال نیک یا بد خود به اجر قریب (زودرس) تبدیل کند و یا به عکس، تأخیر بیاندازد.

{P} - ر.ک: تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۱، ص ۵۱۲ - ۵۲۱؛ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۰، ص ۲۴۰ - ۲۴۴. P}

اعمالی چون دعا، صدقه، صلّه رحم، عاق والدین، ظلم کردن و سایر اعمال نیک و بد به عنوان عوامل معنوی در سرنوشت آدمی و مرگ و میر او تأثیر گذار بوده و موجب خوشبختی، رفع بلا و گرفتاری و نیز تأخیر یا تقدیم در مردن او می‌شوند. به عنوان نمونه، چند حدیث زیر نقل می‌شود:

{P} - ر.ک: جبر و اختیار، ص ۱۱۲ - ۱۱۷؛ قضا و قدر، عزیزالله سالاری، ص ۱۴۹ - ۱۵۶. P}

امام باقر (ع): «دعا، قضای حتمی و شدیدی را که به سختی محکم شده، بر می‌گرداند.»

{P} - اصول کافی، ج ۱، کتاب الدعاء، باب «انّ الدعاء یرد البلاء و القضاء»، ص ۴۶۹. P}

امام کاظم (ع): «دعا بلایی را که نازل شده و نشده، دفع می‌کند.»

{P} - همان. P}

امام باقر (ع): «نیکی و صدقه فقر را می‌زداید و عمر را می‌افزاید و هفتاد مرگ بد را دفع می‌کند.»

{P} - میزان الحکم، ری‌شهری، ج ۵، ص ۳۳۲؛ بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۲۱ - ۱۲۲، چاپ بیروت. P}

از آنچه گذشت به دست آمد که گرچه سرنوشت انسان در قضا و قدر الهی و یا به تعبیر ساده‌تر، در علم و اراده پیشین خداوند، رقم خورده است، ولی اولاً این سرنوشت پیشینی هرگز به صورت قطعی و غیر قابل تغییر نیست تا به جبر منجر شود، بلکه معلق و مشروط بوده و بر اراده و انتخاب آدمی مبتنی گردیده است.

ثانیاً بر فرض قطعی بودن سرنوشت انسان و تعیین شدن در علم و اراده پیشینی الهی، (همان گونه که گذشت) آن سرنوشت انتخابی انسان‌ها (اعم از نیک و بد) را که باید با اختیار خودشان رقم بزنند، خداوند می‌داند و آن را در لوح محو و اثبات (و حتی لوح محفوظ) ثبت و درج کرده است؛ و چه بسا که آن را به آگاهی برخی از فرشتگان مقرب، پیامبران و امامان (ع) رسانده و می‌رساند و در نتیجه، آنان نیز از این سرنوشت منتخب انسان‌ها از پیش اطلاع و آگاهی دارند.

باسمه تعالی

ضرورت مجاهدت و تلاش همه اقشار ملت ایران

و جاهدوا فی الله حق جهاده {حج ۷۸}

۱- نام سال ۸۹ بنام همت و کار مضاعف نامگذاری شده است. رهبر فرزانه در پیام نوروزی شان فرمودند: "امسال برای اینکه بتوانیم آنچه را که در این دعای شریف به ما تعلیم داده شده است و وظیفه ما است، انجام بدهیم، برای اینکه بتوانیم بر طبق اقتضائات کشور و ظرفیتهای کشور حرکت کنیم، احتیاج داریم به اینکه همت خودمان را چند برابر کنیم، کار را مترکمتر و پرتلاشتر کنیم. من امسال را به عنوان سال «همت مضاعف و کار مضاعف» نامگذاری میکنم. به امید اینکه در بخشهای مختلف، بخشهای اقتصادی، بخشهای فرهنگی، بخشهای سیاسی، بخشهای عمرانی، بخشهای اجتماعی، در همه عرصهها، مسئولین کشور به همراه مردم عزیزمان بتوانند با گامهای بلندتر، با همت بلندتر، با کار بیشتر و مترکمتر، راههای نرفتهای را ببیمایند و به هدفهای بزرگ خود ان شاء الله نزدیکتر شوند. ما به این همت مضاعف نیازمندیم. کشور به این کار مضاعف نیازمند است." در محیط کار، سعی کنید از همه توان و استعداد و ابتکار خودتان استفاده کنید. این، لازم است. از همه قدرت فکری و عملی خودتان، در محیط کار استفاده کنید. نگذارید ساعتی از ساعات کار شما، به بطلان یا به کمکاری بگذرد. اجازه ندهید در محیط کاری که شما در آنجا مشغول هستید، چنین چیزی پیش بیاید

۲- آری کشوری که هدفهای بزرگ دارد و یکی از اهدافش آنست که ۱۵ سال دیگر مقام اول علمی و اقتصادی خاورمیانه را کسب کند باید تلاش مضاعف داشته باشد. هم مسئولین و کارگزاران و هم اقشار مختلف مردم از مردان گرفته تا زنان. مخصوصا مسئولین در وصول به هدف بزرگ فراگیری پیشرفت و عدالت در بین همه اقشار، باید همت کنند و جوانان و افراد دارای استعداد در ابعاد علمی و فناوری مجاهدت نمایند. امید است تمدن اسلامی باشکوه تر و عظیم تر از گذشته احیاء گردد و کشورمان الگوی کشورهای اسلامی باشد.

۳- ارزش تلاش و مجاهدت

پروردگار عالمیان از مسلمانان تلاش و مجاهدت خواسته است. و دستور داده تا زنده هستید کار و تلاش نمائید بطوری که حق مطلب را انجام داده باشید.

مراد از مجاهدت در راه خدا، انجام وظایفی است که هر انسان مسلمانی بر عهده اش می باشد.

وظایف هر مسلمانی در طول زندگی به شرح زیر است:

الف: تلاش در راه خداشناسی، پیامبرشناسی، امام شناسی و معادشناسی

ب: اختصاص قسمتی از اوقات شبانه روزی به عبادت و بندگی

ج: اختصاص قسمتی از اوقات شبانه روزی به کار و تلاش شغلی

د: انجام وظایفی که نسبت به جامعه مسلمین بر عهده دارد مانند دیدار با مومنین- شرکت در مجالس مومنین- دیدوبازدید فامیلی- خدمت و احسان به والدین و همسر و فرزندان- تلاش در رفع مشکل افرادی که به او مراجعه می کنند و انتظار دارند که او حاجتشان را برآورده نماید.

همه وظایف فوق دارای ارزش الهی بوده و مورد تشویق پیامبران و امامان ع بوده است. چه افرادی که برای معاش تلاش می کنند که ثواب مجاهد فی سبیل الله دارند و چه کسانی که تلاش علمی می کنند و چه کسانی که کارهای خیر می نمایند. و چه کسانی که در کنار خانواده خویش اوقات استراحت خود را سپری می کنند، همه اینها دارای پاداش دنیوی و اخروی می باشد.

۴- اصول تلاش و مجاهدت هر مسلمانی به شرح زیر می باشد:

الف: نظم {علی ع: اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم}

ب: برنامه ریزی {علی ع: شبانه روز خود را به سه قسمت تقسیم نمائید. قسمتی را به کار و تلاش اختصاص دهید. قسمتی را به استراحت و تفریح مشروع و قسمتی را به عبادت پروردگار عالمیان}

ج: استفاده از همه ظرفیتهای یکی از دانشمندان گفته است انسانهای عادی فقط تا بیست درصد از استعدادهای خود استفاده می کنند. و اگر از سی درصد استفاده کنند نابغه خواهند بود!

د: تلاش فراوان

اما موانع مجاهدت و تلاش به شرح زیر است:

الف: تنبلی و کاهلی و خواب زیاد

پیامبر: «بیشترین ترس من از امتّ این است که شکم بزرگ، پر خواب، تنبل و ضعیف الیقین شوند!»

ب: دیمی کارکردن و بی برنامه گی

- «ای اباذر! از تأخیر در کارها به پرهیز! که امروز از آن توست و از فردا خبر نداری!»

ج: سرگرم شدن به امور دنیوی و غفلت از فردا

امام سجاده: - «فرزند آدم مسکین است! زیرا برای او در هر روز سه مصیبت پیش می آید که از هیچ کدام عبرت نمی گیرد: از جمله کم شدن هر روز عمر او است! او اگر مالش کم شود، ناراحت می گردد با آنکه اگر سکه ای از دستش برود، دوباره می تواند آنرا بدست بیاورد. ولی عمرش بر نمی گردد.

۵- پیامبر ص قبل از بعثت قسمتی از اوقاتشان را به طلب معاش از طریق چوپانی یا تجارت می گذراندند. قسمتی از شبانه روز را به عبادت و تفکر در غار حرا صرف می نمودند. قسمتی از وقتشان را صرف امور اجتماعی مانند شرکت در پیمان حلف الفضول یعنی جمعیت حمایت از مظلومین می نمودند. و قسمتی از وقتشان در شبانه روز در استراحت و کنار اعضای خانواده بودن صرف می شد.

همچنین بعد از بعثت هم لحظه ای از عمرشان را از دست ندادند و از همه فرصت ها در انجام وظایف مختلف استفاده کردند و می توانیم ادعا کنیم موفق ترین پیامبر از بین هزاران پیامبر الهی، حضرت محمد ص بودند.

امیرالمومنین هم این چنین بودند و از همه لحظات عمرشان استفاده نمودند. و توانستند همه وظایفی را که به عهده داشتند در ابعاد مختلف مادی و معنوی به نحو احسن انجام دهند و چیزی کم نگذراند.

همانطور که در بیاناتشان فرموده اند: فرصتها مانند ابرها می گذرند پس این فرصتها را مغتنم بشمارید.

امامان دیگر هم این چنین بودند و در تمام عمر مجاهدت کردند و لحظه ای غفلت ننمودند و کار و مأموریت خودشان را به پایان رساندند.

بعد از ائمه ع، علماء شیعه نیز در راه ائمه قدم گذاشته و از عمرشان بسیار استفاده نمودند.

درباره تلاش و مجاهدت علماء شیعه چند نمونه ذکر می شود:

سیدمهدی قزوینی: وقتی او در مهمانی ها شرکت می کرد کتابی به همراه برده و مشغول تألیف و نوشتن می شد و از اهل مجلس کسی از او حرفی نمی شنید مگر اینکه مسأله ای بپرسند و ایشان جواب بدهد.

سید عبدالحسین لاری: «دختر ایشان گفت: شبها هرگاه بر می خاستم، ایشان را در حال نماز می دیدم. یکبار گفتم: مقداری هم بخوابید. فرمود: آنقدر بخوابیم که دیگر بیدار نشویم.»

«یکی از شاگردان علامه طباطبائی می نویسد: علامه در مراتب عرفان و سیر و سلوک معنوی مراحل را پیموده بود، اهل ذکر و دعا و مناجات بود. در بین راه که او را می دیدم، غالباً ذکر خدا را بر لب داشت.

در جلساتی که در محضرشان بودیم، وقتی جلسه به سکوت کشیده می شد، دیده می شد که لبهای استاد به ذکر خدا حرکت می کرد. به نوافل مقید بود و گاهی دیده می شد که در بین راه مشغول خواندن نمازهای نافله است. شبهای ماه رمضان تا صبح بیدار بود. مقداری مطالعه می کرد و بقیه را به دعا و قرائت قرآن و خواندن اذکار مشغول بود.

ملا صالح مازندرانی: در باره ابتدای طلبگی او آمده است که: آن قدر فقیر و نیازمند بود که اگر می خواست چیزی بنویسد، تهیه کاغذ برایش مقدور نبود و بر روی استخوان و چوب می نوشت! بخاطر کهنگی لباس، خجالت می کشید که بین شاگردان بنشیند و بیرون از کلاس در گوشه ای می نشست و صدای استاد را می شنید. او تحقیقات خود را بر روی برگ چنار می نوشت! و مردم و طلاب خیال می کردند که او برای گدایی آمده است! روزی استاد او، ملا محمد تقی مجلسی در حل مسأله ای ماند و جواب معما را به روز بعد موکول کرد و روز دوم و سوم هم نتوانست آن را حل نماید. در این حین یکی از طلاب به چند برگ چنار ملا صالح برخورد و دید که جواب آن مسأله روی برگها نوشته شده است! آنها را نزد استاد برد. وقتی استاد فهمید که اینها مال ملا صالح است، دستور داد تا لباس نوي به او دادند و شهریه برایش مشخص کردند.

شهید اول (شمس الدین محمد بن مکی): شهید اول در ایام تحصیل، ظرف مسی داشت که در هنگام شب آن را ندیک آتش برای گرم شدن می گذاشت که هرگاه خواب او را گرفت، آن را بر سر بگذارد تا خواب از سرش بپرد!

آقا جمال خوانساری: يك وقتی برای آقا جمال شام آوردند ولی او آن چنان غرق مطالعه بود که متوجه نشد تا اذان صبح گفتند. در این موقع آقا سر بر داشت و دید شام حاضر است، گفت چرا دیر آوردید؟ گفتند که ما آن را اول شب آوردیم، ولی شما ملتفت نشدید!

محدث بزرگ شیخ عباس قمی: از خصوصیات شیخ عباس قمی این بود که علاقه زیادی به مطالعه داشت و در این راه به تمام معنی موفق بود تا جایی که احساس خستگی نمی کرد و هرگاه با علما به باغي در اطراف مشهد می رفتند، همین که غذا صرف می شد، به گوشه خلوتی می رفت و مشغول مطالعه می شد. یکی از دوستان ایشان نقل نمود که تا صرف غذا به پایان می رسید و ما سرگرم صحبت می شدیم، او قلم و کاغذ را بدست می گرفت و مشغول نوشتن می شد. گاهی اوقات ما می گفتیم که: حاج شیخ! صبر کن تا قدری صحبت کنیم. می گفت: شما می روید ولی اینها می ماند.

- «یکروز ابوذر از رسول خدا (ص) پرسید که تشییع جنازه عابد بهتر است یا نشستن در مجلس علم؟

آن حضرت فرمود: ای ابان! یکساعت نشستن در مجلس علم در نزد خدا بهتر از تشییع هزار شهید است. و ساعتی نشستن برای مذاکره علمی از عبادت هزار شب که در هر شبی هزار رکعت نماز بخوانی، افضل است.»

محقق حلی در کتاب معتبر نوشته است که:

"از امام صادق (ع) در زمینه علوم آنقدر منتشر شده است که عقلا به حیرت می افتد. فقط يك نفر راوي از حضرت، سي هزار روایت از امام نقل کرده است. همچنان که خود امام فرمود: ابان بن تغلب از من سي هزار حدیث نقل کرده است."

با این حال شبها علاوه بر عبادت، به سرکشی فقراء می رفتند.

۶- ما شهادت می دهیم که امام امت، مجاهدتهای فراوانی کردند و از همه فرصتها بنحو احسن استفاده کردند تا اینکه این انقلاب به ثمر رسید. ایشان تا آخرین لحظات عمرشان راحتی و استراحت نداشتند و در شبانه روز مشغول خدمت به اسلام و مسلمین بودند.

همچنین مقام معظم رهبری چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب چه قبل از رهبری و چه بعد از انتخاب بعنوان رهبر انقلاب اسلامی، مرتب در حال مجاهدت بوده و هستند و باتمام توان و با استفاده از همه ظرفیتهای تلاش و کار دائم مشغول بوده تا اینکه بتوانند هدایت این انقلاب عظیم را بخوبی انجام دهند.

همچنین مراجع تقلید و مجتهدین و فقهاء شیعه در ایران و خارج از ایران مشغول مجاهدت هستند و با مجاهدت اینهاست که نور شیعه حفظ شده و روز به روز شیعه در عالم گسترش بیشتری پیدا می نماید.

همچنین روحانیت شیعه در سراسر کشور ایران اسلامی در مناصب مختلف مشغول مجاهدت بوده و قدمهای بزرگی را در انجام رسالتشان برمی دارند.

سایر اقشار مردم ایران از دانشگاهی گرفته تا کارگزاران و نظامیان و قضات و کارکنان صنایع و کشاورزان و کسبه نیز تاکنون در مورد وظایف خود قدمهای بزرگی برداشته اند که کشور ما به این درجه از عزت و عظمت و پیشرف در ابعاد مختلف رسیده است. مخصوصا دولت جناب آقای احمدی نژاد که حقا و انصافا تلاش مضاعف را از ابتدای تشکیل دولتشان داشته اند و با تلاش بی وقفه آنان است که وضعیت کشور نسبت به گذشته بسیار بهتر شده است.

امیداست با این نامگذاری سال ۸۹، سرعت مجاهدت همه اقشار بیشتر شده و شاهد رسیدن به قله های پیشرفت همه جانبه ملت ایران باشیم.

هشدارهای قرآن به انسان

۱- کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا غَافِلٌ : طغیان بواسطه احساس بی نیازی

۲- إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ : انسان در معرض خسران و زیانکاری

۳- ان الانسان على نفسه بصيره و لو القى معاذيره : توجیه برای انجام کارهای نادرست با وجود آگاهی

۴- يا ايها الانسان ما غرك بربك الكريم : غرور بواسطه لطف و کرم خداوند

۵- روی برگردان از خدا بواسطه مشکلات : * اذا انعمنا على الانسان أعرض و نأى بجانبه :

* و اذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا : هرموقع گرفتار است خدا خدا می کند

* و لئن اذقنا الانسان منا رحمه ثم نزعناها منه انه ليؤس : وقتی به او لطف می کنیم سپس از او می گیریم مایوس می شود.

ان الانسان لربه لکنود: ناسپاس و فراموش کننده نعمت ها است.

انه کان ظلوما جهولا / احزاب / انسان نسبت به خود ظالم و نسبت به موقعیت خود و به اینکه، استعداد حمل امانت و آرامش را دارد ، نادان است زیرا لازمه جهل اضطراب است .

یا ایها الانسان انك كادح الی ربك كدحا فملاقيه: كوشش همراه با سختی و استمرار است

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ: اعتنا نکردن به نعمت ها و احسان ، و رد کردن و اعتنا نداشتن به حق در هر مرتبه ای است

و كان الانسان قتورا: به معنای بخل است

و هو خصيم مبين: خصيم: اصل مخاصمه و دشمنی

خلق الانسان ضعيفا: ضعيف: در مقابل قوت و به معنای ناتوانی است

آمادگی برای سفر آخرت

موعظه امام (آمادگی برای سفر آخرت)

به امام گفتیم: «ای پسر رسول خدا، مرا موعظه کنید.»

فرمود: «مهیای سفر آخرت شو و توشه آن سفر را پیش از رسیدن اجل به دست آور؛ و بدان که تو در طلب دنیایی در حالی که مرگ هم در طلب توست. اندوه روزی را که نیامده بر روی اندوه امروزت بار مکن و بدان که هر چه از مال دنیا، بیش از قوت خودت، به دست آوری، خزینهداری دیگران (وارثانت) را کرده‌ای. بدان که در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب. پس دنیا را نزد خود، مرداری فرض کن و از آن نستان، مگر به قدر ضرورت، که اگر حلال باشد، زهد ورزیده‌ای و اگر حرام باشد، گناهی نکرده‌ای، زیرا آن مقدار که گرفته‌ای بر تو حلال است؛ همان طور که گوشت مرده، در حال ضرورت، حلال است و اگر عتابی باشد، عتابش کمتر است. برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت خود چنان که گویا فردا خواهی مرد. اگر می‌خواهی بدون قوم و قبیله عزیز باشی و بدون سلطنت، اقتدار داشته باشی، از ذلت معصیت خدا به سوی عزت اطاعت او حرکت کن.

ضرورت توجه به معاد

سراسر زندگی دنیا، تنها گذرگاهی است برای رسیدن به مقصد نهایی. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه ای به فرزندش امام مجتبی علیه السلام با توجه دادن به این مطلب می فرماید: «پسرم! من تو را از دنیا و تحولات گوناگون و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان ها در آن جا فراهم است، اطلاع دادم و برای هر دو مثال ها زدم، تا پندپذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی. همانا داستان آن کس که دنیا را آزمود، چونان مسافرانی است که در سرمنزلی بی آب و علف و دشوار زندگی می کنند و قصد کوچ به سرزمینی دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می کنند و جدایی دوستان و سختی سفر و ناگواری غذا را با جان و دل می پذیرند تا به جایگاه وسیع و منزلگاه امن و با آرامش قدم بگذارند. آن ها از سختی های طول سفر احساس ناراحتی ندارند و هزینه های مصرف شده را غرامت نمی شمارند و هیچ چیز برای آنان، دوست داشتنی نیست، جز آنکه به منزل امن و محل آرامش برسند».

رای غیر دنیا آفریده شده اید

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای مردم را به موقتی بودن زندگی دنیا توجه داده است و می فرماید: «ای مردم! دنیا سرای گذر و آخرت خانه جاویدان است. پس از گذرگاه خویش برای سر منزل جاودانه توشه بگیرید و پرده های خود را در نزد کسی که بر اسرار شما آگاه است، پاره نکنید. پیش از آنکه بدن های شما از دنیا خارج گردد، دل هایتان را خارج کنید. شما را در دنیا آزموده اند و برای غیر دنیا آفریده اند. کسی که بمیرد، مردم می گویند: چه باقی گذاشت، اما فرشتگان می گویند: چه پیش فرستاد؟ خدا پدران را بیامرزد، مقداری از ثروت خود را جلوتر بفرستید تا در نزد خدا باقی ماند و همه را برای وارثان مگذارید که پاسخگویی آن بر شما واجب است».

فراهم نمودن زاد و توشه

در فرمایشی از امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به فرزند گرامی شان امام مجتبی علیه السلام درباره ضرورت توجه به منازل مختلفی که پس از مرگ در پیش روی انسان است و نیز تلاش و کوشش در راه فراهم آوردن زاد و توشه برای این مسافرت بسیار مهم چنین آمده است: «بدان! راهی پر مشقت و بس طولانی در پیش روی داری و در این راه، بدون تلاش بایسته و فراوان و زاد و توشه و سبک کردن بار گناه، موفق نخواهی بود. بیش از تحمل خود بار مسئولیت بر دوش مننه که سنگینی آن برای تو عذاب آور است. اگر مستمندی را دیدی که توشه ات را تا قیامت می برد و فردا که به آن نیاز داری به تو باز می گرداند، کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه را بر دوش او بگذار و اگر قدرت مالی داری، بیشتر انفاق کن و همراه او بفرست؛ زیرا ممکن است روزی در رستخیز در جست و جوی چنین فردی باشی و او را نیابی. به هنگام بی نیازی، اگر کسی از تو وام خواهد، غنیمت بشمار تا در روز سختی و تنگدستی به تو باز گرداند. بدان که در پیش روی تو، گردنه هایی وجود دارد که در آن، حال سبکیاران به مراتب بهتر از سنگین باران است».

ناگهانی بودن مرگ

یکی از ویژگی های مهم مرگ، ناگهانی بودن آن است. هیچ کس نمی داند چه روز و چه ساعتی اجل او فرا می رسد و از این دنیا رخت بر می بندد. چه بسیار افرادی که در کمال سلامت روز را شروع کردند و تا غروب آن روز اجلشان فرا رسید، در حالی که هیچ کس احتمال چنین اتفاقی را نمی داد. از این رو انسان باید همیشه آمادگی لازم را برای مسافرت آخرت داشته باشد. در فرمایشی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: «چه بسیار کسانی که در آغاز روز بودند و به شامگاه نرسیدند و چه بسیار کسانی که در آغاز شب بر اوحسد می بردند و در پایان شب عزاداران به سوگش نشستند».

گویی زندگی دنیا، یک روز بود

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره زودگذر بودن عمر هشدار داده، می فرماید: «ای بندگان! خدا را خدا را، پروا کنید که دنیا با قانونمندی خاصی می گذرد. شما با قیامت به رشته ای اتصال دارید؛ گویا نشانه های قیامت آشکار می شود و شما را در راه خود متوقف کرده با زلزله هایش سر رسیده است و سنگینی بار آن را بر دوش شما نهاده، رشته پیوند مردم با دنیا را قطع کرده و همه را از آغوش گرم دنیا خارج ساخته است. گویی یک روز بود و گذشت یا ماهی بود و سپری شد. تازه های دنیا کهنه شد و فربه هایش لاغر گردیدند. سپس به سوی جایگاهی تنگ، در میان مشکلاتی بزرگ و آتشی پر شراره می روند که صدای زبانه هایش وحشت زاء، شعله هایش بلند و غرشش پرهیجان و گدازنده است. ... در آن میان، پرهیزکاران از کيفر و عذاب در امانند و از سرزنش ها آسوده و از آتش به دور و در خانه های امن الهی، از جایگاه خود خشنودند».

عبرت از گذشتگان

مطالعه و تأمل در زندگی گذشتگان، همواره در بردارنده نکات آموزنده اخلاقی و تربیتی است. مشاهده می کنیم آنها که همواره بر شوکت، قدرت و ثروت خویش مغرور بودند و دست به هر ستمی می زدند، اکنون در گوشه ای از این زمین پهناور زیر انبوهی از خاک رها شده اند و روحشان در عالم برزخ پاسخگوی رفتار و اعمالشان است. امام علی علیه السلام در این باره می

فرمایند: «همانا گذشتگان را دیدی که ثروت ها اندوختند و از فقر و بیچارگی وحشت داشتند و با آرزوهای طولانی فکر می کردند در امانند و مرگ را دور می پنداشتند، دیدی چگونه مرگ بر سرشان فرود آمد و آنان را از وطنشان بیرون راند؟... آیا ندیدید آنان را که آرزوهای دور و دراز داشتند و کاخ های استوار می ساختند و مال های فراوان می اندوختند، چگونه خانه هایشان گورستان شد و اموال جمع آوری شده شان تباه و پراکنده و از آن وارثان گردید و زنان آنها با دیگران ازدواج کردند؟ آنها نه می توانند چیزی به نیکی هایشان بیفزایند و نه از گناه توبه کنند».

آمادگی برای سفر آخرت

هر انسان عاقلی که سفری در پیش داشته باشد، از مدت ها قبل آمادگی های لازم و نیز زاد و توشه این سفر را فراهم می آورد تا بتواند در کمال موفقیت و سلامت این سفر را پشت سر بگذارد. حال این سؤال مهم مطرح می شود که آیا شایسته نیست انسان برای مهم ترین و حساس ترین سفری که در زندگی پیش روی خود دارد، زاد و توشه ای نیکو و شایسته فراهم آورد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنانی می فرماید: «وابستگی به دنیا را کم کنید و با زاد و توشه نیکو به سوی آخرت باز گردید که پیشاپیش شما گردنه ای سخت و دشوار و منزلگاه هایی ترسناک وجود دارد که باید در آن جاها فرود آیید و توقف کنید. آگاه باشید که فاصله نگاه های مرگ بر شما کوتاه است و گویا هم اکنون چنگال هایش را در جان شما فرو می برد. کارهای دشوار دنیا، مرگ را از یادتان برده و بلاهای طاقت فرسا، آن را از شما پنهان داشته است. پس پیوندهای خود را با دنیا قطع کنید و از پرهیزکاری کمک بگیرید».

از دگرگونی روزگار عبرت بگیرید

گذشت زمان و گذر عمر، به انسان ها هشدار می دهد که خویشانش را برای مسافرت آخرت و کوچ کردن از این سرای فانی آماده سازند؛ زیرا عالم قبر و برزخ و پس از آن قیامت، منزلگاه های بسیار حساس و مهمی است که بدون آمادگی برای انسان ها بسیار سخت و وحشتناک خواهد بود. امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنانی راجع به این مسئله می فرماید: «فردا به امروز نزدیک است. امروز با آنچه در آن است می گذرد و فردا می آید و بدان می رسد؛ گویی هر یک از شما در دل زمین به خانه مخصوص خود رسیده و در گودالی که کنده اند، آرمیده اید. وه که چه خانه تنهایی و چه منزل وحشتناکی و چه سیه چال غربتی! گویی هم اکنون بر صور اسرافیل دمیده اند و قیامت فرا رسیده و برای قضاوت و حسابرسی قیامت بیرون شده اید. پندارهای باطل دور گردیده، بهانه ها از میان برخاسته و حقیقت ها برای شما آشکار شده و شما را به آنجا که لازم بود کشانده اند. اگر چنین است، از عبرت ها پند بگیرید و از دگرگونی روزگار عبرت پذیرید و از هشدار دهندگان بهره مند گردید».

مرگ از شما غفلت نمی کند

انسان چه بخواهد و چه نخواهد، مرگ و اجلش فرا خواهد رسید و هرگز برای همیشه در این دنیا زندگی نخواهد کرد. حتی انبیای الهی که بهترین بندگان خدا بودند، پس از چند سال زندگی در این دنیا، از این جهان رخت بربستند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «مردم! شما را به یادآوری مرگ سفارش می کنم. از مرگ کمتر غفلت کنید. چگونه آن را فراموش می کنید، در حالی که شما را فراموش نمی کند؟ چگونه طمع می ورزید، در حالی که به شما مهلت نمی دهد؟ مرگ گذشتگان برای عبرت شما کافی است. آنها را به گورشان بردند، بی آنکه بر مرکبی سوار باشند. ایشان را در قبر فرود آوردند، بی آنکه خود فرود آیند. چنان از یاد رفتند، گویی از آباد کنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانه شان بود. ... از چیزهایی که با آنها مشغول بودند جدا شدند و آنجا را که سرانجامشان بود، ضایع کردند. اکنون نه قدرت دارند از اعمال زشت خود دوری کنند و نه می توانند عمل نیکی بر نیکی های خود بیفزایند».

ضرورت یاد مرگ

به باد مرگ بودن، یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در رشد و تکامل اخلاقی آدمی است؛ زیرا انسانی که همواره به یاد مرگ باشد، ظواهر فریبنده دنیا او را از مسیر حق و حقیقت منحرف نمی‌سازد. از این رو امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه ای به فرزند برومندش امام حسن علیه السلام می‌نویسد: «پسرم! بدان تو برای آخرت آفریده شدی نه دنیا. برای رفتن از دنیا، نه پایدار ماندن در آن. برای مرگ، نه زندگی جاودانه در دنیا که هر لحظه ممکن است از دنیا کوچ کنی و به آخرت در آیی. تو شکار مرگی که فرارکننده آن نجاتی ندارد. هر که را بجوید به او می‌رسد و سرانجام او را می‌گیرد. از مرگ بترس. نکند زمانی سراغ تو را گیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه کردن باشی و مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله اندازد که در این حال خود را تباه کرده ای.

پسرم! فراوان به یادمرگ باش و به یاد آنچه به سوی آن می‌روی و پس از مرگ در آن قرار می‌گیری تا هنگام ملاقات با مرگ، از هر نظر آماده باشی. نیروی خود را افزون کن و کمر همت را بسته نگهدار که ناگهان نیاید و مغلوبت نسازد».

تاریکی و وحشت قبر

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنانی راجع به قبر و دشواری های آن چنین می‌فرماید: او را در سرزمین مردگان می‌گذارند و در تنگنای قبر تنها خواهد ماند. حشرات درون زمین، پوستش را می‌شکافند و خشت و خاک گور بدن او را می‌پوساند. تند بادهای سخت آثار او را نابود می‌کند و گذشت شب و روز، نشانه های او را از میان برمی‌دارد. بدن پس از آن همه طراوت متلاشی می‌گردد و استخوان ها بعد از آن همه سختی و مقاومت پوسیده می‌شود و روح درگرو سنگینی بار گناهان است. آنجاست که به اسرار پنهان یقین می‌کند، اما نه بر اعمال نیکش چیزی اضافه می‌شود و نه می‌تواند از اعمال زشت توبه کند».

پیام مردگان

زیارت قبرمؤمنان، یکی از اعمال مستحبی است که در روایات اسلامی بسیار بر آن تأکید شده است؛ زیرا این زیارت، نه تنها برای انسان زیارت کننده پادشاه به همراه دارد، بلکه یادآوری و تذکری برای اوست تا برای لحظاتی در احوالات آنان بیندیشد و عبرت بگیرد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنانی در این باره می‌فرماید: «حال اگر چه آثارشان نابود و اخبارشان فراموش شده، اما چشم های عبرت بین آنها را می‌نگرد و گوش جان اخبارشان را می‌شنود که با زبان دیگری با ما حرف می‌زنند و می‌گویند: چهره های زیبا، پژمرده و بدن های ناز پرورده، پوسیده شد. بر اندام خود لباس کهنگی پوشانده ایم و تنگی قبرما را در فشار گرفته، وحشت و ترس را از یکدیگر به ارث برده ایم و خانه های خاموش قبر بر ما فرو ریخته و زیبایی های اندام ما را نابود و نشانه های چهره های ما را دگرگون کرده است. اقامت ما در این خانه های وحشت زا طولانی است؛ نه از مشکلات رهایی می‌یابیم و نه از تنگی قبر گشایشی فراهم می‌شود».

موعظه امام (آمادگی برای سفر آخرت)

مهیای سفر آخرت شو و توشه آن سفر را پیش از رسیدن اجل به دست آور؛ و بدان که تو در طلب دنیایی در حالی که مرگ هم در طلب توست. اندوه روزی را که نیامده بر روی اندوه امروزت بار مکن و بدان که هر چه از مال دنیا، بیش از قوت خودت، به دست آوری، خزینهداری دیگران (وارثانت) را کرده‌ای. بدان که در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب. پس دنیا را نزد خود، مرداری فرض کن و از آن نستان، مگر به قدر ضرورت، که اگر حلال باشد، زهد ورزیده‌ای و اگر حرام باشد، گناهی نکرده‌ای، زیرا آن مقدار که گرفته‌ای بر تو حلال است؛ همان طور که گوشت مرده، در حال ضرورت، حلال است و اگر عتابی باشد، عتابش کمتر است. برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت خود چنان که گویا فردا خواهی مرد. اگر می‌خواهی بدون قوم و قبیله عزیز باشی و بدون سلطنت، اقتدار داشته باشی، از ذلت معصیت خدا به سوی عزت اطاعت او حرکت کن.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: إِنَّ مَنْ عَرَفَ أَلَايَامَ لَمْ يَغْفَلَ عَنِ الْإِسْتِعَادَةِ؛ آن کسی که وضع روزگار را بشناسد از آمادگی برای سفر آخرت غافل نمی‌شود (میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۳۸)

رسول خدا (ص) می فرماید : و ای برکسی که غفلت بر او غلبه کند و مرگ و سفر آخرت را فراموش نماید و آماده آن نباشد. انسان غافل مانند کسی است که سرزمین آماده و مستعدی داشته باشد و آن را رها کند تا بایر شود چنین افرادی از زیانکارترین افراد خواهند بود.

مرحوم شیخ بهایی آدم غافل را تشبیه کرده به شخصی که در وسط چاهی عمیق گرفتار شده و مشغول خوردن عسل است که با خار و خاشاک مخلوط شده، یک نگاه به پایین چاه می افکند که یک مار و افعی بزرگ را می بیند که دهان باز کرده، به بالا که نگاه می کند، طنابی که او به آن آویزان است به بوته گیاهی گره خورده که ریشه آن را دو موش سیاه و سفید با دندانهای خود می جویند که بزودی آن ریسمان پاره میشود، این در حالی است که مرد دست از خوردن عسل مخلوط به خار و خاشاک برنمیدارد. (سفینه البحار ج ۶ ص ۶۴۲)

«روز عاشورا، خطاب به اصحابش فرمود: ای فرزندان خانواده های بزرگوار! مرگ فقط پلی است که شمارا از سختی و مشقت، به بهشت های وسیع و نعمت های دائمی، منتقل می کند. کدامیک از شما بدش می آید که از زندان به قصر و کاخ، منتقل گردد؟ ولی مرگ برای دشمنان شما، منتقل شدن از قصر و کاخ، به زندان است!

امام سجاد (ع) فرمود: از متکبر فخرکننده متعجبم که دیروز نطفه بود و فردا مردار است! و عجب از کسی که در وجود خدا، شک می کند، در حالیکه مخلوقات او را می بیند! و عجب از کسی که مرگ را انکار می کند، در حالیکه مشاهده می کند که روز و شب افرادی می میرند! و عجب از کسی که زنده شدن مردگان و جهان آخرت را انکار می کند، در حالیکه متولد شدن افراد زیادی را می بیند! و عجب از کسی که خانه ازین رفتنی

«به امام جواد (ع) گفته شد: چرا مسلمین از مرگ در هراسند؟ امام فرمود: چون مرگ را نمی شناسند، از آن می ترسند و اگر آنرا می شناختند و از اولیاء خدا بودند، هر آینه مرگ را دوست می داشتند و می فهمیدند که آخرت از دنیا، برایشان بهتر است!

سپس فرمود: می دانی چرا کودک و دیوانه، از خوردن داروئی که برای سلامتی آنها و برطرف شدن مرض مفید است، خودداری می کنند؟ زیرا از منافع دارو بی اطلاعند! قسم به آن خدائی که محمد را به پیامبری مبعوث کرد، هر کسی که برای مرگ، خودش را آنچنان که باید، آماده کند، مرگ برای او از داروئی که مریض را از بین ببرد، مفیدتر است! اگر مؤمنین بدانند که بعد از مردن، خداوند چه نعمتهائی برای آنان آماده

کرده است، مرگ را طلب می کنند و مردن در نظرشان، از داروئی که نزد افراد عاقل، برای از بین بردن مرضها، استفاده می نمایند، نافع تر است!

اموالتان تقسیم شد!

همچنین روایت شده است که در بازگشت از جنگ صفین، وقتی امیر مؤمنان به قبرستانی رسید، فرمود: سلام بر شما، ای ساکنان غریب! سلام بر شما، ای ساکنان تنها! سلام بر شما، ای اهل وحشت! اما برای شما، این خبرها را داریم: اموال شما، تقسیم شد! زنان شما، ازدواج کردند! خانه های شما، افراد دیگری ساکن شدند! شما چه خبری برای ما دارید؟

سپس فرمود: اگر به آنها اجازه داده می شد که سخن بگویند، می گفتند: بهترین توشه برای سفر آخرت، تقوا است

به خاطر سه درهم!

روزی بعد از نماز، رسول خدا (ص) به اصحاب فرمود: در اینجا

قبیله بنی نجار احدي هست؟ زیرا دوست آنها با آنکه شهید شده است،

ولی بخاطر سه درهم که به فلان شخص یهودی بدهکار بوده است، به او اجازه ورود به بهشت را نداده اند!

عده ای نزد پیامبرشان «ذی الکفل» آمدند و از او خواستند تا دعا کند که خدا مرگ را از میان آنها بردارد! او هم دعا کرد و خداوند دعایش را مستجاب کرده و مرگ از میان قوم او برداشته شد. آنها تا مدتی خوشحال و سرمست بودند که دیگر مردنی در کار نیست! و عمرهای طول و دراز دارند. ولی بعد از مدتی کم کم مشکلات عظیمی سراغ آنها آمد. از جمله چون کسی از دنیا نمی رفت، لذا گاهی می شد که شخصی باید نان پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و جد دوم و سوم و... خود را بدهد. و از آنان نگه داری کند. لذا

خانه های آنها کوچک بود، مجبور شدند تا خانه ها را بزرگتر کردند و زمینهای کشاورزی بیشتری زیر کشت بردند و... ولی باز هم این مشکلات هر روز بیشتر از دیروز متوجه آنها می شد و درآمد آنها کفاف زندگی این همه آدم را نمی داد. لذا مجدداً نزد «ذی الکفل» آمدند و از او خواستند دعا کند تا مرگ دوباره برگردد!

همه موجودات به غیر از ذات اقدس الهی فانی می شوند. «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»^(۱) یعنی هر که بر روی زمین است می میرد بجز خدای صاحب جلال و اکرام.

هر شخصی باید مزه مرگ را بچشد! «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ».

أَيُّمَّا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ»^(۲).

یعنی: هر کجا باشید، مرگ، سراغ شما می آید اگر چه در پادگانهای مستحکم باشید!

ملاقات امام موسی کاظم علیه السلام با جوانی که در حال احتضار بود!

امام هفتم، به عیادت جوانیکه در حال مردن بود، رفت و مشاهده کرد، که هر شخصی، با او سخن می گوید، جواب او را نمی دهد و سخنی بر زبان جاری نمی کند! افرادی که آنجا بودند، گفتند: ای پسر رسول خدا! دوست داریم که مرگ را بر ایمان، شرح دهی و بگویی که حال دوست ما چگونه است؟

امام فرمود: مرگ وسیله تصفیه ای است که مؤمنین را از گناهانشان، پاک می کند و مردن، آخرین سختی است که کفار گناهانی که به گردن، داشته اند، می شود! ولی برای کفار، مردن وسیله تصفیه ای است که آنها را از کارهای نیکی که احیاناً، انجام داده اند، پاک می نماید! و مرگ، آخرین راحتی است که به آنها می رسد! ولی این جوان، از گناهانش مانند لباسی که از چرک پاک می شود، پاک شده است و در آخرت، با ما اهل بیت، خواهد بود!

امام هادی علیه السلام به دیدار یکی از اصحابش که در حال مرگ بود، رفت و مشاهده کرد که از مرگ، سخت در هراس است! امام به فرمود: ای بنده خدا! برای این هراسانی که مرگ را نمی شناسی! آیا هنگامیکه دچار چرک و کثافت می شوی و با بدنت دچار زخم و عفونت می شوی و می دانی که با شستن در آب، همه اینها از بین می رود، از شستن می ترسی و وارد حمام نمی شوی؟ آن شخص گفت: ای پسر رسول خدا! نه از شستن نمی ترسم! امام علیه السلام فرمود: مرگ هم برای مؤمن، مثل رفتن به حمام است و با مردن، آخرین گناهان پاک شده و از هر غم و اندوهی، خلاص می شود و به سرور و خوشحالی می رسد!

آن فرد با شنیدن این مطالب، آرام گرفت و تسلیم مرگ شد و چشمانش را بست و از دار دنیا، به سرای باقی شتافت

دیدار پیامبر با عزرائیل!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانیکه به معراج رفته ای را دیدم که در دستش، لوحی از نور بود و ابداً به راست و چپش، توجه نداشت و دارای شکل و شمایل افراد غمگین بود! از جبرئیل پرسیدم: این کیست؟ گفت: ملک الموت است که مشغول قبض ارواح،

می‌باشد! گفتیم: مرا نزد او ببر تا با او سخنی بگویم! جبرئیل، مرا نزد او برد و من از او پرسیدم: ای ملك الموت! آیا هر شخصی که می‌میرد، تو او را قبض روح می‌کنی؟

گفت: آری! گفتیم: تو خودت بر بالین همه حاضر می‌شوی؟ گفت: آری! زیرا خداوند، دنیا را در نزد من، مثل يك سکه‌ای در دست شخصی، قرار داده که به هر طرف بخواهد، می‌تواند آنرا بگرداند! و هیچ خانه‌ای نیست مگر اینکه من روزی پنج بار به آن سر می‌زنم. و هر موقع، شخصی را قبض روح می‌کنم و اهل و عیال او می‌گیرند، به آنها می‌گویم: بر او گریه نکنید! زیرا من آنقدر نزد شما می‌آیم و همه شما را قبض روح می‌کنم تا اینکه احدی از شما را باقی نگذارم!

در این موقع، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌آله فرمود: مرگ برای شخص هوشیار، عبرت انگیز است! جبرئیل گفت: آنچه بعد از مرگ پیش می‌آید، عبرت انگیزتر است!

مؤمن و عزرائیل

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌آله سؤال شد: عزرائیل، مؤمن را چگونه قبض روح می‌کند؟ فرمود: عزرائیل، مانند بنده‌ای ذلیل در مقابل اربابش، در مقابل مؤمن حاضر می‌شود و با بشارت و سلام، به او نزدیک می‌گردد

توبه یکی از مهمترین برنامه آمادگی برای سفر آخرت است.

باقیات صالحات نیز یکی از توشه های این سفر است

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌آله وسلم فرمود: به درستی که از جمله چیزهایی که از اعمال و حسنات مؤمن بعد از مرگش، به او ملحق می‌شود، علمی است که تعلیم و نشر داده و یا فرزند صالحی است که به جا گذاشته و یا مسجدی است که ساخته و یا خانه‌ای است برای در راه ماندگان، ساخته و یا نهری است که برای مردم روان نموده و یا صدقه‌ای است که در زمان سلامتی، خود آن را داده‌است!

امام سجاد علیه‌السلام: هر که حاجت مؤمنی را روا نماید، مثل این است که حاجت خدا را روا کرده است! و به خاطر آن، خداوند صد حاجت از او را که راحت‌ترین آنها بهشت است، برای او روا می‌کند. و هر که غم مؤمنی را برطرف کند، خداوند در قیامت، بالاترین غم او را بر طرف می‌نماید. و هر که مظلومی را علیه ظالمی کمک کند، خداوند او را بر پل صراط، در جایی که قدمها بلغزد، یاری نماید. و هر که در کارهای مؤمنی تلاش کند به طوری که او را خوشحال نماید، مثل آن است که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌آله وسلم را خوشحال نموده‌است. و هر که تشنه‌ای را سیراب کند، خداوند از رحیق مختوم (شراب بهشتی) او را سیراب نماید. و هر که گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند به او از میوه‌های بهشتی بخوراند. و هر که عریانی را بپوشاند، خداوند او را از استبرق و حریر بهشتی بپوشاند. و هر که بر غیر عربانی، لباس بپوشاند، تا زمانی که آن لباس بر تن اوست، در ضمانت الهی قرار گیرد. و هر که مؤمنی را بر مرکب (وسیله نقلیه) خود سوار کند، روز قیامت خداوند او را بر شتری از شتران بهشت سوار نماید، به طوری که ملانکه به او مباحات نمایند. و هر که میت مؤمنی را کفن کند، مثل این است که از روز ولادت تا مرگش بر او لباس پوشانده باشد. و هر که زنی را برای مؤمنی تزویج کند و آن مؤمن با همسرش در صلح و آرامش باشد، خداوند در قبر او را با صورت محبوبترین خانواده‌اش مأنوس نماید

امام هفتم علیه‌السلام: اگر شخصی نمی‌تواند با ما مرتبط باشد، با فقیران شیعه مرتبط باشد و هر که به زیارت قبور ما دسترسی ندارد، قبور برادران صالح ما را زیارت کند. "امام ششم علیه‌السلام: کسی که در حال حل کردن مشکل مؤمنی ست، ثوابش در نزد من از ثواب هفتاد طواف بالاتر است

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌آله: کسی که به برادر مؤمنش، غذای شیرینی بخوراند، خداوند تلخی مرگ را از او می‌برد.

«علی علیه‌السلام: هر مؤمنی که مهمان دوست باشد، وقتی از قبر محشور می‌شود، صورتش مانند ماه شب چهارده می‌باشد. در این حال مردم می‌گویند: این شخص حتماً پیامبر است! فرشته‌ای جواب می‌دهد: این مؤمنی است که مهمان دوست بوده و مهمان را عزیز می‌شمرده است. این مؤمن را فقط به بهشت می‌برند.»

